

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## اعتبارنامه علمی - ترویجی فصلنامه اخلاق

شورای اعطای مجوزها و امتیازهای علمی حوزه علمیه به استناد مصوبه شماره ۵۸۵ مورخ ۱۳۸۷/۶/۲۴ شورای عالی حوزه‌های علمیه و با توجه به ارزیابی کمیسیون نشریات علمی حوزه، در جلسه مورخ ۱۳۹۱/۶/۲۸ خود رتبه‌ی علمی- ترویجی نشریه اخلاق را تصویب و طی نامه شماره ۳۱/۵۷۰۷ مورخ ۱۳۹۱/۷/۳۰ ابلاغ نمود. مصوبه شماره ۶۲۵ (ماده واحده) جلسه مورخ ۱۳۸۷/۳/۲۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی:

«مصوبات شورای عالی حوزه علمیه قم در خصوص اعطای امتیاز علمی به مجلات علمی، تأسیس انجمن‌های علمی و ... دارای اعتبار رسمی بوده و موجب امتیازات قانونی در دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه می‌باشد.»

## تارنمای اینترنتی فصلنامه اخلاق

فصلنامه اخلاق به منظور تسهیل فرآیند دریافت، پذیرش، ارزیابی، نظارت و نشر مقالات، تمام مراحل را از طریق تارنمای اینترنتی اختصاصی فصلنامه انجام می‌دهد. بر این اساس، ارسال و دریافت مقالات و پیگیری نتیجه ارزیابی و پذیرش آن تنها از طریق این سامانه امکان پذیر است. اطلاعات بیشتر را با مراجعه به تارنمای فصلنامه دریافت نمایید. فصلنامه از پذیرش مقالات به صورت پستی یا حضوری معذور است. فایل متنی فصلنامه از طریق سایت «Morsalat.ir»، پایگاه استنادی علوم جهان اسلام «ISC»، بانک اطلاعات نشریات کشور «Magiran»، مرجع دانش «Civilica»، مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی «SID»، پرتال جامع علوم انسانی «Ensani»، پایگاه مجلات تخصصی نور «Noormags» و کتابخوان همراه پژوهان «pajoohaan»، نمایه و بارگذاری می‌شود.



پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی  
پژوهشکده هیات و خانواده

## فصلنامه علمی - ترویجی اخلاق

سال دوازدهم / شماره ۴۵، (پیاپی ۶۷) بهار ۱۴۰۱  
\*

صاحب امتیاز: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

مدیر مسئول: عبدالرسول احمدیان

سر دبیر: اصغر هادی

مدیر اجرایی: محمد بهارلو

\*

هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

سیدحسن اسلامی اردکانی / استاد دانشگاه ادیان و مذاهب

مسعود آذربایجانی / دانشیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

مهدی حبیب الهی / استادیار دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام

حسین دیا / استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

محمدرضا سالاری فر / استادیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

مهدی علیزاده / استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

اصغر هادی / استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

\*

### همکاران علمی این شماره:

سید حسن اسلامی اردکانی، مهدی حبیب الهی، حسین دیا، محمدرضا سالاری فر، اصغر هادی  
\*

ویراستار: مریم شیرانی

مترجم انگلیسی: مهدی حبیب الهی

صفحه آرا: فاطمه رجبی

\*

نشر: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی اصفهان

چاپ: مؤسسه بوستان کتاب دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

نشانی: اصفهان، خیابان حافظ، دفتر تبلیغات اسلامی اصفهان، فصلنامه علمی - ترویجی اخلاق

تارنما: [akhlagh.morsalat.ir](http://akhlagh.morsalat.ir) پست الکترونیک: [akhlagh@dte.ir](mailto:akhlagh@dte.ir)

تلفن: (۷۶۵۱ داخلی) ۴ - ۳۲۳۴۴۴۱۰ (۰۳۱) صندوق پستی: ۶۹۷-۸۱۴۶۵

دورنگار: ۳۲۲۰۸۰۰۵ (۰۳۱) کد پستی: ۸۱۴۶۹۵۷۵۷۱

## ویژگی‌های شکلی مقاله

- حتماً با الگوی فصلنامه (مندرج در صفحه اول سامانه نشریه) تنظیم شده باشد؛
۱. حجم مقاله تایپ شده همراه با چکیده و کتابنامه (حداکثر ۷۵۰۰ کلمه) به آدرس سامانه نشریه ارسال شود.
  ۲. مقاله در محیط Word با پسوند DOCX (با قلم Noorzar نازک ۱۴ برای متن و Times New Roman نازک ۱۰ برای انگلیسی) حروف چینی گردد.
  ۳. شیوه‌های استناد بایستی به صورت درون‌متنی بین پرانتز به شرح ذیل باشد:
    - ❖ **قرآن:** آیات (همراه با ترجمه) داخل گیومه درج شده و سپس نام سوره و شماره آیه (داخل پرانتز) آورده شود. **نمونه:** «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ؛ ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است» (حمد: ۱).
    - ❖ **کتاب:** (نام خانوادگی نویسنده، سال انتشار اثر، شماره جلد: شماره صفحه، مثال: منبع فارسی با صفحات متناوب (مطهری، ۱۳۶۰، ج ۱: ص ۲۰۰-۲۲۰) و با صفحات متفاوت (امینی، ۱۳۸۷، ج ۱: صص ۲۰۰ و ۲۰۷)؛ **نکته:** درج (حرف ق) برای تاریخ قمری لازم است. منبع انگلیسی با صفحات متناوب (Kant, 1788: p.224-288) و با صفحات متفاوت Kant, (1788: pp.44, 288).
    - ❖ **مقاله:** (نام خانوادگی، سال انتشار اثر: شماره صفحه. مثال: یاسری، ۱۳۸۵: ص ۷۵).

## تذکر:

- ✓ اگر از یک نویسنده، بیش از یک اثر در مقاله استفاده شود، در صورت اشتراک زمان انتشار آنان، پس از سال انتشار، با ذکر حروف الفبا در گیومه از یکدیگر متمایز شوند. مانند: (مطهری، ۱۳۶۰ «الف»، ص ۲۰۰) یا (مطهری، ۱۳۶۰ «ب»، ص ۱۴۵).
- ✓ اگر مؤلفان یک اثر بیش از سه نفر باشند، تنها نام خانوادگی یک نفر می‌آید و با واژه «دیگران» به دیگر مؤلفان اشاره می‌شود.
- ✓ اگر به دو اثر از یک نویسنده، بدون فاصله ارجاع داده شود، به جای تکرار نام نویسنده، از واژه «همو» استفاده می‌شود و به جای تکرار منبع و سال «همان» درج شود. در ارجاع به منابع لاتین در

متن به جای واژه «همان» از «ibid»، «همو» از «Idem» و «پیشین» از «op.cit» استفاده شود.  
۴. معادل لاتین کلمات غیرفارسی و تلفظ واژگان و اصطلاحات مهجور داخل متن و پراتنز بیاید.

۵. **عبارات تکریمی:** از کلیشه به جای عبارات تکریمی استفاده شود. مانند: سَلَامٌ عَلَيْكُمْ به جای (ص)؛ عَلَيْهِ السَّلَامُ به جای (ع)؛ بِاللَّهِ به جای (ره) و: به جای (عليهم السلام) و ...  
۶. فهرست منابع و مآخذ (کتاب نامه) در پایان مقاله به ترتیب حروف الفبا و به روش زیر تدوین و درج شود:

- ❖ **کتاب‌ها:** نام خانوادگی، نام (سال انتشار)، *عنوان کتاب (ایرانیک)*، مترجم، جلد، نوبت چاپ، محل نشر: ناشر.
- ❖ **مقالات:** نام خانوادگی، نام (سال انتشار)، «عنوان مقاله»، نام نشریه *(ایرانیک)*، دوره و شماره نشریه، شماره صفحات مقاله.
- ❖ **منابع الکترونیکی:** نام خانوادگی، نام (تاریخ مشاهده منبع در سایت یا وبلاگ)، «عنوان مقاله یا نوشته»، آدرس دقیق اینترنتی یا دسترسی (CD و ...) .
- ❖ **پایان نامه‌ها:** نام خانوادگی، نام (سال دفاع از رساله)، *عنوان رساله*، مقطع تحصیلی، گروه، نام دانشکده، دانشگاه.

### ویژگی‌های محتوایی مقاله

- الف) **صفحه اول شامل:** ۱. عنوان کامل مقاله، نام و نام خانوادگی، مرتبه علمی دانشگاهی و پست الکترونیکی سازمانی نویسنده یا نویسندگان؛ ۲. چکیده فارسی (حداقل ۱۵۰ و حداکثر ۲۵۰ کلمه)؛ ۳. کلیدواژه‌ها (۳ تا ۷ کلمه) (**ترجمه و ارسال تمامی موارد به لاتین الزامی است**).
- ❖ در صورتی که مقاله برگرفته از پایان نامه باشد یا سازمان و نهادی هزینه مالی پروژه را پرداخت کرده باشد و یا تشکری لازم داشته باشد باید در پاورقی صفحه اول (چکیده) درج شود.
- ❖ مقاله پیش‌تر یا همزمان به مجله‌های دیگر ارایه نشده باشد و نویسنده به نشر آن در جای دیگر متعهد نباشد.
- ❖ اعضای هیأت علمی، اساتید و محققان مراکز آموزشی و پژوهشی موظف‌اند در مقاله خود پست الکترونیکی سازمانی خود را وارد کنند.

❖ در صورتی که مقاله مشترک است، عنوان (نویسنده مسئول) در پاورقی و در مقابل اسم او درج شود.

(ب) صفحات دوم تا آخر شامل: ۱. مقدمه و طرح مسئله، پیشینه تحقیق، روش تحقیق و گردآوری اطلاعات؛ ۲. تبیین ابعاد مسئله به صورت منطقی شده با رعایت انسجام و هماهنگی مطالب در زیرمجموعه‌سازی استاندارد (پیگیری از الگوی عددی یا حرف و عدد)؛ ۳. نتیجه‌گیری؛ ۴. پی‌نوشت‌ها (در صورت لزوم)؛ ۵. کتاب‌نامه.

### اهداف

تولید و توسعه دانش در گستره اخلاق. با اولویت اخلاق خانواده؛  
ارایه و نقد مطالعات نظام‌مند اخلاق پژوهان حوزه و دانشگاه؛  
مطالعات بین رشته‌ای و مضاف اخلاقی؛  
توسعه روش‌شناسی اخلاق، متناسب با نیازهای پژوهشی جهان معاصر؛  
احیاء تراث در زمینه اخلاق؛  
تولید و توسعه اخلاق کاربردی و حرفه‌ای.

### یادآوری

۱. باتوجه به اینکه رویکرد فصلنامه، ناظر به مباحث نظری اخلاق است، مقالات پیمایشی در اولویت پذیرش نیستند.
۲. مقاله ارسالی باید گویای نوآوری در مسائل اخلاق و حوزه‌های مرتبط به‌ویژه اخلاق اجتماعی باشد.
۳. هیئت تحریریه در رد یا قبول و نیز اصلاح مقالات آزاد است.
۴. دیدگاه‌های مطرح شده در مقالات صرفاً نشانگر نظر نویسندگان آنهاست.

## فهرست مطالب

- سخن فصلنامه..... ۹
- پیش‌نیازها و هم‌نیازهای اخلاقی دانش‌اندوزی با تأکید بر معارف قرآن و حدیث..... ۱۱  
صفر نصیریان، مسلم محمدی
- تبیین اصول اخلاقی حاکم بر تولید و توزیع محتوا در فضای مجازی از منظر اخلاق اسلامی..... ۴۱  
سبحان نقدی‌پور، حسین دیبا، فرزانه اسلامی باباحیدری
- تحلیل مقایسه‌ای مفهوم تربیت اخلاقی از منظر علامه طباطبایی با الگوی رشد صفات خُلُقِ  
شخصیت (با هدف کاربرد در عرصهٔ فرزندپروری)..... ۷۳  
کوثر دهدست
- ارائهٔ الگوی آگاه‌سازی مخاطب برای برون‌رفت از فریب‌کاری رسانه (مبتنی بر محیط خانواده)..... ۱۰۵  
حسین سلطانیان، فائزه تقی‌پور، حمیدرضا پیکری
- بیانیهٔ گام دوم انقلاب اسلامی و اخلاق سلامت..... ۱۳۱  
محسن رضائی آدریانی
- پیامدهای گرایشی دنیاگرایی از دیدگاه قرآن..... ۱۵۳  
پریسا صدیقی، کامران اویسی





## سخن فصلنامه

### هوالمحبوب

رهبر معظم انقلاب - حفظه الله - در دههٔ اخیر به سه موضوع اهتمام ورزیده و آنها را در قالب سیاست‌های کلی، بیانیه و سخنرانی ارائه کرده‌اند. این سه موضوع شامل سیاست‌های کلی خانواده، بیانیهٔ گام دوم و فضای مجازی است که به دنبال اشارات معظم‌له، محققان دربارهٔ زوایای آنها، در کتاب‌ها و مقالات خود به تحقیق و پژوهش پرداختند.

دربارهٔ اولین موضوع، به صورت خلاصه می‌توان گفت که در سیاست‌های کلی خانواده به تحکیم خانواده و در ضمن آن به فرهنگ‌سازی و تقویت تعاملات اخلاقی در خانواده تأکید شده است.

دومین موضوع، یعنی بیانیهٔ «گام دوم انقلاب» مطلع جدیدی است خطاب به ملت ایران و به‌ویژه جوانان. این بیانیه به‌مثابهٔ منشوری خواهد بود برای «دومین مرحلهٔ خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی» و «فصل جدید زندگی جمهوری اسلامی» را رقم خواهد زد. گام دوم، انقلاب را به آرمان بزرگش که «ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواحنا فداه)» است، نزدیک خواهد کرد.

فضای مجازی، به‌عنوان سومین موضوع، از دیدگاه رهبر معظم به‌اندازهٔ انقلاب اسلامی اهمیت دارد و فعالیت در این عرصهٔ فرهنگی، به‌سان عرصهٔ جهاد است. اگر از فضای مجازی غافل شویم و نیروهای مؤمن و انقلابی این میدان را خالی کنند، به یقین ضربه خواهیم خورد.



بر اساس ضرورت یادشده در خصوص این سه موضوع مهم، در این شماره، مقاله‌هایی اخلاقی به شرح زیر به خوانندگان محترم و فرهیخته تقدیم خواهد شد: دو مقاله در موضوع اخلاق خانواده با عناوین «ارایه‌الگوی مبتنی بر آگاه‌سازی مخاطب به منظور برون‌رفت از فریب‌کاری رسانه مبتنی بر محیط خانواده» و «تحلیل مقایسه‌ای مفهوم تربیت اخلاقی از منظر علامه طباطبایی با الگوی رشد صفات حُلّی شخصیت به منظور کاربرد در عرصه فرزندپروری» ارائه شده است. همچنین از نگاه اخلاقی، در مقاله‌ای با عنوان «بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی و اخلاق سلامت» به موضوع بیانیه گام دوم اشاره شده است. در مقاله دیگری با عنوان «تیین اصول اخلاقی حاکم بر تولید و توزیع محتوا در فضای مجازی از منظر اخلاق اسلامی» درباره فضای مجازی سخن به میان آمده است.

افزون بر این مقالات، در دو مقاله دیگر با عناوین «پیش‌نیازها و هم‌نیازهای اخلاقی دانش‌اندوزی با تأکید بر معارف قرآن و حدیث» و «پیامدهای گرایشی دنیاگرایی از دیدگاه قرآن کریم» از دیدگاه اخلاق و حیانی، مباحثی مطرح شده است.

امید است مباحث مطرح‌شده درباره سه موضوع یادشده (سیاست‌های کلی خانواده، بیانیه گام دوم و فضای مجازی) و نیز اخلاق و حیانی، زمینه گسترش مباحث اخلاقی را فراهم سازد.

مدیر مسئول  
عبدالرسول احمدیان



## پیش نیازها و هم نیازهای اخلاقی دانش اندوزی با تأکید بر معارف

### قرآن و حدیث

صفر نصیریان\*، مسلم محمدی\*\*

#### چکیده

پیش نیازهای اخلاقی دانش اندوزی به آن دسته از ارزش های اخلاقی در حوزه دانش اندوزی اطلاق می شود که دانش اندوز قبل از شروع تحصیل دانش به آنها نیاز دارد. هم نیازهای اخلاقی نیز به آن دسته از ارزش های اخلاقی گفته می شود که بر دانش اندوزان لازم است هم گام با تحصیل دانش، خود را به آنها مزین کنند. با توجه به مسائل اخلاقی گوناگونی که در فضاهای علمی به چشم می خورد، در این تحقیق، بدون نگرش انتزاعی صرف، به ارائه راهکارهایی برای حل این مسائل توجه شده است. این نوشتار بر آن است پیش نیازها و هم نیازهای اخلاقی دانش اندوزی را از دیدگاه عقلی، نقلی و عرف رایج بومی وطنی و با روش توصیفی-تحلیلی بررسی کند. طبق بررسی های انجام شده، می توان به اخلاق در حوزه پیش نیازها، از سه جنبه عام، علمی و معنوی و در حوزه هم نیازها، از سه جنبه ملاحظات عمومی، ملاحظات

\* استادیار گروه معارف اسلامی پردیس شهید رجایی ارومیه، دانشگاه فرهنگیان، ارومیه، ایران.

s.nasirian@ut.ac.ir

\*\* دانشیار گروه شیعه شناسی و معارف اسلامی، دانشکده فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران.

mo.mohammadi@ut.ac.ir

تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۰۶/۰۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۲۱



یادگیری و ملاحظات اجتماعی-محیطی توجه کرد. گفتنی است که هریک از جنبه‌های پیش گفته، خود مشتمل بر ارزش‌های زیرشاخه‌ای هستند که در این نوشتار از آن‌ها با عنوان «مورد پژوهانه» بحث شده است.

## کلیدواژه‌ها

دانش‌اندوز، اخلاق، علم، معنویت، استاد، ملاحظات، محیط.

## مقدمه

دنای علم و فناوری با همه خدمات و امتیازاتش، بدون توجه به اصول اخلاقی، آسیب‌های متعددی را در زیست فردی و اجتماعی بشر پدید آورده است؛ نمونه‌اش قرن بیستم است که با بنیاد لیبرالیسم و گفتمان آزادی فردی سر بر آورده و در همین قرن، به اندازه نوزده قرن پیش از آن، علم و فناوری، به‌طور معجزه‌آسایی رشد کرده است، اما سوگمندان در همین قرن، کشورهای صاحب فناوری به همان اندازه که رشد علمی داشته‌اند، جنایات بیشتری هم مرتکب شده‌اند که نمونه بارز آن، جنگ‌های جهانی است که در نهایت به کشتار گسترده مردم ژاپن انجامید؛ از این رو، ترویج آموزه‌های اخلاقی و معنوی در فضای دانش و اندیشه در همین قرن، ضرورتی دوچندان یافته است. بدین منظور، لازم است ابتدا به محیط‌های علمی که همواره مبدأ تحول و اکتشافات علمی بوده‌اند و ممکن است در این محیط‌ها تحصیل علم با دو هدف کاملاً متضاد خدمت‌رسانی به مردم یا ظلم و تعدی به حقوق آن‌ها انجام می‌گیرد، توجهی ویژه شود.

بر این اساس، دانش‌اندوز چنان که بنا دارد از نظر علمی نسبت به دیگران سرآمد باشد، از نظر مسلک و مرام نیز باید برتر باشد. اگر ما توقع داریم در تحول و اصلاح جامعه پیشرفت کنیم، باید بدانیم تا یک دانش‌اندوز، به‌عنوان الگوی نخبه، در جامعه



به وظایف خود به درستی عمل نکند، ایجاد تغییر در جامعه و رعایت الگوهای رفتاری مناسب از سوی افراد آن جامعه دور از انتظار است.

ارائه آثار علمی در این حوزه گویای اهمیت و اولویت گسترش مسئولیت پذیری اخلاقی است. البته با توجه به اینکه بیشتر پژوهش‌های موجود، نه به صورت کاربردی، بلکه از جنبه انتزاعی و تئوری صرف به حل این مسائل توجه کرده‌اند، امروزه ارائه پژوهش‌هایی نو در حوزه اخلاق دانش‌اندوزی ضروری می‌نماید. بدین ترتیب، می‌بینیم که امروزه مواردی مانند تبیین و گسترش اخلاق حرفه‌ای در سطح دانشگاه‌ها، ارائه راهکارهای عملی برای ترویج اخلاق در آموزش، پژوهش و فضای مجازی، جای خود را در پژوهش‌های اخلاقی معاصر باز کرده است.

مقاله پیش رو، با اتخاذ چنین رویکردی، بر آن است بر اساس مسائل اخلاقی متنوع که در مراکز علمی وجود دارد، به صورت کاربردی و نه انتزاعی صرف و به روش توصیفی-تحلیلی با تأکید بر معارف قرآن و حدیث، به ارائه مهم‌ترین پیش‌نیازها و هم‌نیازهای اخلاقی دانش‌اندوزی بپردازد. پیش‌نیازهای اخلاقی دانش‌اندوزی، آن دسته از ارزش‌های اخلاقی‌اند که دانش‌اندوز قبل از شروع تحصیل دانش به آنها نیاز دارد. هم‌نیازهای اخلاقی نیز آن دسته از نیازهای اخلاقی هستند که بر دانش‌اندوزان لازم است هم‌گام با تحصیل دانش، خود را به آنها مزین کنند.

پژوهش حاضر درصدد است به دو سؤال مهم در این زمینه پاسخ دهد:

- پیش‌نیازهای اخلاقی دانش‌اندوزی که لازم است از سوی دانش‌اندوزان به کار بسته شوند، کدام‌اند؟

- هم‌نیازهای اخلاقی دانش‌اندوزی که لازم است از سوی دانش‌اندوزان به کار بسته شوند، کدام‌اند؟





## ۱. پیش‌نیازهای اخلاقی دانش‌اندوزی

مهم‌ترین فضایل و رذایل اخلاقی که از حیث دانش‌اندوزی، توجه به آنها قبل از ورود به علم‌آموزی، زمینه سلامت اخلاقی و روحی طالب علم را فراهم می‌کند، از سه جنبه مختلف شامل پیش‌نیازهای عام، پیش‌نیازهای علمی و پیش‌نیازهای معنوی مطرح هستند که در این بخش درباره آنها بحث می‌شود.

### ۱-۱. پیش‌نیازهای عام

پیش‌نیازهای عام، آن دسته از نیازهای اخلاقی‌اند که به‌طور عام قبل از آغاز تحصیل اهمیت پیدا می‌کنند و اگر در اثنای تدریس لازم باشند، مقدمه‌ای بر کسب دانش‌های افزون‌تر قرار می‌گیرند. در ادامه به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود.

#### ۱-۱-۱. انگیزه و اشتیاق

گاهی در زوایای پنهان وجود آدمی رگه‌هایی از انگیزه و حرکت وجود دارد که باید آنها را جست‌وجو کند و بعد به تقویت آنها همت گمارد؛ چراکه انگیزه‌ها موجب قدرت انسان می‌شوند (خنیفر، ۱۳۹۷، ص ۷۸-۷۹).

بر این اساس، یک جوان جوایب تحصیل باید از همان گام اول، پرانگیزه ظاهر شود و بر حسب آن در راه تحصیل علم گام بگذارد (همان‌جا). آیات و روایات فراوانی<sup>۱</sup> درباره اهمیت و جایگاه دانش‌اندوزی وارد شده است تا دانش‌اندوزان انگیزه وافر برای تحصیل علم که از مهم‌ترین عوامل رشد و تعالی انسان است، کسب کنند. خداوند در قرآن می‌فرماید: «آیا کسانی که می‌دانند با آن‌هایی که نمی‌دانند، برابرند؟» (زمر، ۹). با توجه به این آیه که بین دانش‌اندوزان و افراد جاهل

۱. برای مطالعه آیات به آن دسته از آیاتی که مشتمل بر واژگان «عقل»، «علم» و واژگان همگن دیگرند و نیز برای دسترسی به روایات به باب‌های «عقل و جهل» و «علم» در کتب حدیث مراجعه شود.

فاصله قائل شده است، یکی از مهم‌ترین معیارهای سعادت انسان و ارزشمندی اعمال او، علم و دانش است.

### ۱-۱-۲. اعتماد به نفس و خودباوری

انسان در سایه توانی که خداوند در اختیار او می‌گذارد، مثل آبی یکپارچه و قدرتمند از سدهای بزرگ زندگی عبور می‌کند و دیوارهای ایستایی و محدودیت را می‌شکند. دانش‌اندوز نیز که اراده کرده در علم و دانش روبه‌رشد باشد، با نگرش نو به توانایی‌های خود می‌تواند به شخصیت مستحکمی برسد تا از تجارب تلخ و ناملايمات مسیر دانش‌اندوزی به سلامت عبور کند (خنیفر، ۱۳۹۷، ص ۲۱۴-۲۱۵).

بر این اساس، در روایات به خودشناسی و شناخت استعدادهای درونی توجه زیادی شده است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «با فضیلت‌ترین حکمت، شناخت انسان به خود و قدر منزلتش است» (آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۱۹۹). همچنین، در نقطه مقابل آن می‌فرماید: «بزرگ‌ترین نادانی، ناآگاهی انسان از شأن و منزلت خویش است» (همان، ص ۱۸۹).

«ای انسان، داروی تو در درونت وجود دارد، در حالی که تو نمی‌دانی؛ همان‌طور که دردت هم از خودت است اما نمی‌بینی. آیا گمان می‌کنی تو موجود کوچکی هستی؟ در حالی که دنیای بزرگی در وجود تو نهفته است. ای انسان، تو کتاب روشنی هستی که با حروفش هر پنهانی آشکار می‌شود» (مییدی، ۱۴۱۱ق، ص ۱۷۵).

شهید مطهری زمانی که در فرانسه به ملاقات امام خمینی رفت، شخصیت ایشان را چنین وصف می‌کند: «چیزهایی از روحیه او درک کردم که نه فقط بر حیرت من، بلکه بر ایمانم نیز اضافه کرد. وقتی برگشتم دوستانم گفتند: "چه دیدی؟" گفتم:



”چهار تا آمن: آمن به هدفه؛ آمن بسبيله؛ آمن بقوله؛ آمن برّبه“. یعنی به هدفش، راهش، قولش و ربّش ایمان داشت» (مطهری، ۱۳۶۷، ج ۱: ص ۲۰).

بنابراین، موفقیت هر دانش‌اندوز با الگوگیری از دانشمندان بزرگ و نقش آفرین، در این نکته نهفته است که بدون خودباوری نمی‌توان به موفقیت‌های بزرگی چون کسب علم و دانش دست یافت؛ از این رو، از چهار اصل ایمان به خدا، هدف، راه و گفتار، سه مورد اخیر به انسان و ارتباطش با دنیا مرتبط‌اند و تنها ایمان به خدا با عالم غیب و معنا ارتباط دارد.

### ۱-۱-۳. عزم راسخ

یکی از عوامل موفقیت دانش‌اندوز، با توجه به سختی راه تحصیل دانش و بزرگی این امر، آن است که او در ابتدا برای دانش‌اندوزی، عزمی راسخ داشته باشد. بنابراین، بر وی لازم است هر نوع شک و تردید و هراس از دشواری‌های مسیر علم‌آموزی را از خود دور کند و با اندیشیدن به جایگاه‌های رفیع در این امر پیش برود؛ چنان که خداوند می‌فرماید: «پس همان‌گونه که پیامبران اولوالعزم صبر کردند، صبر کن» (احقاف، ۳۵).

طبق این آیه، شماری از پیامبران که پنج نفرند، به دلیل برخورداری از عزم راسخ، الگویی تمام‌عیار برای طی مسیرهای بزرگ زندگی به شمار می‌روند؛ پیامبرانی که به اهداف بزرگی اندیشیدند که پیامبران دیگر نیندیشیدند؛ از این رو، رسالت آن‌ها نیز بزرگ‌تر و جهانی‌تر شد.

از امام رضا علیه السلام سؤال شد که چگونه ایشان اولوالعزم شدند. حضرت فرمود: «نوح همراه با کتاب و شریعت مبعوث شد و هر کس بعد از او آمد، طبق کتاب و شریعت و روش ایشان عمل کرد تا اینکه ابراهیم با کتاب و صحف جدید آمد و هر پیامبری بعد از او آمد طبق شریعت حضرت ابراهیم عمل کرد. تا اینکه جناب موسی آمد





و تورات را که کتاب جدیدی بود آورد و بعد از آن هم مسیح با انجیل که شریعت جدیدی بود آمد و تا زمان پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، هر کس می آمد طبق شریعت حضرت عیسی عمل می کرد تا اینکه پیامبر اسلام با قرآن و شریعت جدیدی آمد که حرام و حلال آن تا روز قیامت به همان صورت باقی خواهد ماند» (صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ص ۸۶؛ قمی مشهدی، ۱۴۲۳ق، ج ۱۲: ص ۲۰۶).

یکی از راههایی که در ایجاد تصمیم های بزرگ تأثیرگذار است، مطالعه آثار و شرح حال پیامبران و بزرگان دین است. انسان با مطالعه این منابع و درک کوشش های طاقت سوز و زحمات بی امان آن ها و تحمل تمام سختی ها و رنج ها، پی می برد سعادت با کوشش و تلاش بی وقفه برای نیل به موفقیت های بزرگ محقق می شود. این روش موجب می شود عزم ما برای ورد به کارهای بزرگ استوارتر گردد و در هیچ یک از مراحل دانش اندوزی دچار سستی نشویم و روحیه استقامت و پایداری خود را از دست ندهیم. امام علی عَلَيْهِ السَّلَام در این باره می فرماید: «با عزم و اراده به جنگ سستی و بی حالی بروید» (آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۴۲۷).

ممکن است گاهی برخی موانع از جمله ترس در انسان پدید آید و در نتیجه، از بروز توانایی شخص ممانعت کند. در اینجا با کنار گذاشتن ترس، تمرکز و خطرپذیری معقول می توان حرکت کرد؛ چراکه از دست دادن برخی از فرصت ها گاهی به مراتب شکننده تر از احتمال شکست در انجام برخی کارهاست؛ چنان که حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام می فرماید: «اگر از چیزی بیم داشتی درنگ نکن و خود را در آن بیفکن؛ زیرا سختی و حذر کردن بزرگ تر از آن چیزی است که از آن ترس داری» (نهج البلاغه، حکمت ۱۷۵).

بدین ترتیب، دانش اندوز جوان، به دلیل مسئولیتی که در قبال خود و دیگران دارد، نباید از احتمال شکست بترسد، بلکه با نگاه راهبردی به موفقیت باید خود را در مسیر موفقیت قرار دهد.



## ۲-۱. پیش‌نیازهای علمی

این نوع پیش‌نیازها از جنبه علمی اهمیت دارند و متعلق آن به‌طور مستقیم خود دانش است. در این نوع پیش‌نیازها به راه و روش صحیح تحصیل دانش و اولویت‌های آن اشاره می‌شود.

### ۱-۲-۱. حقیقت‌جویی

یکی از جنبه‌های آماده‌سازی وجودی انسان، به‌ویژه دانش‌اندوز، حقیقت‌گرایی است؛ زیرا انسان عاقل همواره در پی کشف حقیقت و آنگاه عمل به آن است. انسان‌های جاهل یا به‌دنبال حقیقت نیستند یا در سخن، دم از حقیقت‌جویی می‌زنند و در مقام عمل، به بهانه‌های واهی از پذیرش آن سر باز می‌زنند (فیض کاشانی، بی‌تا، ج ۱: ص ۹۹).

بنابراین، اولین شاخصه طالب علم، حقیقت‌جویی است؛ از این‌رو، حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «برای فهمیدن سؤال کن، نه برای به‌مشقت انداختن سؤال‌شونده» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۶: ص ۳۸۱).

در ادامه مسیر، بر طالب علم لازم است به مقتضای علم خود ملتزم باشد و آن را بپذیرد. بنابراین، وی باید حاصل عقل و علم خود را بپذیرد و از جدل و بهانه‌جویی بی‌دلیل پرهیزد؛ زیرا مخالفت طالب علم با حقیقت در واقع مخالفت با رشد و بالندگی خود اوست. اما سوگمندان به منافع فردی گاهی الزام می‌کند شخص عالم، به علم خود عمل نکند و از پذیرش آن خودداری کند. انسانی که چنین روحیه‌ای دارد، علم را وسیله رسیدن به مطامع خود قرار می‌دهد و هر وقت علم او را سود بخشید، آن را می‌پذیرد (مصباح یزدی، ۱۳۷۶ الف، ص ۳۷۲).

بر این اساس، خداوند متذکر می‌شود که اهل کتاب به خوبی حقایق را می‌شناسند، ولی کاملاً آگاهانه آن‌ها را پنهان می‌کنند؛ «کسانی که کتاب آسمانی به آنان





داده‌ایم، او (پیامبر) را همچون فرزندان خود می‌شناسند، (ولی) جمعی از آنان، حق را آگاهانه کتمان می‌کنند» (بقره، ۱۴۶).<sup>۱</sup>

خداوند در بیان ویژگی‌های این افراد می‌فرماید: «آنان که کتابی را که خدا نازل کرده است پنهان می‌دارند، تا بهای اندکی بستانند... (خداوند) آن‌ها را پاک نمی‌سازد» (بقره، ۱۷۴).

بر اساس این آیه، کتمان‌کنندگان حقیقت، زمینه‌هدایت و علم را در باطن خود از بین می‌برند و از صفات و عقاید باطل تطهیر نمی‌شوند؛ لذا خداوند متعال درباره آن‌ها می‌فرماید: ﴿وَلَا يُزَكِّيهِمْ﴾؛ «و پاکشان نسازد» (مصطفوی، ۱۳۸۰، ج ۲: ص ۳۳۶).

از سوی دیگر، کسانی که حق را کتمان می‌کنند، در واقع جامعه انسانی را از سیر تکامل فطری حقیقت‌جویی باز می‌دارند.

بنابراین، اگر اهل کتاب بعد از ظهور اسلام، حقایق را کتمان نمی‌کردند، ممکن بود در مدت کوتاهی، هر سه ملت یهود، مسیحیت و اسلام زیر یک پرچم گرد آیند که مع‌الأسف تا به حال، جدایی آن‌ها موجب اختلافات زیادی در جامعه بشری شده است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱: ص ۵۸۶؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱: ص ۵۵۰). بر اساس قرآن، سزای چنین کسانی دورشدن از رحمت الهی است (بقره، ۱۵۹).

بدین ترتیب، کتمان‌کنندگان حقیقت، علاوه بر آنکه خود از نظر اخلاقی به انحطاط کامل می‌رسند، راه را برای ورود دیگران به علوم و معارف الهی می‌بندند و از این‌رو، مشمول لعنت الهی می‌گردند.

۱. دانشمندان اهل کتاب تا قبل از آمدن پیامبر اسلام، به مردم وعده آمدن آن حضرت را می‌دادند و نشانه‌هایی را که در تورات و انجیل آمده بود، برای مردم می‌گفتند؛ ولی همین که پیامبر اسلام مبعوث شد و آن‌ها اقرار به رسالت آن حضرت را مساوی با از دست دادن مال و مقام خود دیدند، حقیقت را کتمان نمودند، تا چند روزی بیشتر در مسند خود بمانند (قرآنی، ۱۳۸۳، ج ۱: ص ۲۶۶).

### ۱-۲-۲. تحصیل علم سودمند

در گفتمان اسلامی، علمی که نفع ندارد، مطلوب نیست؛ از این رو، روایات زیادی در ترغیب به علم نافع و پرهیز از علوم غیرنافع، از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امامان عَلَيْهِمُ السَّلَام وارد شده است.

روزی رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به مسجد آمد. گروهی را دید که پیرامون مردی گرد آمده‌اند. پرسید: «این کیست؟» گفتند: «علامه است». فرمود: «در چه چیز علامه است؟» گفتند: «داناترین مردم به انساب و وقایع عرب است و بیشتر از همه به روزهای مهم جاهلیت و اشعار عربی آگاه است».<sup>۱</sup> پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «این را اگر کسی نداند، زیان نمی‌کند و کسی که می‌داند، نفعی نمی‌برد» (محمدی ری‌شهری، ۱۴۰۳ق، ح ۱۴۱۱۴).

رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در این حدیث، ضمن پرهیز دادن از فراگیری علمی که نفعی ندارند، به‌طور ضمنی به این حقیقت توجه می‌دهند که آدمی به‌دلیل کوتاهی فرصت عمر، باید از برترین و بهترین علوم بهره‌مند شود. امام علی عَلَيْهِ السَّلَام نیز با مثال زیبایی این حقیقت را این‌گونه بازنمایی می‌کند که «زنبور عسل بهترین اجزای گل را برمی‌گزیند و از آن دو چیز نفیس می‌سازد: یکی عسل که شفای آدمیان است و دیگر موم که مردم از آن نور می‌گیرند» (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۳۸).

امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَام درباره‌ی شایسته‌ترین علوم می‌فرماید: «خود را به علمی مشغول مساز که ندانستن آن به تو زیانی نمی‌رساند و از علمی غافل مشو که ندانستن آن بر نادانی‌ات می‌افزاید» (محمدی ری‌شهری، ۱۴۰۳ق، ح ۱۴۱۳۸). این همان اصل بهترگزینی و استفاده‌ی درست از دانش‌های موجود است؛ دانش‌اندوز از همان آغاز باید بر این اصل گوه‌ریابی متمرکز شود.

۱. البته این مذمت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، بیشتر ناظر به علم انساب آن زمان بود که متوجه دنیای جاهلیت بود، نه دانشی که در زمان فعلی تا حدودی مورد توجه است.



### ۱-۲-۳. پرهیز از مدرک‌گرایی

عالمان وارسته هرگز بهای معرفت را با دستاوردهای مادی صرف نسنجیده‌اند و به عبارت دیگر، خود علم را گنج سعادت پنداشته‌اند و آن را به بهای دنیا نفروخته‌اند.

دانش‌اندوز طالب حقیقت نیز با الگوگیری از این بزرگان، نباید صرفاً به دستاوردهای مادی علم فکر کند و آن را فقط به منظور گرفتن مدرک بیاموزد. رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس برای دنیا و مقام پیدا کردن در چشم مردمان و مورد توجه قدرت‌ها شدن به جست‌وجوی علم برآید به بابی از آن نمی‌رسد مگر آنکه عظمت و کبریایی او در نزد خودش افزون می‌شود و زبان و دست‌درازی او بر مردمان افزایش پیدا می‌کند و بی‌توجهی او به خدا و دوری او از دین بیشتر می‌شود» (حکیمی و همکاران، ۱۴۰۹ق، ج ۲: ص ۳۴۳).

بدین ترتیب، علم‌آموزی صرفاً به قصد اکتساب امور دنیوی، مثل کسب ثروت، شهرت یا قدرت به واسطه اخذ مدرک، از اهداف نامطلوب علم‌اندوزی به شمار می‌رود و در نظام اخلاقی اسلام هرگز جایبی ندارد (مصباح یزدی، ۱۳۷۶ب، ج ۱: ص ۶۹).

بر همین اساس، قرآن از کسانی که به انگیزه‌های غیرالهی به کسب دانش پرداخته‌اند، نمونه‌هایی را آورده و بدعاقبتی آن‌ها را متذکر شده است (اعراف، ۱۷۵؛ جمعه، ۵).

بنابراین، دانش‌اندوز باید همواره سعی کند نیت خود را الهی گرداند تا علاوه بر آنکه به سعادت می‌رسد، با مقاصد دنیوی تحصیل علم، درهای معرفت را به روی خود نبندد؛ همان‌طور که حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «محبت دنیا خرد را تباه می‌کند و دل را از شنیدن حکمت بازمی‌دارد و کيفری دردناک می‌آورد» (لیثی، ۱۳۷۶، ص ۲۳۱).





### ۱-۳. پیش‌نیازهای معنوی

این نوع پیش‌نیازها، علاوه بر آنکه به‌طور غیرمستقیم در پیشرفت علمی دانش‌اندوز سهم دارند، انسان را از افتادن در راه‌های ناسالم کسب علم نیز رهایی می‌دهند.

#### ۱-۳-۱. ارتباط با خدا

خوب است دانش‌اندوز علاوه بر تلاش و کوشش علمی، بخشی از وقت خویش را صرف ارتباط با خدا، مناجات، استغفار و انجام درست تکالیف شرعی کند. ره‌آورد این ارتباط، فراگیری بیشتر و بهتر دانش است. کسب دانش بدون استعانت از خداوند متعال ابر می‌ماند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «سزاوار است طالب علم نماز بسیار بخواند و آن را خاشعانه به جای آورد؛ چه آنکه این امر خود برای فراگرفتن علم کمک و یاور است» (طوسی، ۱۳۷۰، ص ۴۶-۴۷).

در شرح احوال عالمان بزرگ اسلام مانند ابن‌سینا و ملاصدرا نیز آمده است که هرگاه به مشکل علمی برمی‌خورند، به مکان‌های مقدس مشرف می‌شدند و علاوه بر کسب آرامش، توفیق حل مسئله را نیز می‌یافتند.

ضمناً دانش‌اندوز، برای گذر از علم ظاهری دنیوی و رسیدن به علوم معنوی که از آن به نور تعبیر شده است و نیز به‌منظور کشف باطن عالم، راهی جز ارتباط با خدا ندارد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «علم نوری است که خداوند آن را در قلب هر کسی که می‌خواهد، قرار می‌دهد» (شهید ثانی، ۱۴۰۹ق، ص ۱۶۷). بنابراین، علم صرفاً انباشتن معلومات ظاهری در ذهن نیست، بلکه علم همان نوری است که به‌دنبال آن علم ظاهری می‌آید (همان‌جا).

همچنین، یاد خدا بهتر از هر چیزی می‌تواند به آرامش روان‌های سرگردان کمک کند و نشاط معناداری به انسان ببخشد؛ همان‌گونه که دوری از یاد خدا موجب سردرگمی و روان‌پریشی می‌گردد؛ از این رو، قرآن، افراد را از نظر سلامت روان به

دو دسته تقسیم می‌کند: ۱) افراد غافل از یاد خدا که زندگی سراسر اضطراب و دلهره دارند: «هرکس از یاد من دوری کند، برای او زندگی سختی در راه است» (طه، ۱۲۴)؛ ۲) افراد همواره به یاد خدا که پیوسته در آرامش‌اند: «آگاه باشید که با نام و یاد خدا دل‌ها به آرامش می‌رسند» (رعد، ۲۸).<sup>۱</sup>

### ۱-۳-۲. نیت آراسته

خداوند می‌فرماید: «بگو هرکس بر اساس ساختار (اخلاقی) خود رفتار می‌کند» (اسراء، ۸۴). امام صادق علیه السلام با تفسیر واژه «شاکله» به «نیت»، می‌فرماید: «نیت برتر از عمل است. آگاه باشید که نیت خود عمل است» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ح ۴).

امام خمینی رحمته الله علیه در توضیح حدیث امام صادق علیه السلام، با تذکر این نکته که این سخن بر مدار حقیقت است، نه مجاز، می‌گوید: «نیت صورت کامله عمل و فصل محصل آن است؛ زیرا صحت و فساد و همچنین، کمال و نقص اعمال منوط به آن است. از این رو، گاهی بین اعمال دینی یکسانی که مؤمن و منافق از نظر صورت انجام می‌دهد، تفاوت و فاصله‌ای بین مُلک و ملکوت وجود دارد و یکی مصداق ملکوت اعلی و دیگری مصداق سقوط به اسفل سافلین است» (امام خمینی، ۱۳۷۵، ص ۳۳۱).

بدین ترتیب، زمانی علم برای دانش‌اندوز، ثمربخش خواهد بود که وی در تحصیل آن، نیت پاک و آراسته داشته باشد. بنابراین، بدون نیت خدایی نمی‌توان به مقصود اصلی علم رسید. بنابراین، اگر مقصود از تحصیل علم، رضای حضرت حق نباشد، علم هرگز آدمی را به حقیقت مطلوب نمی‌رساند، ولو آنکه علم دینی باشد. روایات بر این نکته تأکید دارند (حکیمی و همکاران، ۱۴۰۹، ج ۲: ص ۳۳۰).

۱. تأثیر معنویت و عبادت بر آرامش روح و روان انسان امروزه از نظر علمی نیز یک اصل پذیرفته و اثبات شده است. پژوهش‌های روان‌شناسان نیز نشان می‌دهد که افراد معتقد به خدا و تعلیم ادیان، شادتر و برای زندگی پرنانگیزه‌ترند. همچنین، تحقیقی که در سال ۱۹۹۸ در آمریکا انجام شد نشان داد ۴۷ درصد مردم این کشور معتقدند معنویت مهم‌ترین عامل برای شادی آنهاست (زارعی متین و حق‌گویان، ۱۳۹۰، ص ۶۱).



آثار این امر در انسان عالم، به اشکال گوناگونی ظهور می‌یابد و هریک از این اشکال در نوع خود، آثار بی‌ظیری هستند. حضرت رسول اکرم به روایت امیرمؤمنان می‌فرماید: «هر که علم را برای رضای خدا طلب کند، به هیچ بابی از آن دست نمی‌یابد مگر آنکه به سبب آن در نفس خود دارای فروتنی افزون‌تر می‌شود و در میان مردم بیشتر به تواضع می‌پردازد و ترس او از خدا افزایش می‌یابد و کوشش او در کار دین بیشتر می‌شود. این کس همان است که از علم سود می‌برد و باید آن را بیاموزد» (همان‌جا).

بر اساس روایات، علم باید برای فهمیدن باشد نه برای جدل کردن، فخرفروشی و فریب دیگران (همان، ص ۳۳۲)؛ چنان که پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «هر کس علم بیاموزد تا به وسیله آن بر دانشمندان مباحثات و فخرفروشی نماید یا با سفیهان ممارات و جزو بحث کند یا چهره‌ها را به سوی خود برگرداند، خداوند او را داخل آتش خواهد کرد» (ابن شعبه، ۱۴۰۴ق، ص ۴۳).

## ۲. هم‌نیازهای اخلاقی دانش‌اندوزی

هم‌نیازها آن دسته از نیازهای اخلاقی‌اند که طی مسیر دانش‌اندوزی اهمیت پیدا می‌کنند. مهم‌ترین فضایل اخلاقی که در این دوره می‌توانند زمینه‌ساز سلامت اخلاقی و روحی طالب علم شوند، از سه جنبهٔ مختلف ملاحظات عمومی، ملاحظات روان‌شناختی و ملاحظات اجتماعی-محیطی بررسی می‌شوند.

### ۲-۱. ملاحظات عمومی

در ملاحظات عمومی می‌توان به اصول و موارد مختلفی اشاره کرد.

### ۲-۱-۱. نظم و برنامه‌ریزی

خداوند می‌فرماید: «ما هر چیزی را به اندازه (و روی حساب) آفریدیم» (قمر، ۴۹).





بر اساس این آیه، موجودات عالم روی حساب و نظم دقیق و نیز بر اساس هدف معینی قدم به عرصه هستی نهاده‌اند. نظم شکفت و محیرالعقولی که در آفرینش همه مخلوقات، حرکت سیاره‌ها و ستارگان، گیاهان، موجودات دریایی و صحرایی، بدن انسان، گردش خون و... وجود دارد، همه معلول تدبیر خداوند حکیم، مدبّر و تواناست. خدای توانا و حکیم با توجه به لزوم هماهنگی نظام تشریح با نظام تکوین، همان‌طور که نظم را در دستگاه پهناور و عظیم خلقت قرار داده است، نظم را در زندگی انسان‌ها و روابط اجتماعی آنان نیز می‌پسندد (شریعت‌مداری، ۱۳۶۹، ص ۱۴۹).

بدین ترتیب، سراسر احکام الهی قرآن در مسیر اعتدال و نظم است. امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «آگاه باشید که آگاهی از آینده، خبر از گذشته، داروی درد و نظم و ترتیب (زندگی) شما در قرآن آمده است» (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۸).

بر این اساس، یکی از موضوعات عمده‌ای که در دوران دانش‌اندوزی باید مدنظر باشد، انضباط است. انسان‌های منضبط افرادی فوق‌العاده‌اند. به گفته اریک فروم، روان‌شناس معروف، اگر کاری را با انضباط انجام ندهیم هرگز نمی‌توانیم به درجه مهارت برسیم و اگر تنها در موردی که حوصله‌اش را داریم کاری را انجام دهیم، ممکن است تفریح خوبی باشد، ولی از ما انسان ماهر نمی‌سازد (خنیفر، ۱۳۹۷، ص ۱۸۴).

دانش‌اندوز جویای موفقیت می‌داند که هیچ انسانی با درهم‌ریختگی کارها و ناستواری امور، نه تنها به جایی نمی‌رسد، بلکه با گذشت زمان حسرت او برای اتلاف عمر بیشتر می‌شود. مواجهه تخصصی با زمینه‌های موردعلاقه، یادداشت‌برداری منظم از یافته‌های مفید و تعمق در آنها، از نیازهای دانش‌اندوز برای ارتقای سطح علمی است.

برنامه‌ریزی هم در کنار نظم، در پیشبرد علمی و عملی دانش‌اندوزان اهمیت زیادی دارد؛ زیرا دانش‌وران دارای افکار باارزشی هستند که لازم است در



صحنه‌های زندگی و در قالب موفقیت به منصفه ظهور برسند و این به شرطی حاصل می‌شود که آن‌ها برای عملی شدن افکار خود برنامه‌ریزی کنند.

امروزه زمان اهمیت بسیاری پیدا کرده است. صرف حرکت کافی نیست، باید دید کدام حرکت در کدام زمان مطلوب‌تر است و آنگاه حرکت کرد. مدیریت زمان باعث می‌شود دوست‌دار علم با صرف زمان کمتر به مقصود برسد. در مقابل، دانش‌اندوزی که با دودلی در مسیر دانش قدم بگذارد، نه تنها به مقصد نمی‌رسد، بلکه خود را هم می‌بازد و گم می‌کند و به دلیل شکست‌های متوالی، از خودش نیز ناامید می‌شود.

بارها شده که متوجه شده‌ایم هفته به پایان رسیده و هنوز کاری را سامان نداده‌ایم. این بدان دلیل است که نگاه ما به زمان نگاه روزانه و دقیقی نبوده و صرفاً به افق‌های آینده در قالب هفته و ماه چشم دوخته‌ایم. نگاه روزانه و برنامه‌ریزی ۲۴ ساعته برای استفاده بهینه از زمان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا با این نگاه می‌توانیم هر روز، حداقل هشت ساعت مفید داشته باشیم و موجودیت زمان را در هفته و ماه نیز بهبود ببخشیم (همان، ص ۲۴۱).

## ۲-۱-۲. بردباری و تاب‌آوری

باید توجه داشت کسانی که نقطه عطفی در تاریخ بشریت شده‌اند، با تلاش مداوم و همتی مضاعف به سروری رسیدند. انسان با راحت‌طلبی راه به جایی نمی‌برد. علامه طباطبایی که اسوه طالبان دانش است، هیچ‌گاه سال مداوم به تحصیل علم پرداخت و در این مدت هرگز از کار خود احساس خستگی و دل‌سردی نکرد. از دنیا دل‌برید و به علم‌آموزی اهتمام ورزید. در این مدت بسیار می‌شد که شب‌ها را تا طلوع آفتاب به مطالعه می‌گذراند تا در کلاس درس به خوبی از عهده تدریس برآید (تیموری، ۱۳۸۹، ص ۴۵). بنابراین، دانش‌اندوز باید در زندگی کمر همت را محکم ببندد و چالاک و بی‌پروا وارد عرصه‌های علمی شود.



مغز دانش‌اندوز (به‌عنوان جایگاه فرماندهی بدن)، به‌دلیل فعالیت بیشتر، به‌شدت درگیر می‌شود. گاهی این مسئله باعث می‌شود فرد در موقعیت‌های مختلف، تسلط مناسب روانی نداشته باشد و این وضعیت گاهی به پرخاشگری منجر می‌شود. بنابراین، برای دانش‌اندوز برای مهار خشم، بیشتر از دیگران به سنجیه اخلاقی حلم و خودآرامی نیازمند است و همین رمز قرین شدن حلم با علم در روایات است. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «هیچ جمع‌شدنی بافضیلت‌تر از جمع‌شدن حلم با علم نیست» (حر عاملی، ۱۳۷۴، ج ۱۵: ص ۲).

حلم و علم از نظر روان‌شناختی قرین و سازگارند و به همین سان، با ضد طرف مقابل، سازگاری ندارند؛ یعنی علم با پرخاشگری و نادانی با حلم ناسازگارند. هرچا پرخاشگری غیرمعقول هست، جهل وجود دارد و هرچا بردباری هست، علم وجود دارد. در واقع، ثمره علم باید در حلم انسان دیده شود و حلم متقابلاً موجب و زمینه‌ساز علم است.

صبوری نیز برای رسیدن به موفقیت‌های زندگی دانش‌اندوز، یکی از هم‌پسته‌های علم است. انسان بدون صبوری به حقیقت علم نمی‌رسد. علم نیز چون بسیاری از نعمت‌های این جهان، تدریجی حاصل می‌شود، نه دفعی و یک‌باره. بنابراین، به نظر می‌رسد نیاز دانش‌پژوه به صبر از دیگر اقشار جامعه بیشتر است؛ زیرا دانش‌پژوه طالب جایگاه‌های والاست و رسیدن به آن‌ها، صبر و همتی مضاعف می‌طلبد. نباید به‌علت دیرشدن کامیابی از کار دست کشید و هنگام مواجهه با سختی‌ها ناتوان گردید و انگیزه ادامه کار را از دست داد. چه بسا موفقیت همین نزدیکی باشد یا اگر دیر حاصل شود، محصول آن، ارزش زیادی داشته باشد.

### ۲-۱-۳. اعتدال و میانه‌روی

اعتدال و میانه‌روی در افکار و رفتار، از زمان افلاطون و ارسطو تا ادبیات اسلامی و دینی همواره مورد توجه بوده و بر آن تأکید فراوان شده است. خداوند متعال در



قرآن کریم، امت اسلامی را امت وسط و معتدل معرفی کرده و می‌فرماید: ﴿كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ﴾؛ «بدین گونه شما را امتی میانه قرار دادیم تا بر مردم گواه باشید» (بقره، ۱۱۸). بر اساس این آیه، رعایت اعتدال و میانه‌وری در امور، موجب رشد و تعالی افراد می‌گردد و دانش‌اندوز نیز به آن نیاز مبرم دارد.

پیامبر ﷺ می‌فرماید: «عَلَيْكُمْ بِالْقَصْدِ عَلَيْكُمْ بِالْقَصْدِ عَلَيْكُمْ بِالْقَصْدِ؛ ای مردم بر شما باد به اعتدال و میانه‌روی، به اعتدال و میانه‌روی، به اعتدال و میانه‌روی» (متقی هندی، ۱۴۰۱ق، ج ۳: ص ۲۸). تأکید حضرت، بر امر اعتدال در این روایت، حاکی از آن است که این اصل، تأثیر بسیار زیادی در تداوم امور به‌ویژه تحصیل علم دارد.

#### ۲-۱-۴. عمل‌گرایی و شعارگرایی

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا چیزی به زبان می‌گویید که در مقام عمل خلاف آن می‌کنید؟» (صف، ۲). طبق این آیه، شعارزدگی مناسب حال انسان مؤمن نیست. شایسته است مؤمن قبل از آنکه سخنی بگوید، خود به آن عمل کند. ارتباط علم و عمل به‌گونه‌ای است که می‌توان گفت علم به عمل زنده است و اگر علمی توأم با عمل نباشد، پایدار نیست و در اثر بی‌عملی از بین می‌رود؛ چنان‌که امام علی علیه السلام می‌فرماید: «علم، عمل را فریاد می‌زند، اگر نیاید علم کوچ می‌کند» (نهج البلاغه، حکمت ۳۶۶).

قرآن نتیجه بی‌عملی را این‌گونه ترسیم کرده است: «عاقبت کسانی که اعمال زشت را مرتکب می‌شوند، به آنجا ختم می‌شود که (به‌رغم ایمان اولشان) آیات الهی را تکذیب می‌کنند» (روم، ۱۰). انسان با بی‌عملی دچار نوعی دوگانگی شخصیت می‌شود؛ از یک‌سو، علم به‌سوی عمل فرامی‌خواند و از سوی دیگر، عالم به دلایل مختلف (از جمله هوای نفس) به علم خود عمل نمی‌کند که در این صورت، درون او پر از آشوب می‌شود و به‌ناچار از میان علم و جهل یکی را برمی‌گزیند. این



حقیقت را قرآن چنین بیان کرده است: «خداوند [به دلیل اینکه به علمشان وفادار نماندند] و به تعهدی که پیش خدا کرده بودند، عمل نکردند، در دل‌هایشان تا روز قیامت، نفاق را باقی گذاشت» (توبه، ۷۷).

بدین ترتیب، بر اساس معارف قرآن و حدیث، کسی که فعلش تصدیق‌کننده قولش نباشد، عالم نیست و این چیزی فراتر از آن است که بگوییم چنین کسی عالم بی‌عمل است؛ بلکه باید بگوییم او جاهل بی‌عمل است.

## ۲-۲. ملاحظات یادگیری

در این بخش، اصولی را برمی‌شماریم که در فراگیری بهتر علم، مفید و مؤثرند.

### ۲-۲-۱. تمرکز بر یادگیری

اولین شرط اساسی در ایجاد تمرکز در کلاس درس، خوب گوش دادن است. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «وقتی نزد عالمی رفتی، باید حرص تو به شنیدن، بیش از میلت به سخن گفتن باشد؛ بنابراین، لازم است خوب گوش دادن را مانند خوب گفتن فراگیری و صحبت آن عالم را به خاطر کسی قطع نکنی و در مقابل او بنشین و در حضور او با دست و چشم اشاره نکنی» (محمدی ری‌شهری، ۱۴۰۳ق، ۱۳۵۹۳). خوب دیدن نیز مانند خوب گوش دادن برای تمرکز لازم است. اساساً برای دریافت بهتر شنیده‌های استاد در کلاس درس، دانش‌اندوز گاهی ناگزیر است به‌نحوه ادای کلمات نیز توجه کند.

برای تقویت تمرکز لازم است انسان از مکان‌ها و زمان‌هایی که یادگیری را افزایش می‌دهند، بهره بگیرد و شرایط مشابه دیگر را نیز به‌خوبی و برای یادگیری کامل مهیا کند. مرور ذهنی درس قبل از شروع آموزش نیز کمک شایانی به تمرکز دانش‌اندوز می‌کند؛ زیرا موجب کاهش اضطراب او می‌شود. همچنین، دانش‌اندوز با یادآوری معلومات قبلی بهتر می‌تواند برای پیگیری درس و ارتقای سطح معلوماتش



تمرکز کند. بنابراین، مرور آموخته‌های جلسات قبلی هم در تقویت تمرکز دانش‌اندوز مؤثر است.

## ۲-۲-۲. تفکر ژرف

نباید فراموش کرد که دانه‌ها در سرزمین امکانات خواهند روید و بسیاری از امکانات پیش از اینکه فیزیکی باشند، در اندیشه ما جای دارند. اگر آن‌ها را بارور کنیم و اجازه بالندگی دهیم، این کاشت و رویش همیشه دوام خواهد داشت؛ از این رو، برای طالبان دانش ضرورت دارد به اندیشه‌های قدیمی خود را بازبینی کنند و به ارزیابی دقیق آن‌ها پردازند تا زمینه تغییر را در درون آن‌ها بیابند.

فکر و اندیشه به‌عنوان مهم‌ترین جنبه وجودی بشریت که وجه ممیز او از تمام موجودات است و او را در عرصه‌های فردی و اجتماعی و مادی و معنوی زندگی راهنمایی می‌کند، در قرآن و احادیث اولیای دین جایگاهی بس رفیع دارد. از پیامبر ﷺ و دیگر معصومان علیهم‌السلام، نکات ظریف متعددی درباره اصل تفکر و تدبر نقل شده است. پیامبر اکرم می‌فرماید: «بنیاد و اساس آدمی، خرد اوست» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۸: ص ۱۸۱) و حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید: «هیچ دانشی مانند تفکر نیست» (نهج البلاغه، ح ۱۱۳).

تفکر از دیدگاه اسلام آن‌قدر ارزشمند است که حتی مسائل معنوی و امور عبادی با این ملاک، ارزش‌گذاری می‌شوند؛ از این رو، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «دو رکعت نماز کوتاه با تدبر، از نماز در تمام شب بهتر است» (طبرسی، ۱۳۸۶، ص ۳۰۰). حضرت علی علیه‌السلام نیز می‌فرماید: «برترین عبادت، اندیشیدن درباره خدا و قدرت اوست» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ص ۵۵).

این احادیث، نمونه‌هایی از سخنان پرشمار بزرگان دین در ارزشمندی تفکر هستند. در قرآن نیز حدود سیصد بار از واژه‌های مربوط به تفکر استفاده شده است.



جالب اینکه حتی در شب قدر که به شب عبادت معروف است، به مطالعه و دقت علمی و سازنده سفارش شده است.

### ۲-۲-۳. پرسش‌گری و نوآوری

سؤال کردن، نصف علم است. بنابراین، در جایی که مطلبی مفهوم نیست یا در سخن استاد ابهام وجود دارد و یا زمینه علمی جدیدی را برمی‌انگیزاند، دانش‌اندوز می‌تواند به پرسش‌گری پردازد. پرسش‌گری دانش‌اندوز فوایدی در بر دارد؛ از جمله اینکه باعث می‌شود فضای کلاس درس از یک‌جانبه‌بودن خارج شود. همچنین، پرسش‌گری در فهم بهتر درس تأثیرگذار است و حتی گاه عرصه‌های پژوهشی جدیدی را به روی دانش‌اندوز می‌گشاید تا با همکاری استاد آن را تحقق بخشد و به تولید علم پردازد.

خلاقیت و ابتکار در همه انسان‌ها وجود دارد، ولی مهم آن است که آن را به کار بندیم و از فکر خلاق خود سطحی و زودگذر نگذریم و آن را پرورش دهیم. خلاقیت یک‌درصد فکر بکر است و ۹۹ درصد آن زحمتی است که برای ارزیابی، بسط و گسترش و تعمیم آن فکر خلاق می‌کشیم.

توماس ادیسون می‌گوید: «ابتکار زمانی معنا دارد که انسان گسسته از جمع و برخلاف مسیر آب شنا کند». چنین انسان‌هایی به آنچه دیگران به اهمیت آن واقف نیستند اهمیت می‌دهند، دچار روزمرگی نمی‌شوند، سختی‌ها را تحمل می‌کنند و ملامت راحت‌طلبان را به جان می‌خرند تا به ابتکار برسند.

ادیسون در کودکی از مدرسه اخراج شد و در دوران نوجوانی و جوانی شکست‌های فراوانی را تجربه کرد، ولی از تلاش دست نکشید تا اینکه امروزه او را از مشاهیر صنعت می‌شماریم و بیش از دو‌یست اختراع به نام او ثبت شده است. بنابراین، کارهای بزرگ مستلزم استقامت بیشتری هستند و اهل استقامت با شکست بیگانه‌اند (خنیفر، ۱۳۹۷، صص ۹۴ و ۹۸).



اگر دانش‌اندوز مبتکر باشد، دیگران که به ابتکار او نیاز دارند، از او حمایت می‌کنند و با تولید انبوه ابتکار و اختراع او، مسیر پیشرفت را برای جامعه باز و هموار می‌بینند.

## ۲-۳. ملاحظات اجتماعی-محیطی

معاشرت دانش‌اندوز با دیگر دانش‌اندوزان، استادان و کارمندان دانشگاه، تجربه‌ی جدیدی از حضور او در اجتماع و ارتباط با دیگران است. بر این اساس، در اینجا جنبه‌های مهم حاکم بر زندگی دانش‌اندوز بررسی می‌شود.

### ۲-۳-۱. احترام به استاد و فروتنی در برابر او

در فرهنگ اسلامی، معلم و استاد جایگاه بلند و ممتازی دارد. پیامبر ﷺ در این باره فرمود: «هر کس به کسی مسئله‌ای بیاموزد، مالک و صاحب او می‌گردد» (محمدی ری‌شهری، ۱۴۰۳ق، ح ۱۳۵۹۵). امام سجاد علیه السلام نیز در این باره می‌فرماید: «حق کسی که به تو علم می‌آموزد این است که او را تکریم کنی و گفت‌وگوی با او را ارج بنهی و به دقت به سخنان او گوش کنی و در برابر او صدایت را بلند نکنی» (همان، ح ۱۳۵۹۱).

در آموزه‌های اسلامی، احترام به معلم که پدر معنوی و روحانی انسان است، وظیفه‌ای انسانی است و خود مبنای توفیقاتی خواهد شد. در همه حال باید معلمان و استادان را محترم شمرد و از آنان به نیکی یاد کرد. تواضع و فروتنی در برابر آنها، عمل به دستورها و راهنمایی‌هایشان، تکریم و بزرگداشت آنها در شرایط مختلف و یاد کردن از کمالات و ارزش‌های علمی و اخلاقی‌شان از جمله وظایف اخلاقی دانش‌اندوز است.

احترام به معلم، مانند احترام به والدین، حد خاصی ندارد و در همه حال، چه در حیات و چه بعد از مرگ آنها، لازم و سفارش شده است. امام رضا علیه السلام فرمود:





«معلم الخیر و الدین یقوم مقام الاب» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷۴: ص ۷۷)؛ یعنی معلم خوبی و دین، جانشین پدر می‌شود. عجیب‌تر آن است که احترام و جایگاه معنوی معلم از پدر و مادر (با آن همه احترام و قداست و شرافتی که خداوند برای آن‌ها در نظر گرفته است)، برتر است.

## ۲-۳-۲. خوش خلقی

یکی از عوامل مؤثر در زندگی علمی انسان، خوش خلقی و مردم‌داری است؛ از این رو، در برخی روایات آمده است: «حسن الخلق نصف العیش» (صدوق، ۱۳۶۲، ج ۱: ص ۳۰). کسی که به قصد کسب علم وارد دانشگاه می‌شود، اگر در فضای دانشگاه (به ویژه خوابگاه)، صمیمیت و یک‌دلی ببیند، با روحیه بهتری به تحصیل علم می‌پردازد. البته خوش رفتاری و حسن خلق دانش‌اندوز جدیدالورود نیز در ایجاد تعامل بین او و دیگران ثمربخش است.

در محیط خوابگاه معمولاً افرادی از نقاط مختلف کشور و گاه دنیا، با فرهنگ‌های مختلف حضور دارند. بنابراین، شایسته است که دانش‌اندوز در چنین محیطی برای هم‌زیستی موفق با دیگران، با آنان با اخلاق خوش مواجه شود تا دیگران نیز با او چنین رفتاری داشته باشند.

با توجه به اینکه دانش‌اندوزان ساعات زیادی از شبانه‌روز را در دانشگاه و خوابگاه می‌گذرانند، رعایت ادب و احترام به حقوق هم‌اتاقی‌ها و دیگر دانش‌اندوزان، بایسته‌ای مهم و قابل توجه است. کسی نزد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از همسایه‌اش شکایت کرد که از دست او در امان نیست. پیامبر به حضرت علی و سلمان و ابوذر دستور داد به مسجد بروند و فریاد بزنند: «ایمان ندارد کسی که همسایه‌اش از شر او در امان نباشد» (حر عاملی، ۱۳۷۴، ج ۸: ص ۴۸۷). همچنین، آن حضرت فرمود: «هر که همسایه‌اش را بیازارد، خداوند بوی بهشت را بر او حرام می‌کند و جایگاه او دوزخ است» (همان، ص ۴۸۲).



## ۲-۳-۳. رازداری

یکی از مسائل مهم اخلاقی که در محیط‌های اجتماعی، به‌ویژه در محیط‌های دانش‌اندوزی، لازم است رعایت شود، اصل رازداری است. گاهی دو دانش‌اندوز به دلیل علایقی که به یکدیگر دارند، رازهایی را در میان می‌گذارند تا از این طریق هم درددلی کرده باشند و هم به راهکاری مشترک برای رفع مشکل پیدا کنند. این رازها نباید در محیط‌های عمومی و نزد هم‌دانشگاهی‌ها یا هم‌خوابگاهی‌ها دیگر انتشار یابد.

به‌طور طبیعی در فضای زندگی دانشگاهی گاه انسان از مسائل و مشکلات دیگران اطلاع پیدا می‌کند که افشای آن‌ها از گناهان نابخشودنی است. متأسفانه گاهی دیده شده اندکی بی‌توجهی، آبرو و زندگی یک دانش‌اندوز را با مشکل جدی مواجه کرده است.

به نظر می‌رسد سخن لطیف و پرمعنای زیر از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله اهمیت داستان را بر ما آشکار می‌کند. روزی پیامبر رو به کعبه فرمود: «آفرین بر تو، چقدر بزرگی! چه حرمت عظیمی بر خدا داری! ولی به خدا سوگند بی‌شک حرمت مؤمن از حرمت تو بیشتر است» (طبرسی، بی‌تا، ص ۱۴۹). این حدیث خود در ضرورت و اهمیت حفظ اسرار هم‌نوعان و هم‌شاگردی‌ها ما را کفایت می‌کند.

## ۲-۳-۴. مشارکت و هم‌یاری

فضای اجتماعی دانشگاه از آنجا که تجلی فضائل و رذائل اخلاقی متعددی مانند راست‌گویی و دروغ‌گویی، خوش‌رویی و بدخلقی، تقلب و شرافت علمی و بسیاری از صفات دیگر است، یادگیری و توجه به اصول اخلاقی در زیست اجتماعی، زمینه سلامت و ارتباطات سالم دانش‌اندوز در موارد برشمرده را فراهم خواهد آورد.

مشارکت‌های اجتماعی یکی از ابزارهای سازندگی دانش‌اندوز به شمار می‌روند. دانش‌اندوز ضمن درس خواندن، در یکی از تشکلهای دانشگاهی با دانش‌اندوزان



دیگر مشارکت اجتماعی دارد. اهمیت این مشارکت در این است که اعضای سابق آن‌ها از دانش‌اندوزان مجرب هستند و دانش‌اندوز جدید با ورود به این تشکل‌ها و گروه‌ها با کارهای سازمانی و عناصر و ساختارهای کار فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در دانشگاه آشنا می‌شود و ضمن همکاری با سایر اعضای گروه، به پیشبرد مسائل دانشگاه نیز کمک می‌کند.

شاید برخی از دانش‌اندوزان به بهانه درس و فعالیت‌های پژوهشی کمتر به فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی وارد می‌شوند، اما نگارنده با توجه به بیش از بیست سال حضور در فضای دانشگاه‌های کشور، به نتیجه‌ای خلاف این رسیده است؛ چراکه با برنامه‌ریزی درست معمولاً چنین افرادی هم در امر درس و پژوهش موفق‌تر بوده‌اند و هم به دلیل برخورداری از روحیه مسئولیت‌پذیری، در آینده در زندگی فردی و سازمانی خود مؤثرتر خواهند بود.

نباید فراموش کرد که احترام به مقررات دانشگاه و تعامل سازنده با مدیران، کارکنان و مشاوران، خود نمونه روشنی از هم‌یاری و همکاری به حساب می‌آید. بنابراین، هرچند ضعف‌ها و نارسایی‌هایی در قوانین دانشگاه‌ها وجود دارد، دانش‌اندوزان می‌توانند با تغییر نگرش و با زاویه دید دیگری به رفع مشکلات خود بپردازند.



## نتیجه‌گیری

در این مقاله، پیش‌نیازها و هم‌نیازهای دانش‌اندوزی بررسی شدند و نتایج زیر به دست آمد: بر اخلاق در حوزه پیش‌نیازها از سه جنبه عام، علمی و معنوی تأکید شد. از جنبه اول به اصول مهم انگیزه و اشتیاق، اعتماد به نفس و خودباوری و عزم راسخ؛ از جنبه دوم، اصولی همچون حقیقت‌جویی، لزوم تحصیل علم سودمند، و پرهیز از مدرک‌گرایی؛ و از جنبه سوم به اصولی مثل ارتباط با خدا و نیت آراسته اشاره شد. اما اخلاق در حوزه هم‌نیازها از سه جنبه مورد توجه واقع شد که عبارت‌اند از: ملاحظات عمومی، ملاحظات یادگیری و ملاحظات اجتماعی-محیطی. از جنبه اول به اصولی همچون نظم و برنامه‌ریزی، بردباری و تاب‌آوری، اعتدال و میانه‌روی و عمل‌گرایی و شعار‌گریزی توجه شد؛ از جنبه دوم به اصول مهمی مثل تمرکز بر یادگیری، تفکر ژرف و پرسش‌گری و نوآوری اشاره گردید؛ و از جنبه سوم، چهار ارزش اخلاقی احترام به استاد و فروتنی در برابر او، خوش‌خلقی، رازداری و مشارکت اجتماعی و هم‌یاری بررسی شد.



## کتاب نامه

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. آمدی، عبدالواحد بن محمد تمیمی (۱۴۱۰ق)، غرر الحکم و درر الکلم، قم: دار الکتاب الإسلامی.
۴. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق)، تحف العقول، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.
۵. امام خمینی، روح الله (۱۳۷۵)، شرح چهل حدیث، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۶. تیموری، قنبر علی (۱۳۸۹)، کوله پستی طلبگی، تهران: کانون اندیشه جوان.
۷. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۷۴)، وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
۸. حکیمی، محمدرضا و دیگران (۱۴۰۹ق)، الحیاء، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۹. خنیفر، حسین (۱۳۹۷)، مهارت های دوران دانشجویی و تربیت معلم، تهران: راه دان.
۱۰. زارعی متین، حسن و زلفا حق گویان (۱۳۹۰)، شادی و نشاط در محیط کار و زندگی، قم: مؤسسه کتاب مهربان.
۱۱. شریعت مداری، علی (۱۳۶۹)، مقدمه روانشناسی، اصفهان: مشعل.
۱۲. شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۰۹ق)، منیة المرید، قم: مکتب الإعلام الإسلامی.
۱۳. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۳۶۲)، الخصال، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.



۱۴. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۰۴ق)، *عیون أخبار الرضا، بیروت: منشورات مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.*
۱۵. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴)، *ترجمة المیزان، سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.*
۱۶. طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۸۶)، *مکارم الاخلاق، تهران: حیب.*
۱۷. طبرسی، علی بن حسن (بی تا)، *مشکات الانوار، نجف اشرف: کتابخانه حیدریه.*
۱۸. طوسی، خواجه نصیرالدین (۱۳۷۰)، *انیس الطالبین؛ ترجمه آداب المتعلمین، ترجمه محمدجواد ذهنی تهرانی، قم: حاذق.*
۱۹. فیض کاشانی، محسن (بی تا)، *المحجة البيضاء فی تهذیب الاحیاء، تصحیح علی اکبر غفاری، قم: النشر الإسلامی.*
۲۰. قرائتی، محسن (۱۳۸۳)، *تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن.*
۲۱. قمی مشهدی، محمدرضا (۱۴۲۳ق)، *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، قم: دار الغدیر.*
۲۲. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۶۵)، *الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامیة.*
۲۳. لیثی واسطی، علی (۱۳۷۶)، *عیون الحکم و المواعظ، تحقیق و تصحیح حسین حسینی بیرجندی، قم: دار الحدیث.*
۲۴. متقی هندی، علاءالدین علی بن حسام (۱۴۰۱ق)، *کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال، بی جا: مؤسسة الرسالة.*
۲۵. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق)، *بحار الانوار، بیروت: مؤسسة الوفا.*
۲۶. محمدی ری شهری (۱۴۰۳ق)، *میزان الحکمه، قم: مکتبة الاعلام الاسلامی.*
۲۷. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۶الف)، *اخلاق در قرآن، تحقیق و نگارش محمدحسین اسکندری، قم: مؤسسه امام خمینی.*
۲۸. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۶ب)، *ره توشه؛ پنجاهای پیامبر اکرم به ابودر، تحقیق و نگارش کریم سبحانی، قم: مؤسسه امام خمینی (ره) .*



۲۹. مصطفوی، حسن (۱۳۸۰)، تفسیر روشن، تهران: مرکز نشر کتاب.
۳۰. مطهری، مرتضی (۱۳۶۷)، سرگذشت‌های ویژه از زندگی استاد شهید مطهری به روایت جمعی از فضلا و یاران، تهران: مؤسسه نشر و تحقیقات ذکر.
۳۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۳۲. میدی، حسین بن معین‌الدین (۱۴۱۱ق)، دیوان امیرالمؤمنین، تحقیق و تصحیح مصطفی زمانی، قم: دار نداء الاسلام للنشر.







## تبیین اصول اخلاقی حاکم بر تولید و توزیع محتوا در فضای مجازی از منظر اخلاق اسلامی

سبحان نقدی پور\*، حسین دیا\*\*، فرزانه اسلامی باباحیدری\*\*\*

### چکیده

فعالیت تولیدکنندگان و ترویج دهندگان محتوا در فضای مجازی به نوعی زیربنای فعالیت های سایبری کاربران و استفاده کنندگان از محتوای مجازی است و از همین رو، این گروه از جایگاه ویژه ای در اخلاقی شدن فضای مجازی برخوردارند. مسئله مهم، تبیین ملزومات پایبندی اخلاقی و رفتارهای اخلاقی تولیدکنندگان و ترویج دهندگان محتوا در فضای مجازی است و تا زمانی که این مسئله تبیین نگردد، رفتار اخلاقی این افراد و در نتیجه، اخلاقی شدن فضای مجازی، امری ناممکن و دست نیافتنی است. هدف از این پژوهش، پاسخ به سؤالاتی است که با بنیان های ارزشی افعال و مسئولیت های اخلاقی تولیدکنندگان و ترویج دهندگان محتوا در فضای مجازی و فناوری های اطلاعات و ارتباطات پیوند دارد. روش تحقیق از نظر

\* دانش آموخته سطح چهار حوزه علمی قم (فقه و اصول)، قم، ایران.

Sobhan.naghdipoor68@gmail.com

\*\* استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران.

hoseindiba@gmail.com

\*\*\* دانش آموخته سطح سه حوزه علمی خواهران معصومیه (تفسیر و علوم قرآنی)، قم، ایران.

Sobifari89@gmail.com

تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۰۳/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۱۹



گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای و رصد میدانی فضای مجازی و از نظر ارائه اطلاعات، تحلیلی و از نظر هدف، کاربردی است. از منظر آموزه‌های وحیانی اسلام، اصول و ارزش‌های اخلاقی حوزه تولید و ترویج محتوا در فضای مجازی عبارت‌اند از: راستی و صدق، اهتمام به امور دیگران و خدمت‌رسانی، مسئولیت‌پذیری و وظیفه‌شناسی، امانت‌داری و رعایت حقوق دیگران، دانش‌افزایی، پرهیز از اشاعه فحشا، حفظ محیط‌زیست و پرهیز از شایعه‌پراکنی.

## کلیدواژه‌ها

اخلاق فناوری اطلاعات، فضای مجازی، اصول اخلاقی، کد اخلاقی، محتوای مجازی، تولیدکنندگان و ترویج‌دهندگان محتوای مجازی.

## مقدمه

در عصر حاضر، خواه‌ناخواه، فضای مجازی و فناوری‌های مبتنی بر آن جزء جدایی‌ناپذیر زندگی افراد در تمام جوامع شده است و هرچه زمان می‌گذرد حضور این فناوری در زندگی بشر جدی‌تر و گسترده‌تر می‌شود. با گسترش روزافزون فناوری فضای مجازی، نمی‌توان آثار شگرف این فضا را بر سبک زندگی اخلاقی نادیده گرفت. بی‌شک فضای مجازی، مستقیم و غیرمستقیم، بر سبک زندگی اخلاقی افراد در تمام جوامع به‌ویژه کشور اسلامی ایران تأثیرات مثبت و منفی فراوانی گذاشته است.

فضای مجازی با رویکرد دوگانه اخلاقی که دارد از یک سو، زمینه مناسبی را برای ترویج و نهادینه‌سازی فضایل اخلاقی، به‌ویژه در زمینه ارزش‌های اجتماعی، فراهم کرده و از سوی دیگر، مسائل فراوانی برخلاف مقاصد انسانی و اخلاقی (از جمله به‌خطرانداختن فضایل اخلاقی فردی و اجتماعی) ایجاد نموده است؛ به‌گونه‌ای



که بسیاری از فضایل اخلاقی را سست کرده یا از بین برده است. به گفته کیان خواه و حسینی، مهم ترین و اصلی ترین آفت فضای سایبری را می توان دور کردن انسان از هویت ملکوتی خود با نمایش جلوه های رنگارنگ از تمدن غربی دانست (کیان خواه و حسینی، ۱۳۹۷، ص ۴۴۴).

مسائلی از این قبیل، حاکمان و جامعه شناسان و اخلاق پژوهان را بر آن می دارد که در مقابل آسیب های این فناوری ایستادگی کنند. اگر شیوه حفظ وضع موجود را در مواجهه با فضای مجازی پیش بگیریم و این فضا را با چنین آفاتی به حال خود رها کنیم، کاری خلاف عقل است و اگر بخواهیم راه سلبی را انتخاب کنیم و به کلی آن را از زندگی حذف کنیم، به جرئت می توان گفت چنین امری امکان پذیر نیست و به شکست ختم می شود.

از منظر اخلاق دینی، راه میانه ای برای مقابله با آفات اخلاقی فضای مجازی وجود دارد و آن سالم سازی محیط فضای سایبری از طریق جدی گرفتن اخلاق دینی در احیای ارزش ها، هنجارها و اخلاقیات دینی در این فضا است. با جدی گرفتن اخلاق دینی در فضای مجازی، احتمال بروز آفات اخلاقی این فناوری به حداقل می رسد و زمینه استفاده بدون آسیب از آن برای همگان فراهم می گردد.

تولید کنندگان و ترویج دهندگان محتوا در فضای مجازی به واسطه فعالیت ویژه خود در این فضا که به نوعی زیربنای فعالیت های سایبری کاربران و استفاده کنندگان از محتوای مجازی را تشکیل می دهد، جایگاه ویژه ای در اخلاقی شدن فضای مجازی دارند. مسئله مهم، تبیین ملزومات پایبندی اخلاقی این افراد است و تا زمانی که این مسئله تبیین نگردد، رفتار اخلاقی این افراد و در نتیجه، اخلاقی شدن فضای مجازی، امری ناممکن و دست نیافتنی است.

درباره پیشینه اصول اخلاقی حاکم بر تولید و توزیع محتوا در فضای مجازی از منظر اخلاق اسلامی می توان به مقاله رحمتی (۱۳۹۷) و رساله نقدی پور (۱۳۹۹)



اشاره کرد؛ رحمتی در مقاله خود اجمالاً به ضرورت تدوین نظام اخلاقی اسلام درباره فضای مجازی اشاره کرده، اما نقدی پور در رساله خود در ضمن اشاره به اصول اخلاقی فضای سایبری، به طور اختصاصی، الزامات اخلاقی حاکم بر تولید و توزیع محتوا در فضای سایبری را نیز بیان کرده است.

هدف از این پژوهش پاسخ به سؤالاتی است که با بنیان‌های ارزشی افعال و مسئولیت‌های اخلاقی تولیدکنندگان و ترویج‌دهندگان محتوا در فضای مجازی و فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات پیوند دارند. در این پژوهش، مباحث مرتبط با اخلاقیات، هنجارها، بایدها و نبایدهای اخلاقی تولیدکنندگان و ترویج‌دهندگان محتوا در فضای مجازی از منظر مکتب اخلاق اسلامی، از دل آیات و روایات به دست می‌آید که بر اساس آن‌ها شایسته‌ها و ناشایسته‌های فعالیت سایبری این دسته افراد مشخص می‌گردد.

این اصول و ارزش‌های اخلاقی عبارت‌اند از: راستی و صدق، اهتمام به امور دیگران و خدمت‌رسانی، مسئولیت‌پذیری و وظیفه‌شناسی، امانت‌داری و حفظ حقوق دیگران، دانش‌افزایی، پرهیز از اشاعه فحشا، حفظ محیط‌زیست و پرهیز از شایعه‌پراکنی.

### ضرورت اخلاق دینی و کارکردهای آن در فضای مجازی

امروزه فضای مجازی اکثر جوامع انسانی را درگیر کرده است؛ به گونه‌ای که جزء جدانشدنی زندگی فردی و اجتماعی انسان شده است و فرض نظم زندگی اجتماعی، بدون در نظر گرفتن این فضا امکان‌پذیر نیست. ویژگی منحصر به فرد فرامکانی و فرازمانی بودن فضای سایبری، زمینه و انگیزه فساد و انحرافات اخلاقی را بیش از پیش فراهم کرده است. همچنین، بدان دلیل که این فضا به قوانین مدنی متکی بر حاکمیت محدود نیست، نظارت کارآمدی از سوی افراد جامعه و نهادهای مربوط در زمینه‌های اخلاقی، فرهنگی، اجتماعی و امنیتی بر آن اعمال نمی‌شود؛ از این رو،



ابزاری لازم است تا خود کاربران و افرادی که با فضای سایبری در ارتباطند، این نظارت اخلاقی را اعمال کنند. به اعتقاد کارشناسان و بر اساس تجربه، صرفاً با وضع قوانین و مقررات نمی‌توان بر فضای مجازی نظارت کرد، بلکه به ابزار دیگری به نام اخلاق نیاز است تا خودکنترلی جایگزین انواع دیگر کنترل (به‌ویژه محدودسازی و فیلترینگ) شود (نقدی‌پور، ۱۳۹۹، ص ۳۵).

اخلاق دینی می‌تواند فضای مجازی را در راستای هدف غایی و قرب الهی سامان دهد و افراد را در رسیدن به آن هدف یاری کند؛ زیرا نظام اخلاقی اسلام، انسان را مرکب از دو ساحت روحانی و جسمانی معرفی می‌کند و کمال اخلاقی انسان را در تکامل یافتن ساحت روحانی می‌داند. از نظر اسلام، رعایت اصول اخلاقی موجب کمال و تهذیب روح می‌گردد. فعالیت‌های سایبری هر کس در نظام اخلاقی اسلام با تکامل یا تنازل روحانی کاربران پیوند خورده است؛ از این رو، رعایت اصول اخلاقی اسلام در فعالیت‌های سایبری، رشد اخلاقی کاربران را تکمیل می‌کند.

### مفهوم‌شناسی

بررسی و تحلیل اصول و قواعد اخلاقی حاکم بر تولید و ترویج محتوا در فضای مجازی از منظر اخلاق اسلامی مستلزم آن است که بعضی مفاهیم به‌طور مختصر روشن شوند:

### فضای مجازی

فضای مجازی به فناوری‌ای گفته می‌شود که از طریق اتصال شبکه‌های رایانه‌ای و اینترنتی پدیدار شده است؛ به عبارتی، فضای مجازی به مجموعه فعالیت‌ها و تعاملات انسان‌ها از طریق رایانه و اینترنت و فناوری‌های نوین مبتنی بر آن دو، بدون در نظر گرفتن زمان و مکان، گفته می‌شود. مفهوم فضای مجازی به مؤلفه‌هایی چون سخت‌افزار، نرم‌افزار، کیفیت و کمیت انتقال داده‌ها و تعامل در شبکه اشاره دارد.



امروزه مصداق بارز فضای مجازی، فناوری‌های الکترونیکی و الکترومغناطیسی مانند رایانه، اینترنت، تلفن همراه و شبکه‌های اجتماعی است (همان، ص ۱۵).

### محتوای مجازی

محتوای مجازی در واقع ارائه اطلاعات برای یک موضوع یا محصول و یا خدمات خاص است که از طریق بستر فضای مجازی تولید و توزیع می‌گردد؛ به عبارتی، منظور از محتوا، داده‌ها (Data) و اطلاعاتی مجازی است که از طریق فضای سایبری تولید و توزیع می‌شوند و شامل موضوعات اخلاقی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، دینی، آموزشی، سرگرمی، تبلیغاتی و... می‌شود (همان، ص ۱۶).

امروزه محتوای مجازی انواع گوناگونی دارد: محتوای متنی که بیشتر در قالب مقالات و وبگاه‌ها، ایمیل‌ها، خبرنامه‌ها، پیامک (SMS) و محتوای شبکه‌های اجتماعی مختلف در فضای مجازی نمود پیدا می‌کند؛ محتوای صوتی از قبیل فایل‌های صوتی و پادکست‌ها؛ محتوای عکسی و تصویری؛ محتوای ویدئویی که قابلیت نمایش در صفحات اجتماعی، وبگاه‌ها، شبکه‌های ویدئویی و کانال‌های ویدئویی را دارد؛ محتوای اینفوگرافیک که روی عکس‌ها، نوشته‌ها و توضیحات مختصر و مفید قرار داده می‌شود؛ محتوای پوستری و کاتالوگی؛ محتوای وینار و لایو که در قالب کلاس، دوره، نشست یا هر رویداد برخطی که در محیط وب و با استفاده از اینترنت به صورت زنده، تعاملی و دوطرفه برگزار می‌شود (همان‌جا).

### تولید محتوای مجازی

به مجموعه فعالیت‌هایی که برای تولید محتوای مجازی انجام می‌گیرد، «تولید محتوا» گفته می‌شود؛ به عبارتی، «فعالیت‌هایی است که برای تولید محتوا (به صورت‌های متنی، صوتی تصویری و مانند آن) و تولید نرم‌افزار و سخت‌افزار در عرصه فاوا انجام می‌شود. نوشتن یک مطلب کوتاه در یک وبلاگ، نگارش نوشتار برای یک سایت





علمی، تهیه فیلم و کلیپ یا گرفتن یک عکس برای به اشتراک گذاشتن در شبکه‌های اجتماعی، نمونه‌هایی از تولید محتواست. طراحی و ساخت کامپیوتر و قطعات جانبی آن، تلفن‌های همراه، انباره‌های ذخیره اطلاعات و مواردی از این قبیل را نیز می‌توان جزء فرایند تولید شمرد» (رحمتی، ۱۳۹۷، ص ۱۸۳).

### ترویج محتوای مجازی

ترویج محتوای مجازی به تلاش‌هایی گفته می‌شود که از طریق ارائه خدمات و ترویج محتوا برای رساندن محتوای مجازی تولیدشده به دست کاربران و استفاده‌کنندگان انجام می‌شود. انتشار و بازاریابی محتوای مجازی، مدیریت وبگاه یا شبکه، راه‌اندازی مرکز خدمات اینترنتی (ISP)، گردآوری و ذخیره داده‌ها، خرید و فروش نرم‌افزار و سخت‌افزار، ارسال فیلم، عکس و متن در شبکه‌های اجتماعی و مواردی از این قبیل را می‌توان در ذیل ترویج محتوا جای داد (نقدی‌پور، ۱۳۹۹، ص ۱۶).

### اخلاق فضای مجازی

اخلاق فضای مجازی، شاخه‌ای از اخلاق کاربردی است که به بررسی مسائل و موضوعات اخلاقی مرتبط با تولید، توزیع، گسترش و استفاده از فضای مجازی می‌پردازد. اخلاق فضای مجازی می‌کوشد به پرسش‌هایی پاسخ گوید که با بنیان‌های ارزشی رفتارها و مسئولیت‌های افراد در حوزه فضای مجازی مرتبط است.

### اخلاق اسلامی

اخلاق اسلامی در این نوشتار یعنی «علمی که بر اساس منابع معتبر عقلی و نقلی در معرفت‌شناسی اسلامی، صفات نفسانی خوب و بد و اعمال و رفتار اختیاری متناسب با آن‌ها را معرفی می‌کند و شیوه تحصیل صفات نفسانی خوب و انجام دادن اعمال

پسندیده و دوری از صفات نفسانی بد و اعمال ناپسند را نشان می‌دهد» (دیلمی، ۱۳۹۰، ص ۱۲-۱۳).

در اخلاق مجازی دینی، منظومه‌هایی از ارزش‌ها، هنجارها، بایدها و نبایدهایی برگرفته از آموزه‌های دین اسلام تعریف می‌گردد که بر اساس آن‌ها شایسته‌ها و ناشایسته‌های فعالیت‌های مسابری مشخص و رفتار و عمل بد از رفتار و عمل خوب مسابری متمایز می‌شود تا زمینه‌ی اعتلای هویت ملکوتی افراد فراهم شود.

### اصل و کد اخلاقی

اصول، جمع «اصل»، به معنی بنیاد، ریشه، پایه و بن هر چیزی است. اصل، یک مفهوم کلی است که ملاک و معیار مجموعه‌ای از مصادیق واقع می‌شود. اصول به دستورالعمل‌های کلی در زمینه‌ی خاصی گفته می‌شود. «اصول و قواعد اخلاقی، تحسین‌ها و تقبیح‌ها و یا بایدها و نبایدهای اخلاقی هستند که برای تنظیم رفتار آدمیان و اوصاف اختیاری آنان در نظام اخلاقی تعبیه شده است. پایه‌ای‌ترین این امور که هیچ‌گاه در نظام اخلاقی استثنا نمی‌خورند و همیشه حتی در تعارضات اخلاقی پابرجا هستند، به عنوان اصول اخلاقی در داخل آن نظام شناخته می‌شوند» (حسینی قلعه بهمن، ۱۳۹۶، ص ۹۲).

بنابراین به سلسله‌ی قواعد و معیارها و بایدها و نبایدهای کلی که برای تنظیم رفتار اخلاقی تولیدکنندگان و ترویج‌دهندگان محتوا در فضای مجازی مشخص شده است، اصول اخلاقی حاکم بر تولید و ترویج محتوا در فضای مجازی گفته می‌شود. کد اخلاقی به آیین‌نامه‌ی اجرایی اصول و قواعد اخلاقی گفته می‌شود. «کد اخلاقی، دستورالعمل اجرایی یک آموزه یا قاعده‌ی اخلاقی است. شاید در حالت عادی، اجرای یک اصل یا قاعده‌ی اخلاقی ساده به نظر برسد، اما با کمی دقت، گره‌ها و ابهامات آن در مرحله‌ی عمل رخ می‌نماید و کار را برای رعایت آن دشوار می‌سازد. کد اخلاقی در ادبیات اخلاقی دارای سه معناست: الف) نظام اخلاقی؛ ب) اصول و





قواعد اخلاقی؛ ج) آیین نامه اجرایی اصول و قواعد اخلاقی» (همان جا). بنابراین، کد اخلاقی در فضای سایبری در حقیقت همان اصل یا قاعده اخلاقی فضای سایبری است که دستورالعمل اجرایی برای آن نوشته شده است.

### اصول و کدهای اخلاقی حاکم بر تولید و ترویج محتوا در فضای مجازی

تولید و ترویج محتوای مجازی امروزه یکی از بخش‌های مهم و جدانشدنی فضای سایبری است؛ به گونه‌ای که پایه بسیاری از رفتارهای سایبری کاربران و استفاده‌کنندگان از محتوای مجازی، تولید و ترویج محتوایی است که دیگران تولید و ترویج کرده‌اند. رفتار اخلاقی فعالان حوزه تولید و ترویج محتوای سایبری، جایگاه ویژه‌ای در اخلاقی شدن فضای مجازی دارد. آنان می‌توانند از یک سو، با اتخاذ نقشی فعال و خلاق در تولید و ترویج محتوای سایبری (مثلاً در قالب کاتالوگ، پوستر تبلیغاتی، ویدئو، عکسی برای شبکه‌های اجتماعی، جمله‌ای برای تویتر یا مقاله‌ای برای یک وبگاه)، فضایل اخلاقی فردی و اجتماعی را به دیگران بیاموزند و از سوی دیگر، با اتخاذ نقشی منفعلانه دیگران را به ردای اخلاقی آلوده کنند. این امر، لزوم اخلاقی شدن تولیدکنندگان و ترویج‌دهندگان محتوای مجازی را بیش از پیش نشان می‌دهد.

زندگی انسان در عصر فضای مجازی، دو نوع زیستگاه حقیقی و مجازی را برای او رقم زده است و این دو زیستگاه چنان به هم آمیخته شده‌اند که جدانشان ناممکن است؛ از این رو، بسیاری از فضایل و اصول اخلاقی که در زیستگاه حقیقی افراد برقرارند، در زیستگاه مجازی نیز وجود دارند.

می‌توان گفت از منظر دینی، آموزه‌های وحیانی دین اسلام، احکام اخلاقی مختص به فضای حقیقی و واقعی نیستند و در فضای مجازی نیز کاربرد دارند؛ به عبارتی، ارزش‌های اخلاقی فضای واقعی و حقیقی، در جهان نوپای مجازی نیز جریان دارند. بنابراین، منابع دینی به‌ویژه آموزه‌های اخلاقی قرآن و روایات، امکان



زیست اخلاقی را برای کاربران فضای مجازی و در نتیجه، اخلاقی شدن این فضا در راستای هدف غایی خلقت انسان فراهم کرده است.

در این پژوهش با تتبع در قرآن و روایات به طراحی و صورت‌بندی ملزومات اخلاقی تولید و ترویج محتوای مجازی، به‌ویژه رفتارهای اخلاقی فعالان حوزه سایبری، می‌پردازیم.

از منظر دینی و آموزه‌های وحیانی اسلام، اصول و ارزش‌های اخلاقی حوزه تولید و ترویج محتوای مجازی عبارت‌اند از: راستی و صدق، اهتمام به امور دیگران و خدمت‌رسانی، مسئولیت‌پذیری و وظیفه‌شناسی، امانت‌داری و حفظ حقوق دیگران، دانش‌افزایی، پرهیز از اشاعه فحشا، حفظ محیط‌زیست و پرهیز از شایعه‌پراکنی.

این اصول بر اساس حصر استقرایی که رحمتی در اتخاذ اصول اخلاقی فضای مجازی بدان استناد کرده است، انتخاب شده‌اند؛ اصولی که عمومیت، اهمیت، ضرورت و کاربرد بیشتری در حوزه تولید و ترویج محتوای مجازی دارند. البته ممکن است از نظر دیگران یا با دقت نظر بیشتر، مواردی از آن کم و یا به آن اضافه شود (رحمتی، ۱۳۹۷، ص ۱۸).

## ۱. راستی و صدق

اولین ارزش اخلاقی حاکم بر تولید و ترویج محتوا در فضای مجازی، «راستی و صدق» است. اصل اخلاقی راستی و صدق از فضیلت‌های عالی و برتر اخلاق انسانی است که تمام افراد بشر از هر دین و آیینی بر ارزشمندی و لزوم عمل کردن بر طبق آن، اتفاق نظر دارند. تأثیر راستی و صداقت در زندگی اجتماعی بشر بر کسی پوشیده نیست؛ چراکه اساس زندگی اجتماعی بر اعتماد و اطمینان افراد به یکدیگر بنا شده است و اعتماد و اطمینان در صورتی حاصل می‌شود که راستی و صداقت در میان انسان‌ها حکم‌فرما باشد.





صداقت و راستی از بزرگ‌ترین فضایل اخلاقی است که در تعالیم و آموزه‌های دینی جایگاه ویژه دارد. قرآن کریم بیان می‌دارد خداوند در روز قیامت از بندگانش جز راستی و صداقت نمی‌پذیرد و جایگاه راست‌گویان را بهشت قرار داده و رضوان خود را همراه با رستگاری شامل حال آنان می‌کند: ﴿قَالَ اللَّهُ هَذَا يَوْمُ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ (مائده، ۱۱۹).

لزوم صداقت و راستی در فضای مجازی نیز صدق می‌کند و تفاوتی در اصل پایبندی به آن در این فضا و فضای حقیقی وجود ندارد. اهمیت و ضرورت صداقت و راستی در فضای مجازی در مواردی بسیار بیشتر از فضای حقیقی است؛ چراکه در فضای مجازی افراد به آسانی می‌توانند هویت واقعی خویش را پنهان کنند و مرتکب رذایل اخلاقی فراوانی شوند که این امر در فضای حقیقی به آسانی امکان‌پذیر نیست.

پایبند نبودن به صدق و راستی در فضای مجازی نسبت به فضای حقیقی، تبعات منفی بسیاری دارد که در مواردی این تبعات، جبران‌ناپذیرند. (پایبندی به این فضیلت انسانی (صداقت و راستی) در عصر کنونی بیش از هر زمان دیگری ضرورت دارد؛ زیرا در ارتباطات گسترده کنونی، دروغ‌گویی و کتمان حقایق، امنیت و اعتماد جهانی را سلب خواهد کرد و روابط شهروندان دنیای مجازی را بر پایه فریب و ریا شکل خواهد داد» (صانع‌پور، ۱۳۹۶، ص ۲۳۴).

از منظر اخلاق دینی، راستی و صدق از اصول خدشه‌ناپذیر و الفبای اخلاقیات فضای مجازی در حیطه تولید و ترویج محتوای سایبری است که نقش مهمی در تمام مراحل آن، اعم از تولید و ارسال محتوا و خدمات پس از آن، دارد و بدون آن، آسیب‌های فراوانی به تمام افراد مرتبط با فضای مجازی می‌رسد.

کذب و دروغ، نیرنگ، شیادی، سرقت، ریا، دوچهرگی، خلاف‌گویی، عوام‌فریبی، تملق و ده‌ها رذیله دیگر از مظاهر دوری از راستی و صدق است که بنیان



فضای مجازی را فرومی‌پاشد. «در روابط چندسویه و هم‌زمان دنیای مجازی، اطلاعات دروغ و هویت‌های مجازی مبتنی بر عدم صداقت، نقشی بسیار مخرب‌تر از دنیای فیزیکی دارد و بی‌اعتمادی حاصل از آن به صورتی تصاعدی، آرامش جامعه بشری را سلب می‌کند» (همان، ص ۲۳۲).

صدق و راستی برای تولیدکنندگان و ارسال‌کنندگان محتوای مجازی به معنی همگام‌سازی و مطابقت با واقعیت است. فعالان حیطة تولید و ترویج، زمانی به صدق و راستی متصف می‌شوند که فعالیت سایبری آنان با حقیقت و واقعیت، مطابقت داشته باشد. این مطابقت، به‌خاطر فعالیت‌های گوناگون این افراد در استفاده از ابزارهای فضای مجازی، می‌تواند جلوه‌های مختلفی از جمله نیت و قصد، رفتار و گفتار در فضای سایبری داشته باشد.

#### ۱-۱. صدق و راستی در نیت و قصد

صدق و راستی در نیت برای تولیدکنندگان و ترویج‌دهندگان محتوای سایبری به معنای آن است که این افراد در فعالیت سایبری خویش انگیزه‌ای جز حقیقت نداشته باشند و نیت خود را برای خدای متعال خالص گردانند و در صورت پایبندی به این ارزش اخلاقی، هدف خود را متمرکز بر فعالیت سایبری موردپسند خدای سبحان قرار دهند.

این افراد به‌خاطر راستی و صداقت در نیت، از انحرافات متداول در انگیزه‌ها، مانند کسب درآمد از هر طریقی، خودنمایی و سوءاستفاده از اطلاعات دیگران، دوری می‌کنند. پیغمبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله درباره اهمیت صدق و راستی در تمام حوزه‌های انسانی از جمله نیت می‌فرماید: «عَلَيْكُمْ بِالصِّدْقِ فَإِنَّ الصِّدْقَ يَهْدِي إِلَى الْبِرِّ وَإِنَّ الْبِرَّ يَهْدِي إِلَى الْجَنَّةِ» (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۵۷۲).

یکی از کدهای رفتاری این اصل اخلاقی این است که تولیدات و ترویجات سایبری خود را برای رضای خداوند انجام دهند و از انگیزه‌هایی که انسان

را از خدا دور و موجبات غضب الهی را فراهم می‌کند، اجتناب نمایند. از دیگر کدهای اخلاقی این است که این افراد باید نیت خود را از انگیزه‌های غیرواقعی و جعلی پاک کنند و آن فعالیت‌ها را با انگیزه‌های الهی چون رفع نیاز دیگران، افزایش آگاهی و بصیرت مردم، تسهیل شرایط زندگی و خدمت‌رسانی به دیگران انجام دهند.

#### ۱-۲. صدق و راستی در رفتار و گفتار

صدق و راستی در رفتار و گفتار برای تولیدکنندگان و مروجان محتوای سایبری به معنای آن است که رفتار و گفتار سایبری این افراد با واقعیت مطابقت داشته باشد و این امر زمانی تحقق می‌یابد که صاحبان این حوزه، تولیدات و ترویجات سایبری خود را با واقعیت و حقیقت همراه کنند و از بیان محتواهای دروغ و گمراه‌کننده اجتناب نمایند. این افراد باید در نقل واقعیات مراقبت کنند؛ به طوری که واقعیات را بدون پوشیدگی و مخفی کردن زوایای آن بیان کنند.

#### ۲. اهتمام به امور دیگران و خدمت‌رسانی

یکی از اصول اخلاقی مهم و بارز حاکم بر تولید و ترویج محتوا سایبری، «اهتمام به امور دیگران و خدمت‌رسانی» است. فضیلت اصل اخلاقی اهتمام به امور دیگران و خدمت‌رسانی بر هیچ عاقلی پوشیده نیست. اگر افراد از ارائه توانایی‌های خود و خدمت‌رسانی به دیگران دریغ ورزند، زندگی فردی و اجتماعی خودشان هم با مشکلات و سختی‌های فراوانی مواجه می‌شود؛ از این رو، کسانی که به امور دیگران اهتمام می‌ورزند و به آنان خدمت می‌رسانند، به حکم عقل سلیم و آموزه‌های دینی، از فضیلت و برتری خاصی برخوردارند.

مطابق روایات و احادیث مأثور، اهتمام به امور دیگران و خدمت‌رسانی به مردم از زیباترین و بافضیلت‌ترین کارها نزد خداوند محسوب می‌گردد.





امام رضا علیه السلام کسانی را که برای برآوردن نیازهای مردم می کوشند، منتخب خداوند معرفی کرده و می فرماید در روز قیامت برای آنان پاداش امنیت و سلامت قرار داده شده است: «إِنَّ لِلَّهِ عِبَادًا فِي الْأَرْضِ يَسْعَوْنَ فِي حَوَائِجِ النَّاسِ هُمْ الْأَمْنُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ص ۱۹۷).

یکی از انگیزه‌های اصلی ساخت فضای مجازی و ابزارهای وابسته به آن، خدمت‌رسانی به انسان و راحت کردن زندگی او بوده است. بسیاری از طراحان و سازندگان فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی همواره با اهتمام به امور دیگران و با انگیزه آسان کردن زندگی مردم، این فناوری‌ها را تولید کرده‌اند. البته در کنار این انگیزه پسندیده، انگیزه‌های غیراخلاقی نیز وجود داشته و دارد.

ارزش اخلاقی اهتمام به امور دیگران و خدمت‌رسانی، برای تولیدکنندگان و ترویج‌دهندگان محتوای سایبری، جایگاه ویژه‌ای دارد؛ چراکه فعالیت‌های این افراد در حقیقت تلاش برای برآوردن نیاز افراد و خدمت‌رسانی به آنان است. امروزه در تمام دنیا فضای مجازی و ابزارهای آن از قبیل شبکه‌های اجتماعی، یکی از بهترین نوآوری‌هایی است که می‌توان از طریق آن به‌طور مستقیم به تمام افراد موردنظر خدمت‌رسانی کرد.

گاهی تولید یک محتوای سایبری چون نرم‌افزار کاربردی یا محتوای اخلاقی در قالب فیلم و عکس، زندگی افراد را متحول می‌کند و آنان را به سرانجام نیک می‌رساند. برعکس، چه بسا یک نرم‌افزار یا محتوای غیراخلاقی، زندگی دنیوی و اخروی عده بسیاری را به ورطه نابودی بکشانند.

ازاین‌رو، تولیدکنندگان محتوای سایبری و ترویج‌کنندگان عرصه مجازی با درنظرگرفتن آثار تولیدات فضای مجازی بر زندگی افراد، باید به نیازهای واقعی مردم اهتمام داشته باشند، در راه کارگشایی و خدمت‌رسانی به آنان بکوشند و محتوای خود را به گونه‌ای عرضه کنند که در ابعاد مادی و معنوی کمترین

ضرر را برای کاربران داشته باشد. پیامبر خدا ﷺ، برترین مردم را کسانی می‌داند که به مردم سود برسانند: «خَيْرُ النَّاسِ مَنْ اَنْتَفَعَ بِهِ النَّاسُ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۴: ص ۳۹۴).

از جمله کدهای اخلاقی که بر این اصل اخلاقی مترتب می‌گردد آن است که تولیدکنندگان و خدمات‌رسانان سایبری با رصد کردن نیازهای مادی و معنوی جامعه، محتوای سایبری را برای برطرف کردن آن نیازها تولید و ترویج کنند. از دیگر کدهای این اصل اخلاقی، اهتمام به تولید محتوای سایبری است که جلوی پیشامدهای ناگوار را می‌گیرد.

همچنین، دغدغه‌مندی برای راحتی مردم و یاری‌رساندن به گرفتاران و نیازمندان و رفع نیازهای آنان، احسان و نیکی به دیگران، رفع گرفتاری و مشکلات مردم، اصلاح امور جامعه، ایجاد سرور در قلوب و بصیرت‌افزایی و اطلاع‌رسانی، از دیگر کدهای اصل اخلاقی اهتمام و خدمت‌رسانی به دیگران در تولید و ترویج محتوای سایبری است.

### ۳. مسئولیت‌پذیری و وظیفه‌شناسی

از دیگر ارزش‌های اخلاقی حاکم بر تولید و ترویج محتوای سایبری، اصل اخلاقی «مسئولیت‌پذیری و وظیفه‌شناسی» است. اصل مسئولیت‌پذیری و وظیفه‌شناسی از مفاهیمی است که انسان همواره در زندگی فردی و اجتماعی با آن در ارتباط است. همه عقلا بر ارزش بودن این اصل اخلاقی اتفاق نظر دارند؛ چرا که فطرت انسان به این اصل اخلاقی تمایل دارد و کسی را که در برابر اداره و مدیریت صحیح وظایف خود مسئولیت‌پذیر باشد، تحسین می‌کند.

مسئولیت‌پذیری و وظیفه‌شناسی از مباحثی است که در عصر دیجیتال باید به آن توجه ویژه شود (نقدی‌پور، ۱۳۹۹، ص ۱۵۹). توجه به این مسئله در عصر فضای





مجازی که ابعاد مسئولیت‌پذیری دامنه گسترده‌ای یافته است، اهمیت بیشتری دارد. این اهمیت برای فعالان سایبری که در حوزه تولید و ترویج محتوای سایبری فعالیت دارند، جایگاه خاصی دارد؛ چراکه این افراد به واسطه محصولی که تولید یا ترویج کرده‌اند، با مخاطبان و کاربران فراوانی در ارتباط‌اند که گاهی ممکن است به میلیون‌ها و چه بسا صدها میلیون یا میلیارد‌ها انسان از ملیت‌های گوناگون (بدون آن که آنان را بشناسند) برسد و تا وقتی که این محصول سایبری در فضای مجازی وجود داشته باشد و دیگران از آن استفاده و بهره‌برداری کنند، تولیدکنندگان و ترویج‌دهندگان در قبال آن مسئولیت دارند؛ برای مثال، فیلمی را در نظر بگیرید که خودکشی را در ذهن کودکان و نوجوانان نهادینه می‌سازد.

تا زمانی که این فیلم در فضای سایبری دست‌به‌دست می‌گردد و کاربران از آن استفاده می‌کنند، به حکم عقل و اخلاق، سازندگان و انتشاردهندگان در قبال آن مسئولیت دارند.

از منظر اخلاق اسلامی، دامنه مسئولیت‌های انسان در فضای مجازی گسترده است و او در قبال خدای خود، خویشتن، انسان‌های دیگر و حتی محیطی که در آن زندگی می‌کند، مسئول و پاسخ‌گو است.

این مطلب در روایت منسوب به امام صادق علیه السلام نیز نقل شده است: «أَصُولُ الْمُعَامَلَاتِ تَقَعُ عَلَى أَرْبَعَةٍ أَوْجِهٍ مُعَامَلَةُ اللَّهِ وَ مُعَامَلَةُ النَّفْسِ وَ مُعَامَلَةُ الْخَلْقِ وَ مُعَامَلَةُ الدُّنْيَا» (منسوب به جعفر بن محمد، ۱۴۰۰ق، ص ۵). در عصر فناوری‌های سایبری که از حیث زمان و مکان، حدومرزی در ارتباطات افراد وجود ندارد، دامنه مسئولیت‌پذیری انسان در قبال جوامع به مرزهای جغرافیایی و زمانی (همانند مرزهای محلی و ملی یا زمان حال و نهایتاً مدت عمر انسان) محدود نمی‌شود، بلکه از مرزهای ملی به جوامع و عرصه‌های بین‌المللی و آینده دور که حتی اثری از سازنده و منتشرکننده محتوا وجود ندارد، رسیده است (نقدی‌پور، ۱۳۹۹، ص ۱۶۰)؛ از این رو،





تولیدکنندگان محتوا و خدمات‌رسانان سایبری باید به این نکته توجه داشته باشند که مرزهای وظیفه‌شناسی و مسئولیت‌پذیری آنان به مکان و زمان خاصی محدود نیست و تا زمانی که محتوای سایبری آن‌ها در این فضا وجود داشته باشد و به مکان‌های مختلف برسد، مسئولیت اخلاقی آنان نیز پابرجاست.

تولیدکنندگان و ارسال‌کنندگان محتوا در اخلاقی‌شدن فضای مجازی، نقش مهمی دارند؛ چراکه تولیدات و ترویجات خوب یا بد آنان، زمینه فکری و اخلاقی را برای فعالیت‌های سایبری دیگران فراهم می‌کند. گاهی یک محتوای سایبری خوب و اثرگذار دست‌به‌دست می‌چرخد و میلیون‌ها کاربر را به خود جلب می‌کند و اثر مثبتی بر روح و روان آن‌ها می‌گذارد.

برعکس، گاهی یک محتوای ضد اخلاقی باعث می‌شود بسیاری از کاربران مسیر اشتباهی در رفتار، گفتار و تصمیمات خود برگزینند. بر اساس همین منطق، در آموزه‌های دینی به مسئله مسئولیت‌پذیری و وظیفه‌شناسی افراد در فضای حقیقی و مجازی بسیار تأکید شده است. در قرآن کریم، آیات فراوانی به مسئول بودن انسان و پاسخ‌گویی او در مقابل تکالیف الهی دلالت می‌کند؛ از جمله: ﴿وَقِفُّهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ﴾ (صافات، ۲۴) و ﴿إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا﴾ (اسراء، ۳۶).

این مسئله که تولیدکنندگان و ترویج‌دهندگان محتوا تا زمانی که این محتوا در فضای مجازی وجود دارد و دست‌به‌دست می‌شود، در آثار مثبت و منفی آن شریک‌اند، از مهم‌ترین مسائل اخلاقی است که بر مسئولیت‌پذیری و وظیفه‌شناسی این افراد در فضای مجازی دلالت دارد. این مسئله به‌خوبی در روایتی از حضرت باقر علیه السلام تبیین شده است: «مَنْ إِسْتَنَّ بِسُنَّةِ عَدْلٍ فَاتَّبَعَ كَانَ لَهُ أَجْرٌ مِّنْ عَمَلٍ بِهَا مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْتَقِصَ مِنْ أَجْوَرِهِمْ شَيْءٌ وَمَنْ إِسْتَنَّ سُنَّةَ جَوْرِ فَاتَّبَعَ كَانَ عَلَيْهِ مِثْلُ وَرْرِ مَنْ عَمِلَ بِهِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْتَقِصَ مِنْ أَوْزَارِهِمْ شَيْءٌ» (حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۶: ص ۱۷۴).

بنا بر این روایت، مادامی که محتوای سایبری خوب یا بد، موجبات اخلاقی یا غیراخلاقی عمل کردن کاربران را فراهم کند، تولیدکننده و ترویج‌دهنده آن در پاداش و گناه آن محتوا شریک‌اند.

یکی از کدهای اخلاقی اصل مسئولیت‌پذیری و وظیفه‌شناسی آن است که تولیدکنندگان و ترویج‌دهندگان سایبری در برابر مسئولیت‌هایی که بر عهده آنان گذاشته شده است، اعم از مسئولیت حقوقی و اخلاقی، خود را مسئول و موظف دانسته و با نادیده‌انگاری یا اهمال‌کاری، از زیر بار آن مسئولیت‌ها شانه خالی نکنند. از دیگر کدهای اخلاقی این اصل آن است که فعالان این حوزه با توجه به این مسئله که بقای هر جامعه‌ای به وجود انسان‌های مسئول در آن جامعه وابسته است، پرورش ملکه اخلاقی مسئولیت‌پذیری و وظیفه‌شناسی در دیگران را وظیفه خود بدانند و با ایجاد زیبایی‌های سمعی و بصری، آن را در وجود کاربران نهادینه کنند.

#### ۴. امانت‌داری و حفظ حقوق دیگران

یکی دیگر از ارزش‌ها و فضائل اخلاقی برای صاحبان تولید و ترویج محتوای سایبری، «امانت‌داری و حفظ حقوق دیگران» در ابعاد مختلف آن است. بسیاری از قوانین و مقرراتی که عقلاً برای زندگی اجتماعی وضع می‌کنند، برگرفته از این اصل اخلاقی و برای رعایت حقوق تمام افراد جامعه و جلوگیری از ضایع شدن حقوق آنان است.

اخلاق اسلامی، به‌منزله مکتب اخلاقی کامل، برای ایجاد فضای مجازی اخلاقی و همراه با امنیت و آسایش برای همگان، توجه فراوانی به حقوق کاربران و لزوم امانت‌داری در این باره دارد؛ از این‌رو، ارزش اخلاقی امانت‌داری و حفظ حقوق دیگران در فضای سایبری را اصلی اساسی در رفتار فعالان سایبری دانسته است. اگر افراد محور تعاملات مجازی و فعالیت‌های سایبری خود را منافع فردی قرار دهند و بر اساس آن، حقوق دیگران را رعایت نکنند، هرگز پایه یک فضای سایبری سالم



در عصر دیجیتال بنا نمی‌شود و بدون تردید، این مسئله، عامل بسیاری از بد اخلاقی‌های اجتماعی و بروز رذایل اخلاقی در فضای سایبری می‌شود. در مقابل، اگر افراد محور رفتار و فعالیت‌های سایبری خود را امانت‌داری و حفظ حقوق دیگران (رعایت حق الناس) قرار دهند، فضای سایبری از ظلم و تجاوز به حقوق دیگران، عاری و سرشار از امنیت و آسایش خواهد شد.

گاهی ضرورت امانت‌داری و حفظ حقوق دیگران در فضای مجازی بیش از فضای حقیقی اهمیت دارد؛ چراکه فضای مجازی یک فضای ناامن است و مطالب به سرعت و در گستره‌ای وسیع توزیع می‌شوند. گاهی رعایت نکردن امانت‌داری در بیان واقعیات یا در نقل جملات صحیح، باعث به هم ریختگی جامعه و از بین رفتن اعتماد مردم به یکدیگر و حاکمیت می‌شود. «اگر در گذشته، امانت‌داری نسبت به هم‌شهری‌ها و یا هم‌میهنانی موضوعیت داشت که در قالب یک ملت تعریف می‌شدند، در این روزگاران - با امکانات دیجیتالی اطلاعاتی و ارتباطی - ضرورت امانت‌داری در سطح جهانی مطرح می‌شود و خیانت در امانت می‌تواند روابط جهانی را در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... مخدوش کند» (صانع‌پور، ۱۳۹۶، ص ۲۸۶).

آسیب‌هایی که تولیدکنندگان و مروجان محتوا، به خاطر رعایت نکردن حق الناس، در فضای سایبری به وجود می‌آورند، زندگی آسیب‌دیدگان را دچار بحران‌های بزرگی می‌کند؛ آسیب‌هایی همانند از بین رفتن سرمایه و ثروت کاربران یا آبروریزی و هتک حرمت مردم که به واسطه نقض حریم خصوصی و سرقت اطلاعات شخصی آنان در فضای مجازی اتفاق می‌افتد. این آسیب‌ها گاهی زندگی افراد را فلج و نابود می‌کنند.

حکم ارزشی بودن امانت‌داری و پایبندی به حفظ حقوق دیگران از احکامی است که هر انسان عاقلی آن را درک می‌کند؛ لذا تأکید و سفارش ادیان الهی بر آن، جنبه ارشادی دارد. خدای متعال به انسان فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبانش





باز گرداند: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا﴾ (نساء، ۵۸). همچنین، مراعات حقوق دیگران در آموزه‌های وحیانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ به طوری که ادای حقوق مردم بر ادای حق خدای سبحان برتری داده شده است: «جَعَلَ اللَّهُ سُبْحَانَ حُقُوقِ عِبَادِهِ مُقَدِّمَةً عَلَىٰ حُقُوقِهِ فَمَنْ قَامَ بِحُقُوقِ عِبَادِ اللَّهِ كَانَ ذَلِكَ مُؤَدِّيًا إِلَى الْقِيَامِ بِحُقُوقِ اللَّهِ» (آمدی، ۱۴۱۰ق، ج ۱: ص ۳۴۰).

فضیلت اخلاقی امانت‌داری و مراعات حقوق دیگران از اساسی‌ترین اصول اخلاقی برای تولیدکنندگان و مروجان محتوای مجازی است؛ چراکه بسیاری از این افراد به حریم خصوصی و اطلاعات کاربران دسترسی دارند. با زیرپا گذاشتن این اصل اخلاقی، حریم خصوصی افراد به راحتی نقض و اطلاعات شخصی و محرمانه آنان سرقت می‌شود. در این صورت، امنیت مادی و معنوی افراد به هم می‌ریزد و زندگی آنان دچار بحران‌هایی می‌شود که تا مدت‌های طولانی گریبان فرد آسیب‌دیده و چه بسا جامعه را می‌گیرد.

در گفتمان اخلاق سایبری مأخوذ از منابع دینی، تولیدکنندگان و ترویج‌دهندگان محصولات سایبری، حق استیلا بر حقوق دیگران، استبداد، فزون‌خواهی، انحصارطلبی و اقتدارگرایی را ندارند؛ بلکه وظیفه امانت‌داری و حفظ حق و حقوق شهروندان مجازی برعهده آنان گذاشته شده است؛ از این رو امانت‌داری و مراعات حقوق دیگران برای حوزه تولید و ترویج محتوا به این معناست که تولیدکنندگان و ترویج‌دهندگان محتوا، در خدمات سایبری خود حقوق مادی و معنوی کاربران و استفاده‌کنندگان را بنا بر مبنای حفظ کرامت انسانی پاس بدارند و تمام تلاش خود را برای حفظ حقوق کاربران و جلوگیری از ضایع شدن آن به کار گیرند. برای ارزش اخلاقی امانت‌داری و مراعات حقوق افراد در حوزه تولید و ترویج محتوای سایبری نیز کدهای اخلاقی وجود دارد.

بعضی از این کدها عبارت‌اند از: امانت‌داری در قبال اطلاعات و اسرار سایبری افراد؛ مراقبت و محافظت از حقوق کاربران، رعایت آزادی‌های افراد،

فراهم کردن زمینه دسترسی به حقوق سایبری افراد، پرهیز از تجاوز و دستبرد به اطلاعات و دارایی‌های کاربران، اجتناب از هر کاری که باعث هتک حرمت کاربران شود؛ پرهیز از افشاگری و انتشار اطلاعات و اسرار کاربران، اجتناب از تولید محتوای کذب و انتشار آن؛ تولید و ارسال محتوا بعد از تحقیق و اطمینان از صحت آن.

## ۵. دانش‌افزایی

از جمله ارزش‌های اخلاقی حوزه تولید و ترویج محتوای سایبری، «دانش‌افزایی» است. از دیدگاه اخلاق اسلامی، ارزش و اعتبار آدمی به دانش است؛ چراکه آدمی با دانش می‌تواند خود را به کمال مطلق برساند. دانشی دارای مقام و ارزش است که در خدمت به انسان و آسایش زندگی او قرار گیرد و او را در راه رسیدن به جایگاه واقعی‌اش یاری کند، نه دانشی که در راه اهداف حیوانی به کار گرفته شود، انسان را از صعود بازدارد و از او حیوانی همانند دیگر حیوانات بسازد.

چند سال است که با پیدایش فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی نوین (از جمله فضای سایبری)، محور جهان بشریت بیش از گذشته بر دانش و علم می‌چرخد. «با ظهور فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی (ICT)، دوره جدیدی موسوم به عصر اطلاعات و ارتباطات پیدا شده و نویدبخش جامعه اطلاعاتی جدید است که در آن، عنصر و محور اصلی حیات اجتماعی، دانش و اطلاعات خواهد بود» (جوادی، ۱۳۸۶، ص ۱۰).

اگر دانش‌افزایی را یک وظیفه اخلاقی تلقی کنیم، باید بدانیم که امکانات و ظرفیت‌های فضای مجازی برای بالابردن سطح دانش موردنیاز بشر بسیار زیاد است. کسانی که در حوزه تولید و ترویج محتوای سایبری فعال‌اند، می‌توانند دانش و علم موردنیاز مخاطب را به آسانی در فضای مجازی به دست او برسانند و او را از تاریکی جهل به افق روشن دانش رهنمون شوند.





فعالان این حوزه به واسطه ترویج محتوای سایبری به طور مستقیم با استفاده کنندگان و کاربران در ارتباط اند و می توانند هر محتوایی را به آسانی انتقال دهند و آن را در دل کاربران، نهادینه کنند؛ از این رو، این افراد باید مراقب نوع پیامی که به کاربران می دهند، باشند.

لازم است جواب روشنی به این سؤال داده شود که تولید کنندگان و ترویج دهندگان محتوای سایبری چه موضوعاتی را باید در راستای دانش افزایی کاربران در فضای مجازی تولید و ترویج کنند؟

در جواب گفته می شود که از منظر اخلاق اسلامی، هر دانشی دارای ارزش و فضیلت نیست؛ بلکه دانشی با فضیلت است که مفید و سودمند باشد؛ به عبارتی، هر علم و دانشی که متضمن فایده و سود برای افراد باشد و در راستای رفع نیازهای مادی و معنوی افراد در حیطه های فردی و اجتماعی قرار بگیرد، ارزشمند و با فضیلت است.

بنابراین، تولید کنندگان و ترویج دهندگان محتوا در فضای سایبری باید موضوعاتی را تولید و ترویج کنند که به سود کاربران و عموم مردم باشد و بتواند نیازهای مادی و معنوی آنان را رفع کند، نه موضوعاتی که برای کاربران مضر باشد و به ویژه به بعد روحانی و اخلاقی آنان آسیب برساند. نافع بودن علم، از جمله مباحثی است که در آموزه های دینی بر آن تأکید شده است؛ رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می فرماید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸۳: ص ۱۸). همچنین، از امام علی عَلِيٌّ روایت شده است که فرمود: «وَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا خَيْرَ فِي عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ» (نهج البلاغه، نامه ۳۱).

اصل اخلاقی دانش افزایی در حوزه تولید و ترویج محتوای سایبری دارای کدهای اخلاقی گوناگونی است؛ بعضی از این کدهای اخلاقی عبارت اند از: آموزش و ارتقای سواد مورد نیاز کاربران در زمینه های گوناگون دینی، اخلاقی، اقتصادی، قضایی، تعاملاتی و...؛ آموزش و نهادینه سازی اصول اخلاقی مورد نیاز

زندگی کاربران در دنیای حقیقی و مجازی؛ کاربردی کردن دانش و علم موردنیاز مردم؛ آسان کردن زندگی مردم با کمک فناوری‌های جدید؛ آموزش و انتقال ارزش‌های سنتی و هنجارهای اجتماعی؛ آموزش و ارتقای سواد رسانه‌ای کاربران؛ دوری از منحرف کردن و گمراه‌ساختن کاربران؛ بصیرت‌افزایی کاربران؛ دوری از شبهه‌افکنی و تضعیف عقاید مردم.

### ۶. پرهیز از اشاعهٔ فحشا

یکی از اصول اخلاقی تولیدکنندگان و ترویج‌دهندگان محتوای سایبری، «پرهیز از اشاعهٔ فحشا» است. از ضروریات زندگی اجتماعی در دنیای حقیقی و مجازی، رعایت اصل اخلاقی پرهیز از اشاعهٔ فحشا است.

انسان، موجودی اجتماعی است و زندگی اجتماعی او، چه در دنیای حقیقی و چه در دنیای مجازی، لوازم و بایسته‌هایی دارد که با تأمین آن لوازم، آرامش روحی و روانی افراد و جامعه تأمین می‌شود. یکی از آن لوازم پرهیز از اشاعهٔ فحشا و آلودگی‌هاست که پایبندنبودن به آن، ضربهٔ سهمگینی بر روح و روان افراد جامعه می‌زند.

از منظر اخلاق اسلامی، حفظ قباح و زشتی گناه، خود سد بزرگ اجتماعی در برابر گناه است؛ زیرا افراد به‌خاطر حفظ آبروی اجتماعی خود هم که شده باشد، حاضر نیستند به‌طور آشکار به‌سمت گناه و آلودگی بروند. با اشاعهٔ فحشا و ترویج آن، قباح و زشتی گناه در نظر مردم کم‌کم زایل می‌شود و در نتیجه، مانع و سد اجتماعی برای جلوگیری از گناه وجود ندارد.

بسیار اتفاق می‌افتد که شهروندان سایبری به‌خاطر تعامل، تفریح، سرگرمی و کسب و کار، محتوایی غیراخلاقی را تولید یا ترویج می‌کنند که این کار باعث قبح‌زدایی و شکسته‌شدن سد اجتماعی ارتکاب گناه می‌شود. اخلاق دینی ضمن مخالفت با قبح‌زدایی از گناه، پیشنهاد می‌کند به اصل اخلاقی پرهیز از اشاعهٔ فحشا





در فضای مجازی عمل شود. پایبندی به این اصل، محیطی اخلاقی برای فضای سایبری رقم خواهد زد.

از دیدگاه اخلاق دینی، تولیدکنندگان و توزیع کنندگان محتوا در فعالیت‌های سایبری خود موظف‌اند از هرگونه فعالیتی که گناه و زشتی را در میان کاربران و استفاده کنندگان ترویج می‌دهد، دوری کنند: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ (نور، ۱۹).

این افراد وظیفه دارند از فراهم کردن زمینه گناه برای کاربران فضای سایبری خودداری کنند. صاحبان این حرفه علاوه بر فراهم نکردن زمینه گناه، موظف‌اند گناهان و زشتی‌های موجود در فضای سایبری را نیز پنهان کنند. امام رضا (علیه السلام) درباره ارزشمندی پنهان کردن گناهان و ردائل اخلاقی می‌فرماید: «الْمُدْبِعُ بِالسَّيِّئَةِ مَحْدُولٌ وَ الْمُسْتَبِرُّ بِالسَّيِّئَةِ مَغْفُورٌ لَهُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ص ۴۲۸).

از کدهای اخلاقی این اصل می‌توان به این موارد اشاره کرد: اجتناب فعالان عرصه تولید، توزیع و خدمات سایبری از ساخت و انتشار هرگونه محتوای خلاف اخلاق و فرهنگ اسلامی-ایرانی و هنجارهای اجتماعی؛ فراهم نکردن زمینه گناه و فحشا در تولیدات و ترویجات سایبری؛ پرهیز از ساخت و نشر محتوای تحریک‌آمیز یا دعوت کننده به گناه و زشتی؛ پرهیز از اشاعه آثار مبتدل و منافی با عفت عمومی؛ مقابله با تولید و ارسال آثار سایبری مستهجن و جنسی؛ استفاده از محتوای غنی و اخلاقی در تولید محتوا؛ ارسال و باز نشر محتواهای اخلاقی و کاربردی.

## ۷. حفظ محیط زیست

از دیدگاه اخلاق دینی، یکی از تکالیف و وظایف اخلاقی تولیدکنندگان و ترویج دهندگان محتوای سایبری، «حفظ محیط زیست» است. از آموزه‌های دینی به دست می‌آید که محیط زیست و هر آفریده‌ای که در آن زندگی می‌کند، به‌طور





هدفمند برای انسان خلق شده و خداوند آن موجودات را اماناتی در دست انسان قرار داده است؛ از این رو انسان در قبال محیط زیست و موجودات مسئول است: «تَحْفَظُوا مِنْ الْأَرْضِ فَإِنَّهَا أُكْمٌ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷: ص ۹۷).

در عصر فناوری اطلاعات و ارتباطات که بحران‌ها و مشکلات زیست محیطی از هر زمان دیگر بیشتر شده و زنگ خطر نابودی طبیعت و محیط زیست به صدا درآمده است، توجه به مسائل و مباحث مربوط به محیط زیست برای فعالان حوزه تولید و ترویج سایبری، اهمیت دوچندان یافته است.

در واقع، می توان گفت پیشرفت عصر سایبری و روند سریع تغییرات در حوزه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، آسیب‌های زیست محیطی خطرناکی را در پی دارد؛ از این رو، فعالان حوزه تولید و ترویج محتوای سایبری بر اساس این اصل که محیط زیست امانتی نزد انسان است، باید از این موهبت الهی به خوبی مراقبت و نگهداری کنند.

فعالان حوزه سایبری باید بدانند که همه آفریده‌های عالم، اعم از انسان و محیط زیست، با ارزش‌اند و از آنجا که تمام موجودات، ملک خداوند هستند، انسان باید با رضایت و اذن خداوند و بنا بر ضوابط الهی، در طبیعت تصرف کند و از آن بهره‌مند شوند.

انسان نمی‌تواند هرگونه که می‌خواهد با محیط زیست و طبیعت رفتار کند یا به هر میزان که بخواهد از آن بهره بگیرد. میزان تصرف و استفاده سایبری انسان از طبیعت و محیط زیست به اندازه‌ای است که برای بقا و رسیدن به کمال حقیقی، بدان احتیاج دارد؛ بنابراین، باید از هرگونه فعالیت سایبری اسراف‌گونه، تخریب‌گرانه، افسادانگیز و مضر برای محیط زیست به شدت پرهیز شود.

از جمله کدهای اصل اخلاقی حفظ محیط زیست برای فعالان عرصه تولید و ترویج سایبری می‌توان به این موارد اشاره کرد: ترجیح دادن حفظ محیط زیست بر اهداف مالی؛ آموزش و ارتقای سواد زیست محیطی کاربران و شهروندان در قالب

محتوای سایبری؛ طراحی ابزار و محتوای سایبری که کمترین ضرر را برای محیط‌زیست داشته باشند؛ طراحی ابزارهای سایبری با هدف حفظ محیط‌زیست؛ اجتناب از ساخت و اشاعه محتوایی که تخریب محیط‌زیست یا ترویج اسراف را تبلیغ کند؛ استفاده از روش‌های اصولی و بی‌خطر برای دفع و امحای ضایعات سایبری؛ تولید فناوری‌های کم‌مصرف برای استفاده بهینه از انرژی.

#### ۸. پرهیز از شایعه‌پراکنی

از منظر اخلاق دینی، یکی از اصول و ارزش‌های اخلاقی تولیدکنندگان و ترویج‌دهندگان محتوای سایبری، «پرهیز از شایعه‌پراکنی» است. شایعه یکی از مهم‌ترین عوامل تهدیدکننده اجتماعات است که می‌تواند امنیت روحی و روانی افراد را به خطر بیندازد و آرامش و آسایش آنان را سلب کند. در آموزه‌های دینی، بسیار بر قبیح بودن شایعه و انتشار آن تأکید شده است.

خدای متعال در قرآن کریم درباره تولیدکنندگان و ترویج‌دهندگان شایعه که در واقع کاری با صحت و سقم محتوای خبر ندارند و براساس حدس و گمان محتوایی را می‌سازند و اشاعه می‌دهند، با شدیدترین لحن سخن گفته و بر آن‌ها مرگ فرستاده است: ﴿قَتَلَ الْخَرَّاصُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي عَمْرَةٍ سَاهُونَ﴾ (ذاریات، ۱۰-۱۱).

با گسترش فضای مجازی، به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها، تولید شایعه و ترویج آن روزبه‌روز افزایش یافته و مشکلات فراوانی به وجود آورده است؛ از جمله ایجاد فضای اخلاقی ناسالم، به‌خطرافتادن آرامش اخلاقی و روانی مردم، ایجاد بدبینی و تفرقه، سلب اعتماد مردم از یکدیگر، کاهش اعتماد مردم و روی آوردن به منابع غیررسمی و در نتیجه، به‌خطرافتادن امنیت.

امروزه فضای مجازی بستر اصلی برای تولید و ترویج شایعه است؛ چراکه به‌خاطر ویژگی‌هایی چون سرعت زیاد تبادل محتوا، دسترسی همگانی و امکان



پنهان کردن هویت واقعی کاربران، سرعت انتشار شایعه و تعداد مخاطبان آن در این فضا بیشتر است.

شایعه‌سازی در فضای مجازی یکی از معضلات اخلاقی این فضا (به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی) است. بعضی از تولیدکنندگان و ترویج‌دهندگان محتوا، با اهداف و اغراض خاصی چون ایجاد مسائل اجتماعی و روانی در زمینه‌ها و موضوعات گوناگون مانند اخبار مهم کشور، مسائل اجتماعی، هیجانات، شورش‌ها، حوادث ناگوار یا تخریب شخصیت افراد سرشناس اعم از افراد عادی، حاکمان، اشخاص سیاسی، مشهور و سلبریتی‌ها، شایعات را تولید و منتشر می‌کنند.

شایعه‌پراکنی در فضای مجازی به این صورت اتفاق می‌افتد که محتوای مجازی غیرواقعی اعم از متن، عکس، فیلم یا صوت تولید و شبکه‌به‌شبکه بدون هیچ‌گونه تفحص و حصول یقین از صحت یا سقم آن، میان افراد ترویج و منتشر می‌شود. شاید به‌نظر شایعه‌سازان این مسئله، خرد و آسان بیاید، ولی می‌تواند پیامدهای گران و زیان‌آوری برای جامعه داشته باشد: ﴿إِذْ تَلَقَّوْنَهُ بِأَلْسِنَتِكُمْ وَتَقُولُونَ بِأَفْوَاهِكُمْ مَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَتَحْسَبُونَهُ هَيِّنًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ﴾ (نور، ۱۵).

از منظر اخلاق اسلامی، تولیدکنندگان و ترویج‌کنندگان محتوای سایبری موظف‌اند از ایجاد هرگونه شایعه و انتشار و دامن‌زدن به آن دوری گزینند. این افراد نباید منفعلانه هر محتوایی را بدون علم و اطمینان بپذیرند و مادامی که به صحت و سقم محتوای مطلبی یقین پیدا نکرده‌اند نباید به ترویج آن اقدام کنند؛ زیرا آموزه‌های اخلاق اسلامی به فعالان عرصه سایبری اجازه نمی‌دهد هر خبر و محتوایی را که به دست می‌آورند، بدون بررسی و دقت، تولید کنند یا ترویج دهند.

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «وَلَا تُحَدِّثِ النَّاسَ بِكُلِّ مَا سَمِعْتَ بِهِ فَكَفَى بِذَلِكَ كِذْبًا» (نهج البلاغه، نامه ۶۹).



از منظر اخلاق دینی، وظیفه اخلاقی تولیدکنندگان و ترویج‌دهندگان در مواقع بروز حوادث و فجایع چند برابر می‌شود. بر این اساس، فعالان فضای مجازی در چنین مواقعی باید در قبال اخبار و شایعاتی که در این فضا رد و بدل می‌شود، فعال و پویا رفتار کنند.

آنان موظف‌اند از دامن‌زدن به شایعه و انتشار آن در فضای مجازی اجتناب ورزند و از پذیرفتن و انتشار دادن هر کلام و محتوایی که در این مواقع حساس باعث افزایش نگرانی و سلب آرامش مردم می‌گردد، خودداری کنند.

شماری از کدهای اخلاقی که بر اصل پرهیز از شایعه‌پراکنی مترتب می‌شود، عبارت‌اند از: بی‌توجهی به شایعات و اخبار ضعیف و بازنگونکردن آن‌ها؛ پرهیز از بازنشر و ارسال محتوا بدون بررسی صحت و سقم آن؛ بالابردن سطح سواد رسانه‌ای کاربران؛ تلاش برای از بین بردن اضطراب و نگرانی عمومی مانند تصویری‌سازی مثبت، روشن و واقعی از قضایای اجتماعی؛ شفاف‌سازی و اطلاع‌رسانی به‌موقع درباره مسائل و موضوعات مهم؛ مقابله جدی با مراکز و افراد شایعه‌ساز.



## نتیجه گیری

در عصر حاضر فضای مجازی جزء جدایی ناپذیر زندگی افراد در تمام جوامع شده است و بی شک، این فضا به طور مستقیم و غیرمستقیم بر سبک زندگی اخلاقی تمام افراد تأثیرات منفی فراوانی گذاشته است. بهترین راه مقابله با معضلات اخلاقی فضای مجازی، سالم سازی فضای مجازی با جدی گرفتن اخلاق دینی و احیای ارزش ها، هنجارها و اخلاقیات دینی در این فضا است.

تولیدکنندگان و ترویج دهندگان محتوا، به واسطه فعالیت ویژه خود در فضای مجازی، جایگاه مهمی در اخلاقی شدن فضای مجازی دارند. مسئله مهم، تبیین ملزومات پایبندی اخلاقی این افراد در فضای مجازی است و تا زمانی که این وظایف و رفتارهای اخلاقی تبیین نگردد، رفتار اخلاقی این افراد و در نتیجه، اخلاقی شدن فضای مجازی، امری ناممکن و دست نیافتنی است.

از منظر اخلاق دینی، مجموعه ای از اصول و ارزش های اخلاقی در عرصه سایبری وجود دارد که این اصول برای تولیدکنندگان و ترویج دهندگان محتوای مجازی عمومیت، ضرورت و کاربرد بیشتری دارد.

این اصول از دل آیات و روایات به دست می آید و بر اساس آنها، شایسته ها و ناشایسته های فعالیت سایبری این افراد مشخص می گردد. این اصول عبارت اند از: راستی و صدق، اهتمام به امور دیگران و خدمت رسانی، مسئولیت پذیری و وظیفه شناسی، مراعات حق الناس و حقوق دیگران، دانش افزایی، پرهیز از اشاعه فحشا، حفظ محیط زیست، پرهیز از شایعه پراکنی.



## کتاب نامه

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق)، غرر الحکم و درر الکلم، چ ۲، قم: دار الکتب الاسلامی.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق)، من لا یحضره الفقیه، چ ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۵. پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲)، نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول ﷺ)، چ ۴، تهران: دنیای دانش.
۶. جوادی، محسن (۱۳۸۶)، پژوهشنامه اخلاق و فناوری اطلاعات، تهران: پژوهشگاه هنر و ارتباطات.
۷. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۱۶ق)، تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه، چ ۳، قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام لاحیاء التراث.
۸. حسینی قلعه بهمن، سیداکبر (۱۳۹۶)، «تحلیل کد اخلاقی محبت در آیین کاتولیک»، فصلنامه علمی پژوهشی اخلاق پژوهی، دوره ۱، ش ۳، ص ۹۲-۱۱۰.
۹. رحمتی، حسینعلی (۱۳۹۷)، «تدوین نظام اخلاقی اسلام درباره فضای مجازی؛ ضرورت ها و بایسته ها»، در مجموعه مقالات منتخب همایش بزرگداشت حکیم صدرالمتألهین، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
۱۰. دیلمی، احمد (۱۳۹۰)، «چیستی و چرایی نظام اخلاقی اسلامی»، فصلنامه علمی ترویجی اخلاق، سال ۱، ش ۴، ص ۹-۴۲.
۱۱. صانع پور، مریم (۱۳۹۶)، اخلاق شهروندان دنیای مجازی با تمرکز بر قرآن و نهج البلاغه، تهران: انتشارات بنیاد نهج البلاغه.
۱۲. کلینی، یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، چ ۴، تهران: دار الکتب الاسلامیه.



۱۳. کیان خواه، احسان و محمدرضا حسینی (۱۳۹۷)، «معیارهای حقوقی انسان در فضای سایبر»، در مجموعه مقالات منتخب همایش بزرگداشت حکیم صدرالمتألهین، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
۱۴. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، چ ۲، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۵. منسوب به جعفر بن محمد، امام ششم علیه السلام، (۱۴۰۰)، مصباح الشریعة، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
۱۶. نقدی پور، سبحان (۱۳۹۹)، مبانی و اصول اخلاقی فضای سایبر از منظر دینی و بررسی سیاست‌های حاکمیتی بر اساس آن، رساله سطح چهار حوزه علمیه، قم.







## تحلیل مقایسه‌ای مفهوم تربیت اخلاقی از منظر علامه طباطبایی با الگوی رشد صفات خلقی شخصیت (با هدف کاربرد در عرصه فرزندپروری) کوثر دهدست\*

### چکیده

یکی از کارکردهای خانواده، تربیت اعضای جدید و پرورش فرزندان بر اساس نیازهای تربیتی مختلف از جمله تربیت اخلاقی است. مقاله حاضر درصدد است از طریق مقایسه تحلیلی مبانی هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و کاربردهای دو الگوی تربیت اخلاقی از منظر علامه طباطبایی و رشد صفات خلقی شخصیت به نگاهی عمیق‌تر در این زمینه دست پیدا کند. برای دستیابی به این هدف از روش فرایند چرخه‌ای تحلیل استفاده شده است. بر این اساس، الگوی فرزندپروری مبتنی بر آرای تربیت اخلاقی علامه طباطبایی به منزله الگویی جدید تبیین و بررسی شد و نشان داده شد که «منش»، هدف اصلی تغییر در فرایند این الگو محسوب می‌شود و چگونگی ایجاد آن تحت تأثیر سه عامل «صفات طبیعتی ذاتی (موروثی)»، «صفات خلقی غیر ذاتی (محیط‌ساخته)» و «اخلاقیات (خودساخته)» انسان است و اراده خود شخص در ایجاد و شکل دهی به آن نقش بسزایی دارد. این الگو با تکیه بر ایجاد تغییر در این

\* استادیار گروه مشاوره دانشکده رفاه، تهران، ایران.



عوامل و مؤلفه‌ها، راهبردها و روش‌های آموزشی و تربیتی خود را بنا می‌گذارد و اساسی از نظر مبانی هستی‌شناسی و انسان‌شناسی و کاربردی، تفاوت‌هایی با الگوی تربیت اخلاقی رشد صفات حُلَقی شخصیت دارد.

### کلیدواژه‌ها

تربیت اخلاقی، الگوی فرزندپروری اخلاق‌محور، الگوی رشد صفات حُلَقی شخصیت، علامه طباطبایی.

### بیان مسئله

این اصل که محیط خانواده نقش مهمی در رشد کودک ایفا می‌کند، امروزه کاملاً پذیرفته شده است و تحقیقات در این زمینه نشان می‌دهد شیوه‌ای که والدین با آن نقش خود را ایفا می‌کنند، بر رشد کودک و موفقیت تحصیلی او تأثیر می‌گذارد (Sahithya, Manohari & Vijaya, 2019).

لذا همین امر زمینه‌ی ایجاد تحولات گسترده‌ای در آموزش فرزندپروری و سیاست‌های مربوط به کودک و خانواده در دنیا شد؛ به گونه‌ای که این عامل تأثیرگذار، یعنی نقش والدین در تربیت فرزندان و نسل آینده‌ی کشورها، امروز به یک زمینه‌ی مهارتی مبدل شده است (Gillies, 2010: p. 52).

بررسی ادبیات تحقیق در این زمینه نشان می‌دهد که والدین، سبک‌ها و راهبردهای فرزندپروری متفاوتی را برای رشد فیزیکی، شناختی، هیجانی و اجتماعی فرزندان خود به کار می‌گیرند (Kuppens & Ceulemans, 2019: p. 168). آن‌ها رفتار فرزندان خود را تثبیت و خاموش می‌کنند، خود را الگوی فرزندان تلقی می‌کنند و باورها و انتظارات خود را بیان می‌کنند.

بنابراین، روش‌های مختلفی که هر والد اتخاذ و اجرا می‌کند، به بروز رفتارهای مختلف کودک منجر می‌شود؛ به گونه‌ای که رفتارها، نگرش‌ها و ارزش‌های والدین،





نحوه تعامل آن‌ها با فرزندانشان را مشخص می‌کند و هر سبک فرزندپروری، رابطه خاصی را نشان می‌دهد که بین والدین و کودکان در بستر منحصربه‌فرد ارتباطی‌شان شکل می‌گیرد (Yildirim & Yildirim, 2014: p. 2675). مطالعه این تعاملات و راهبردها همواره زمینه‌ساز تدوین الگوهای گوناگونی در آموزش فرزندپروری بر اساس نظریات مختلف رشدی و تربیتی در دنیا بوده است.<sup>۱</sup>

علاقه روبه‌رشد جوامع انسانی به برنامه‌های آموزشی، نتیجه سردرگمی ناشی از جهانی‌شدن ارتباطات و پیشرفت‌های فناوری است. به همین دلیل، امروزه خانواده‌ها در مواجهه با شرایط جدید و تحولات، اغلب احساس درماندگی می‌کنند و برای رویارویی با مسائل پیش‌آمده، آگاهی لازم و کافی ندارند. بنابراین به نظر می‌رسد برنامه‌های آموزش فرزندپروری، راه‌حلی برای مواجهه با این تغییرات و خواسته‌های فردی یا اجتماعی است.

اما از طرفی مشکلات پیش‌روی جوامع درباره مسائل تربیتی و آسیب‌های اجتماعی نشان می‌دهد که اگر خواهان افزایش مهار اجتماعی و کاهش تخلف از قوانین و هنجارها هستیم، باید به رویکردهای تربیتی، درمانی و فرزندپروری توجه کنیم که در آن‌ها «اخلاق» (Ethics) به‌منزله یک کنترل‌گر درونی می‌تواند عامل این تغییر در نظر گرفته شود (Becvar & Becvar, 2014, p.27)؛ به‌گونه‌ای که بر اساس نظریه کنترل، با پیشگیری از چنین رفتارهایی، فرد به میزانی از تعهد رفتاری و

۱. الگوهای غالب آموزش فرزندپروری در دنیا اکنون شامل موارد زیر است: ۱) الگوی آموزشی مدیریت والدین اورگان (Parent Management Training Oregon Model)، ۲) الگوی آموزشی فرزندپروری سال‌های باورنکردنی (The Incredible Years: Parent and Children Training Series)، ۳) الگوی فرزندپروری کمک به کودک ناسازگار (Helping the Noncompliant Child)، ۴) الگوی فرزندپروری حکیمانه (Parenting Wisely Positive)، ۵) الگوی فرزندپروری کروسار (The Krousar Parenting Education Program)، ۶) الگوی فرزندپروری آگاهی‌افزایی (Parenting Awareness Model)، ۷) الگوی فرزندپروری مثبت (Parenting Programs)، ۸) الگوی فرزندپروری حمایتی (Parents Altogether Lending Support)، ۹) الگوی فرزندپروری تقویت خانواده (The Strengthening Families Program).



اعتقادی برای انجام اعمال شایسته دست می‌یابد و در نتیجه، بروز کارهای خلاف و غیرقانونی کاهش پیدا می‌کند (Hawkins & Weis, 2017: p. 8).

چنان‌که در همین زمینه دیده می‌شود که مباحث مربوط به اخلاق و تربیت اخلاقی، بخش عمده و اساسی معارف اسلامی را نیز به خود اختصاص داده است و تأثیر آن در زندگی فردی و اجتماعی انسان چنان مهم و حیاتی تلقی شده که خداوند آن را اصلی‌ترین هدف بعثت انبیا (برای هدایت و سعادت بشر) قرا داده<sup>۱</sup> و رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نیز فلسفه رسالت خود را تکمیل مکارم اخلاق برشمرده است.<sup>۲</sup>

ولی با وجود تدوین، نشر و طرح مباحث اخلاقی فراوان توسط دانشمندان متقدم و متأخر، بررسی ادبیات پژوهش در این باره نشان می‌دهد بدان دلیل که مباحث مطرح در این آثار اغلب نظری هستند و متناسب با نیازهای جامعه کاربردی نشده‌اند، نتایج و تأثیر اندکی در جامعه داشته‌اند و در ایران و جهان با رشد روزافزون رفتارهای پرخطر، آسیب‌زا، غیراخلاقی و جرائم گوناگون مواجهیم.<sup>۳</sup>

بنابراین، در جوامع گوناگون، توجه به نقش اخلاق در کاهش آسیب‌ها و مشکلات اجتماعی در دستور کار مسئولان قرار گرفته (Embelton & Helfer, 2007: p. 23-26) و یکی از بزرگ‌ترین دغدغه‌های آموزشی در مدارس، آموزش اصول اولیه اخلاقیات (Basic Morals) برای پیشگیری از بروز چنین مشکلات رفتاری، اخلاقی و هیجانی در میان نسل جوان و نوجوان است (Baykara, Demir & Yaman, 2015: p. 665).

۱. جمعه، ۳.

۲. «انما بعثت لاتمم مکارم الاخلاق؛ به‌درستی من برای تکمیل مکارم اخلاق مبعوث شده‌ام» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۶: ص ۴۰۵).

۳. طبق آمارهای بهزیستی کشور، طی سال‌های اخیر، آسیب‌های اجتماعی و غیراخلاقی، به‌طور متوسط، هر سال ۱۵ درصد رشد داشته است (به نقل از [www.behzisti.ir](http://www.behzisti.ir)).



نکته قابل تأمل در اینجا این است که برنامه‌های آموزش فرزندپروری اغلب برای گروه‌ها و جمعیت‌های غربی تدوین شده و تحقیقات زیادی بر اهمیت فرهنگ در شکل‌گیری برنامه‌های آموزش فرزندپروری تأکید کرده‌اند (برای مثال نک: Davidov, 2021)؛ زیرا به دلیل وجود هنجارها و عقاید متفاوت اجتماعی و فرهنگی در حوزه رشد فرزندان و باید‌ها و نبایدهای فرزندپروری در هر جامعه‌ای، مسائل و در نتیجه، روش‌های گوناگونی برای مواجهه با مشکلات و نیازهای فرزندپروری در هر جامعه‌ای وجود دارد (Sangawi, Adams & Reissland, 2015: p. 175).

بنابراین، ارائه برنامه‌های فرزندپروری بدون توجه به زمینه‌های فرهنگی و ارزشی والدین و خانواده‌ها، تأثیرات مثبت کمتری را به همراه دارد، در حالی که در نظر گرفتن فرهنگ و بافت هر کشور، به عنوان متغیر تعدیل‌کننده، تأثیرات این برنامه‌ها را افزایش می‌دهد.

این امر به ویژه در حوزه تربیت اخلاقی نمود بسیاری دارد؛ زیرا تربیت اخلاقی که یکی از وجوه فرزندپروری است، شامل برانگیختن، فراهم ساختن و به کار بستن سازکارهای آموزشی و پرورشی با هدف ارائه گزاره‌های اخلاقی و شناختن و شناساندن فضایل و رذایل و زمینه‌سازی برای ایجاد نگرش درست و روی آوردن به اخلاق نیکو و عینیت‌دادن به ارزش‌های اخلاقی (برای رسیدن به سعادت و کمال در هر دو شأن جسمانی و روحانی فرزند) می‌شود. تعریف فرزندپروری از یک سو، به جایگاه و تعریف اخلاق در دیدگاه فلسفی هر الگو مربوط است و از سوی دیگر، با نگاه مربی (که در اینجا والدین هستند) درباره ماهیت انسان و میزان و چگونگی تربیت‌پذیری او پیوند دارد.

لذا نظریه‌های مختلف اخلاقی بر اساس زمینه فلسفی خود، تعاریف و روش‌های آموزشی و فرایندی رشد اخلاقی متربی را ارائه داده‌اند.



در ادامه، در ابتدا به بررسی رویکرد «تربیت صفات خُلقی شخصیت» (Character Training) و سپس، به تبیین مفهوم تربیت اخلاقی از نگاه علامه طباطبایی خواهیم پرداخت تا از این طریق بتوانیم این دو نگرش را مقایسه کنیم و اختلاف مبانی هستی‌شناختی و انسان‌شناختی آن‌ها را دریابیم و مناسب‌ترین رویکرد را در عرصهٔ فرزندپروری برگزینیم. بر این اساس، در این تحقیق به سؤالات زیر پاسخ داده می‌شود:

۱. مفهوم تربیت اخلاقی مبتنی بر نظریهٔ رشد صفات خُلقی شخصیت دارای چه شاخص‌هایی است؟
۲. مفهوم تربیت اخلاقی از منظر علامه طباطبایی چه شاخص‌هایی دارد؟
۳. تحلیل مقایسه‌ای مفهوم تربیت اخلاقی در این دو رویکرد (حول مبانی هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و کاربرد در عرصهٔ فرزندپروری) چگونه است؟

### توضیح چارچوب روش‌شناختی تحلیلی الگوها

برای دستیابی به هدف تحقیق از روش فرایند چرخه‌ای تحلیل که ساراناکوس (۱۹۹۸) مطرح کرده است، به‌عنوان یک روش تحلیل کیفی استفاده کردیم (به نقل از ترک‌زاده، ۱۳۸۸).

این روش در چرخه‌ای شامل سه مرحلهٔ تقلیل (Data Reduction)، سازمان‌دهی (Data Organization) و تفسیر و استنتاج داده‌ها (Data Interpretation) امکان تحلیل داده‌های کیفی پراکنده و پُربعد (Sequential) را فراهم می‌کند.

در پژوهش حاضر نیز با توجه به اینکه از یک سو با پراکندگی و تنوع منابع مواجه بودیم و از سوی دیگر، با چندلایگی و نیاز به تفسیر مفاهیمی که حول محور تربیت اخلاقی در دو رویکرد مذکور شکل گرفته بود، از این چارچوب روش‌شناختی برای تحلیل مقایسه‌ای مبانی هستی‌شناسی و انسان‌شناسی الگوها بهره بردیم.



### تبیین مفهوم تربیت اخلاقی مبتنی بر نظریه رشد صفات خلقی شخصیت

در رویکرد رشد صفات خلقی شخصیت که به دیدگاه سنتی نیز معروف است و از نظر تاریخی در عقاید اخلاقی فلاسفه فضیلت‌مدار مانند ارسطو ریشه دارد، نگاه به انسان (انسان‌شناسی) به گونه‌ای است که برای انسان، ظرفیت‌های وجودی و استعدادی خاصی در نظر گرفته می‌شود.

این امر باعث می‌شود مبتنی بر ایده اصلی تربیتی آن که برخاسته از همان نگاه فلسفی و روان‌شناختی است، بیان کند آموزش صفات پسندیده اخلاقی در یک فرایند تعلیم و تربیت مناسب، ممکن می‌شود (Cooley, 2008: p. 190) که این تعلیم و تعلم در اخلاق با محوریت پرورش صفات خلقی نیکو در فاعل اخلاقی صورت می‌گیرد.

طبق این رویکرد تربیت اخلاقی، داشتن صفات خلقی فضیلت‌گونه و نیکو در انسان، به معنی قدرت و توانایی انجام اعمال و رفتارها مبتنی بر آن صفات در فرد است که باعث به وجود آمدن ویژگی‌ها و الگوی شخصیتی در او می‌شود که عمل بر اساس اخلاقیات را معنا می‌بخشد و این به معنی شخصیت خلقی یا کارا کتر انسان خوب است.

این ویژگی‌های خلقی انسان که نوع شخصیت او را در ارتباط با ارزش‌های اخلاقی انسانی مثل مهربانی، دلسوزی، مراقبت، احترام و دیگر ارزش‌ها مشخص می‌کنند، باعث می‌شوند فرد به اعمال شایسته و صحیح دست بزند یا برعکس، بد و نادرست عمل کند. در واقع، مشخصات روان‌شناختی انسان بر عملکرد اخلاقی او را تأثیر می‌گذارد (Hoof, 2014, p.10). هرچند رویکرد رشد صفات خلقی شخصیت از نیمه نخست قرن بیستم مطرح بوده است، اما در سال‌های اخیر دانشمندی مانند (Kirschenbaum, 2000: p. 8) آن را جانشینی برای رویکردهایی مانند تبیین ارزش‌ها و رشد اخلاقی کلبرگ دانسته و افرادی مانند (Lickona, 1993: p. 6)، (Berkowitz, 2002: p. 43) و (Narvaez & Lapsley, )



(158: 2008)، آن را رویکردی جامع معرفی نموده‌اند که در رشد اخلاقی، نقش کلیدی بازی می‌کند.

آنان معتقدند اگر خواهان جامعه‌ای با مشکلات رفتاری و اخلاقی کمتری هستیم، باید شهروندان را بر اساس صفات خلقی ویژه و نظام ارزشی خاصی تربیت کنیم. این رویکرد از نظر تاریخی در عقاید اخلاقی فلاسفه فضیلت‌مداری مانند ارسطو ریشه دارد و ایده اصلی تربیتی آن برخاسته از این نگاه فلسفی و روان‌شناختی است که صفات پسندیده اخلاقی طی فرایند تعلیم و تربیت مناسب آموزش داده می‌شوند (Cooley, 2008: p. 190).

اصطلاح «کاراکتر» (Character) در این نظریه، در یونان باستان به معنی «حکاکی کردن بر سنگ» بوده تا بر این موضوع تأکید کند که صفات ملکه شده در شخصیت باعث می‌شوند انسان به سبک و شیوه خاصی رفتار کند<sup>۱</sup> (O'Sullivan, 2004: p. 640-645).

بر این اساس، اصطلاح «کاراکتر خوب» (Good character) درباره انسان‌هایی به کار می‌رود که خوب را می‌دانند، آن را می‌پذیرند و به آن عمل می‌کنند (Katilmis, Eksi & Öztürk, 2011: p. 854-859).

امروزه تمرکز آموزش‌های تربیت صفات خلقی، به عنوان یکی از رویکردهای تربیت اخلاقی، در مقایسه با گذشته تغییراتی کرده است، ولی همچنان یک نظریه ماندگار تربیتی محسوب می‌شود؛ زیرا هرچند خانواده، اجتماع و فرهنگ روی این ویژگی‌های شخصیتی بسیار تأثیر می‌گذارند و سرعت عمل آن‌ها را کاهش می‌دهند، وجود مؤلفه مهم عوامل تعیین‌کننده درونی که تعامل پویایی با این تأثیرات خارجی دارد، باعث می‌شود رشد مثبت اغلب باثباتی در فرد اتفاق بیفتد.

۱. معادل فارسی اصطلاح «کاراکتر» در ادبیات پژوهش غربی، اصطلاح «منش» است که کاملاً متفاوت با مفهوم منش در ادبیات دینی است و باید به تفاوت‌های بنیادی آن‌ها توجه کرد. لذا در این مقاله از اصطلاح صفات خلقی شخصیت برای توضیح واژه کاراکتر استفاده شده است.



در این زمینه، فریمن (Freeman, 2011) در پژوهش خود نشان داد تغییرات اساسی که در جوامع (با تمرکز بر جامعه انگلستان) در برهه‌های زمانی خاصی اتفاق افتاده است، به واسطه رخداد باورنکردنی و ویژه‌ای به نام «تربیت ویژگی‌ها و صفات خلقی شخصیت» (Character training) در میان نسل جوان آن جامعه که جزو رهبران جامعه قرار گرفته‌اند، بوده است.

بنابراین، نتیجه می‌گیریم که اگر خواهان پیشرفت اجتماعی در ابعاد مختلف هستیم، باید این نوع از تربیت را به گونه‌ای به کار بگیریم که بر ایجاد، پرورش و تثبیت ارزش‌های اساسی لازم برای زندگی انسان تأکید شود و توانایی تشخیص خوب از بد در افراد به وجود آید؛ یعنی بتوانند اخلاقی فکر و عمل کنند؛ زیرا ویژگی‌های شخصیت خلقی انسان که نوع عمل انسان را در ارتباط با ارزش‌های اخلاقی انسانی مثل مهربانی، دلسوزی، مراقبت، احترام و دیگر ارزش‌ها مشخص می‌کنند، به گونه‌ای هستند که باعث می‌شوند فرد به اعمال شایسته و صحیح دست بزند یا برعکس، بد و نادرست عمل کند. اما تعیین مشخصات روان‌شناختی که این عملکرد اخلاقی انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهند، مهم است.

بر کوویترز، این موضوع را با اصطلاح آناتومی اخلاقی (Moral Anatomy) تبیین می‌کند و هفت بخش تعیین‌کننده برای آن برمی‌شمرد (Berkowitz, 2002: p.43). وی می‌گوید رفتار اخلاقی، ارزش‌های اخلاقی، شخصیت اخلاقی، عواطف اخلاقی، استدلال اخلاقی، هویت اخلاقی و ویژگی‌های بنیادین انسان (foundational characteristics)، طی ارتباطی پیچیده با یکدیگر، عملکرد اخلاقی انسان را شکل می‌دهند و کارا‌تر منحصربه‌فرد او را ایجاد می‌کنند. بنابراین، رویکرد تربیتی صفات خلقی شخصیت که با تمرکز بر این وجوه قصد تغییر دارد، پیچیدگی خاصی خواهد داشت.

الگوهای تربیت امروزی در این زمینه، به‌طور یکپارچه به‌دنبال شکل‌دهی به این ویژگی‌های شخصیتی از طریق آموزش‌های اخلاقی هستند؛ به این





معنا که تلاش می‌شود صفات و خصوصیات لازم برای زندگی بهتر با آموزش تصمیم‌گیری در موقعیت‌های متفاوت اجتماعی بر اساس بررسی ارزش‌های اصیلی که در مدرسه و جامعه وجود دارد، در شخصیت افراد پایدار شوند. این امر با آموزش مهارت‌های استدلال کردن و توجه به نقش عواطف و انگیزش‌ها در تصمیم‌گیری و استدلال اخلاقی (Nucci, Krettenauer & Narvaez, 2014) محقق می‌شود.

### ۱. تبیین مفهوم اخلاق و تربیت اخلاقی از منظر علامه طباطبایی

آنچه از مجموع آثار علامه طباطبایی برمی‌آید این است که وی علم اخلاق را فنی می‌داند که «در آن پیرامون ملکات نفسانی بحث می‌شود، ملکاتی که مربوط به قوای نباتی و حیوانی اوست و غرض و هدف از این مباحث، این است که فضایل از رذایل جدا شده و معلوم کند که کدام‌یک از ملکات نفسانی انسان خوب و دارای فضیلت و مایه کمال اوست و کدام‌یک بد و از صفات رذیله محسوب می‌شود و مایه نقص اوست تا آدمی بعد از شناسایی آن‌ها خود را به فضایل آراسته سازد و از رذایل دور نماید و در نتیجه، اعمال نیکی که مقتضای درونی است، انجام دهد تا در اجتماع انسانی ستایش عموم و ثنای جامعه را به خود جلب کرده و سعادت علمی و عملی را به کمال برساند» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱: ص ۵۵۸-۵۵۹).

علامه طباطبایی، در ذیل آیه ۴ سوره قلم<sup>۱</sup>، در تعریف خُلُق می‌نویسد: «کلمه خُلُق به معنای ملکه نفسانی است که افعال بدنی مطابق اقتضای آن ملکه به آسانی از آدم سر می‌زند، حال چه اینکه آن ملکه از فضایل باشد، مانند عفت و شجاعت و امثال آن و چه از رذایل، مانند حرص و بزدلی و امثال آن. ولی اگر مطلق ذکر شود، فضیلت و خُلُق نیکو از آن فهمیده می‌شود» (همان، ج ۱۹: ص ۶۸).

۱. ﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾.



همین طور در تفسیر آیه ۸۴ سوره اسراء<sup>۱</sup> چنین بیان می‌کند: «شاکله در زبان عربی از ریشه "شکل" به معنای چیزی را با عقلی مشخص و مقید کردن گرفته شده و مراد از آن معنای خوی و اخلاق است» (همان، ج ۱۳: ص ۲۶۰)؛ یعنی «همان شخصیت خُلَقیه که آدمی را به یک نوع عمل دعوت می‌کند. البته دعوت به طور اقتضا، نه به طور جبر و حتم» (همان، ص ۲۶۷) و «نام گذاری آن به این دلیل است که انسان را محدود و مقید می‌کند و نمی‌گذارد در آنچه می‌خواهد، آزاد باشد؛ بلکه او را وادار می‌سازد تا به مقتضا و طبق آن اخلاق رفتار کند» (همان، ص ۲۶۲).

علامه در نهایت می‌گوید: «انسان‌ها چون نوع واحدی هستند، بیش از یک سعادت و یک شقاوت ندارند؛ یعنی سودها و زیان‌هایشان نسبت به بنیه و ساختمان روحی و بدنی آنها، سود و زیان مشترکی است» و «مقصود از سعادت، آن چیزی است که برای انسان از آن جهت که انسان است، خیر است و منظور از شقاوت هر چیزی است که برای او از این جهت که انسان است، مضر است» (همان، ج ۱: ص ۱۸۳)؛ در نتیجه، «در این صورت، لازم است که در مرحله عمل نیز هادی واحدی آنها را به آن هدف ثابت هدایت کند و این هادی همان "فطرت و نوع خلقت" است. انسان به فطرتی مجهز است که او را به سوی سعادتش هدایت می‌کند و به آنچه نافع برای اوست و به آنچه برایش ضرر دارد، ملهم کرده است.<sup>۲</sup>

همین طور به جهاز بدنی مناسب با آن غایت و هدف مجهز است تا با آن رفتار مورد نیاز خود را انجام دهد<sup>۳</sup>؛ پس انسان دارای فطرتی خاص به خود است که او را به سنت خاص زندگی و راه معینی هدایت کند که به هدف و غایتی خاص منتهی می‌شود؛ راهی که جز آن را هر انسان می‌تواند پیش گیرد» (طباطبایی، ۱۳۷۴،

۱. ﴿قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ﴾.

۲. ﴿وَنَفْسٍ وَ مَا سَوَّيْنَاهَا فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا﴾ (شمس، ۷-۸).

۳. ﴿ثُمَّ السَّبِيلَ يَسْرَهُ﴾ (عبس، ۲۰).



ج ۱۶: ص ۲۶۷-۲۶۹). «این فطرتی ملکوتی است که همواره عقاید حق و اعمال صالح را به او گوشزد می‌کند که به کمال و سعادت حقیقی انسان منتهی شود» (همان، ج ۱۲: ص ۳۴).

البته علامه در توضیح ارتباط سعادت انسان با نوع اعمال و صفات خلقی‌اش بیان می‌کند: «مواد قانون دینی، از این سه دسته خارج نیستند: یا معارف اصولی است و یا احکام اخلاقی و یا دستورات عملی. هرچه باشد با نفس انسان سروکار دارد؛ چون غرض از تشریح این قوانین، اصلاح نفس بشر است و می‌خواهد با تمرین روزانه ملکات فاضله را در نفس رسوخ دهد. آری علوم و ملکات به نفس انسانی صورتی می‌دهد که یا هم‌سنخ با سعادت اوست و یا مایه شقاوت او. علی‌ای حال، تعیین راه سعادت و شقاوت انسان و قرب و بعدش از خدای سبحان به عهده همین صورت‌هاست» (همان، ج ۲: ص ۲۲۱).

همچنین، علامه طباطبایی در زمینه ارتباط نوع نگرش و جهان بینی با سعادت انسان می‌نویسد: «حقیقت امر این است که مسرت و اندوه و شادی و غم و رغبت و نفرت و رنج و راحت آدمی دایر مدار طرز فکر [و نگرش] انسان در مسئله سعادت و شقاوت است، این اولاً و در ثانی، سعادت و شقاوت و آن عناوین دیگری که همان معنا را می‌رساند، به اختلاف موردش مختلف می‌شود؛ یعنی سعادت و شقاوت روح، امری است و سعادت و شقاوت جسم امری دیگر» (همان، ج ۳: ص ۱۴).

در تعاریفی که در بالا بیان شد، چند نکته دقیق درباره علم اخلاق وجود دارد که توجه به آن‌ها در امر تربیت اخلاقی مهم است:

اول. اخلاق همان ملکات و صفات درونی شده وجود انسان است که هم ملکه‌های علمی و اعتقادی را شامل می‌شود و هم ملکه‌های رفتاری و عملی را که به تدریج ایجاد می‌شوند و به‌سختی از بین می‌روند. لذا توجه به ابعاد مختلف وجود انسان در امر تربیت اخلاقی مهم است؛



**دوم.** انسان دارای اراده و اختیار است. در نتیجه این اراده و با کوشش، تغییر‌پذیری اخلاق و خُلق‌و‌خوهای درونی امکان‌پذیر است؛ لذا تربیت اخلاقی امری ضروری است؛

**سوم.** تمام اعمال و افعال عینی و خارجی انسان از این ملکه‌ها و صفات نشأت می‌گیرند و سازنده منش یا شاکله اخلاقی فرد می‌شوند. این منش یا شاکله، انسان را به نوع خاصی از عمل هدایت می‌کند و صفات خُلقی عامل شکل‌دهنده آن هستند. بنابراین، تربیت اخلاقی باید طوری شکل بگیرد که در نهایت، منش اخلاقی در فرد ایجاد شود؛

**چهارم.** ملکه‌ها و صفات انسان (به‌منزله عامل ایجاد منش) یا فضیلت هستند یا رذیلت. لذا انسان‌ها یا منش خوب دارند یا منش بد که هر دو از ذات و اخلاق آنان سرچشمه می‌گیرند و در امر تربیت اخلاقی باید به چگونگی شکل‌گیری منش اخلاقی توجه شود؛

**پنجم.** نقطه کانونی و زیربنای اخلاق در این نظام منشی یا شاکله‌ای برای جهت‌دهی به انسان و تربیت او، «فطرت» است که انسان را در مسیر سعادت حقیقی هدایت می‌کند؛

**ششم.** ارتباط نوع نگرش و جهان‌بینی با سعادت انسان به گونه‌ای است که نوع نگاه و هستی‌شناسی فرد، او را در مسیر سعادت یا شقاوت قرار می‌دهد. لذا توجه به این نگرش در امر تربیت اخلاقی باید مرکز توجه باشد.

بر اساس توضیحات بالا می‌توان نتیجه گرفت که در این تعاریف، اخلاق نظری و عملی با یکدیگر مطرح شده‌اند؛ یعنی از یک طرف، شناخت فضایل و رذایل اخلاقی و چستی آن بیان شده است که همان جنبه نظری علم اخلاق است و از طرف دیگر، چگونگی ایجاد ملکات اخلاقی فضیلت‌گونه و اجتناب از رذایل که جنبه کاربردی و فنی این علم محسوب می‌شود.



واضح است که باید میان اخلاق به‌عنوان یک علم نظری که نوعی تفسیر، طبقه‌بندی و ارزیابی اصول را انجام می‌دهد با تربیت اخلاقی به‌منزله علم عملی که فنون تحول در انسان و اصلاح و تکمیل منش‌های اخلاقی و رفتارهای وی را بر عهده دارد، تمایز قائل شد.

بنابراین، فهم چیستی و چگونگی تربیت اخلاقی مبتنی بر جنبه نظری علم اخلاق که هدف آن تشخیص خوب از بد و پس از آن، کسب فضایل و دوری از رذایل است، اهمیت پیدا می‌کند. لازمه این امر بررسی مفهوم تربیت اخلاقی از منظر رویکردهای مختلف فلسفی است؛ از این رو، در قسمت بعد به مقایسه دو رویکرد تربیت اخلاقی مبتنی بر آرای علامه طباطبایی و رویکرد رشد صفات خلقی شخصیت خواهیم پرداخت.

## ۲. تحلیل مقایسه‌ای مفهوم تربیت اخلاقی از منظر علامه طباطبایی با الگوی رشد صفات خلقی شخصیت

### مقایسه مبانی هستی‌شناسی دو الگو

دو رویکرد تربیت اخلاقی مبتنی بر آرای علامه طباطبایی و تربیت صفات خلقی شخصیت، اشتراکاتی با فلسفه اخلاق مبتنی بر نظریه فضیلت‌گرایی دارند؛ به این معنا که در آن، عملی اخلاقی تلقی می‌شود که در جهت پرورش و رشد شخصیتی مبتنی بر صفات نیکو باشد. این صفات پسندیده اخلاقی باعث شکل‌گیری منشی در انسان می‌شوند که آن منش، او را به نوع خاصی از عمل هدایت می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۳: ص ۲۶۰-۲۶۸؛ Gallien & Jackson, 2006: p. 129).

همچنین، هر دو رویکرد بر فراروی از خودمحوری و توجه به فضیلت، به‌عنوان بنیانی تعالی‌جویانه در اخلاق، تأکید کرده‌اند؛ به‌گونه‌ای که عمل به فضایل برای دستیابی به زندگی سعادت‌مندانه ضروری می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱: ص ۵۶۰؛ Katilmis & other, 2011).



هستی‌شناسی الگوی تربیت منش اخلاق محور مبتنی بر آرای علامه طباطبایی از نوع «واقع‌گرایانه» (Realism) است. واقع‌گرایی، تمرکزی بر واقع‌نمابودن جملات اخلاقی و به تبع آن واقع‌نمایی در مفاهیم اخلاقی دارد و بر این باور است که احکام اخلاقی، گزاره‌هایی صادق‌اند.

لذا واقع‌گرایان اخلاقی، این عقیده را نمی‌پذیرند که گزاره‌ها و احکام اخلاقی یا توجیه‌های آن‌ها در ابتدا به باور و احساسات گوینده و اظهارکننده آن احکام وابسته‌اند (نوروزی و شیراوند، ۱۳۹۷).

بر این اساس، تعریف اخلاق و فرایند تربیتی آن در این الگوی تربیتی در موضعی غیروابسته به ذهن بیان می‌شود؛ به گونه‌ای که اخلاق و تعریف خوب و بد اخلاقی به منزله واقعیتهای مستقل از ذهن وجود دارد که نه بر اساس معانی برساخته ذهن انسان‌ها، بلکه به صورت واقعی و عینی، به این شکل از قبل تعیین شده است: «این است اصول اخلاق فاضله یعنی عفت، شجاعت و حکمت و عدالت که هر یک از آن‌ها فروعی دارد که از آن ناشی می‌شود و نسبتش به آن اصول نسبت نوع است به جنس» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱: ص ۵۶۰).

علامه طباطبایی این اصول را همیشه و همه‌جا حُسن می‌داند و غیر از آن را در تمام جوامع، قبیح و زشت می‌شمارد؛ زیرا این امور از مقاصد عامه به شمار می‌روند و چون مقاصد عامه ثابت و پایدارند، این اصول اخلاقی نیز ثابت و تغییرناپذیرند و شناخت آن‌ها بر عهده عقل و وحی است.

این امر به این معناست که در نگاه علامه طباطبایی، احکام و اصول اخلاقی، اعتباری مبتنی بر واقعیات جهان هستی، واقعیت انسان و مصالح و مفاسدی دارای آثار واقعی و مخصوص به خود هستند و با توجه به غایتشان، بر حسب باور عقلانی و درک از واقعیت که اموری تکوینی محسوب می‌شوند، تبیین‌پذیر هستند.

این نشان می‌دهد دیدگاه علامه طباطبایی در نظام معرفتی ایشان در جرگه واقع‌گرایی اخلاقی قرار می‌گیرد (نوروزی و شیراوند، ۱۳۹۷: ص ۱۵۸). ولی در نگاه

او، اختلاف وقتی ایجاد می‌شود که انسان‌ها در شناخت مصادیق این اصول دچار اختلاف و اشتباه می‌شوند که این مصادیق را می‌توان در بستر اجتماعی و فرهنگی هر جامعه‌ای بررسی کرد.

بر اساس توضیحات بالا، وجه تمایز بنیادی الگوی تربیت منش اخلاق‌محور مبتنی بر آرای علامه طباطبایی با الگوی تربیت اخلاقی رشد صفات خُلقی شخصیت، در هستی‌شناسی آن‌هاست؛ به این معنا که در نگاه اول به نظر می‌رسد رویکرد تربیت منش اخلاقی مبتنی بر آرای علامه با الگوی تربیت صفات خُلقی شخصیت که هر دو مبتنی بر نظریه فضیلت‌گرایی ارائه شده‌اند، از نظر هستی‌شناسی، تفاوت بنیادینی با یکدیگر ندارند، ولی در واقع، با هم اختلاف‌های اساسی دارند؛ الگوی تربیت منش اخلاق‌محور، اصول و مبانی اخلاقی را به‌طور عینی از قبل تعیین شده و مشخص می‌داند که از جانب خالق تبیین شده و به‌وسیله عقل قابل دستیابی است و اگر رفع اختلاف در مصادیق ارزش‌های اخلاقی در بستر اجتماعی و فرهنگی به‌گونه‌ای باشد که از اصول تجاوزی صورت نگیرد، امکان‌پذیر است؛ ولی الگوی تربیت صفات خُلقی بر این پایه استوار است که عقل انسان این اصول را باید کشف کند و کنش ورزی و استدلال انسان برای این کشف، با استفاده از ظرفیت‌های درونی و روان‌شناختی او حاصل می‌شود.

علامه، وجه تمایز تعریف عقل را در نگاه اسلام با دیگر مکاتب، این‌گونه توضیح می‌دهد: «در اثر انحراف فطرت از مجرای طبیعی، دایره عقل تنگ‌تر می‌شود و چه بسا اموری عقلانی و خردمندانه، خلاف عقل باشند» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲: ص ۲۵۴). لذا «در قرآن، مراد از تعقل، ادراک توأم با سلامت فطرت است، نه تعقل تحت تأثیر غرایز و امیال نفسانی» (همان، ص ۳۷۵)؛ به این معنا که «خداوند، عقل را به نیرویی تعریف کرده که انسان به‌وسیله آن راه را به‌سوی حقایق معارف و اعمال صالح پیدا نموده و پیش بگیرد و اگر عقل انسان، قلمرو علمش به دیوار خیر و شرهای دنیوی محدود گردد، دیگر عقل نامیده نمی‌شود» (همان، ص ۳۷۵).





بر اساس توضیحات، می‌توان چنین نتیجه گرفت که در رویکردهای مختلف تربیت اخلاقی، از جمله رشد صفات خلقی شخصیت، مبانی نظری مستقل از گزاره‌های دینی پی‌ریزی شده است و حتی در الگوی تربیت اخلاقی رشد صفات خلقی شخصیت که همانند الگوی حاضر مبتنی بر نظریه فضیلت‌گرایی، نوعی فراروی از خودمحوری و توجه به ایده خیر در انسان مدنظر است، این رویکرد تعالی‌جویانه، دینی نیست و اخلاق در حوزه‌ای مستقل از دین مورد توجه قرار می‌گیرد. نکته‌ای که در این مبحث توجه به آن اهمیت زیادی دارد، این است که اخلاق و گزاره‌های اصیل اخلاقی نمی‌توانند همچون یک دانش مستقل جدا از گزاره‌های دینی پی‌ریزی شوند و کاربردی باشند؛ زیرا دلایل محدودیت عقل انسان، ضمانت اجرایی و انگیزشی احکام اخلاقی و دو وجهی بودن ساحت وجودی انسان (مادی و معنوی) که زندگی او را محدود به این دنیا نمی‌کند، باعث وابستگی اخلاق به دین می‌شوند (فناپی، ۱۳۸۶: ص ۱۴۹).

اما رویکرد رشد صفات خلقی شخصیت مبتنی بر نظریه فضیلت‌گرایی معاصر، بدان دلیل که معتقد است فضایل اخلاقی از طریق تمرین و ادراک گزاره‌های اخلاقی به وسیله علم انسان که فعالیت متعالی اخلاقی را صرفاً با کارکرد عقل تبیین می‌کند، کسب می‌شوند و همچنین، به این دلیل که سعادت انسان را بدون در نظر گرفتن وجه روحانی وجود انسان و در همین دنیا میسر می‌داند، عملاً اخلاق فضیلت‌گرایی معاصر را به اخلاق سکولار تبدیل کرده است. چنین اخلاقی، از نظر مبنا، تفاوت بنیادی با الگوی تربیت منش اخلاق‌محور مبتنی بر نظریه فضیلت‌گرایی دینی دارد. لذا دو رویکرد، بر اساس تعاریف مختلف از اخلاق در چیستی منش و چگونگی تربیت آن، با هم تفاوت بنیادی دارند.

در نگاه علامه طباطبایی، اخلاق سعادت‌بخش انسان برای ثبات و دوام خود متکی بر حقیقت توحید است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴: ص ۱۷۵) و اخلاق فقط زمانی معنا و ضمانت حقیقی و اصیل خود را پیدا می‌کند که قوانین و اصولش در راستای



محوریت توحید باشد. بر این مبنای، دستیابی انسان به سعادت، با هدایت خداوند و هدایت عقلی امکان‌پذیر است (همان، ج ۲: ص ۲۲۳).

بنابراین، در حالی که در تربیت اخلاقی مبتنی بر فضیلت‌گرایی دینی بر محوریت حق با اعتقاد به خداوند تأکید شده است، در تربیت اخلاقی فضیلت‌گرایی سکولار معاصر، توجه به ایده و نیت خیر جانسین خداوند شده است؛ چنان‌که نظریه پرداز فضیلت‌گرایی معاصر، مُرداچ (Murdoch)، در فرایندی تفسیری، خداوند را در مقام امر موجود، نفی و با تکیه بر مفهوم آن و تأکید بر مفهوم سنتی ایده خیر، دین را از عناصر سازنده امر اخلاقی می‌داند، ولی مفهوم خداوند را از مبانی اخلاقی، نفی می‌کند. او بیان می‌کند که خداوند به‌عنوان ایده خیر، امری فوق طبیعی یا همان خدای فردی ادیان نیست؛ بلکه استیلائی خیر و فضیلت در زندگی انسان است (خدری، ۱۳۹۳: ص ۵۱).

این در حالی است که در اخلاق اسلامی که علامه طباطبایی به بیان آن پرداخته و شکل‌گیری منش را بر پایه آن توضیح داده، خداوند به گونه‌ای کاملاً مبنایی، هم مبدأ شناخت و هم مبدأ اخلاق است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۷: ص ۳۸۰).

لذا اگر در اخلاق فضیلت‌گرایی سکولار معاصر، توجه به دیگری و فرارفتن از خودمحوری، کنش اخلاقی محسوب می‌شود، این امر در تفکر اسلامی در ساحتی فردی-اجتماعی و در پیوند با امر متعالی خداوند مطرح می‌شود.

از مقایسه تعریف اخلاق و به تبع آن چیستی منش مبتنی بر آن، در ادبیات تحقیقات دانشمندان مختلف با مفهوم منش در ادبیات دینی علامه طباطبایی می‌توان نتیجه گرفت که وجه اصلی تمایز دو الگو، توجه به مؤلفه «اراده» یعنی عاملیت خود انسان در ایجاد و تثبیت صفات اخلاقی و به تبع آن، شکل‌گیری منش در اوست؛ به گونه‌ای که مؤلفه اراده، مفهوم «منش» در الگوی تربیت اخلاق محور را از مفهوم «کاراکتر» در رویکرد رشد صفات خلقی شخصیت متمایز کرده است.





بر این اساس، منش انسان به معنی طبیعت ذاتی نیست و حیثیتی اکتسابی است که انسان با اندیشه‌ها و اعمال و رفتارهای ارادی خود آن را با تکرار، تحت تأثیر نظام احساسی، شناختی و ارادی خاصی قرار می‌دهد (همان، ج ۴: ص ۳۷۳).

لذا چون هنوز به فعلیت کامل نرسیده، از طریق تربیت امکان شکل‌گیری صحیح را پیدا خواهد کرد. بنابراین، توجه به نقش صفات خلقی خودساخته در الگوی تربیت منش اخلاق محور که به وسیله عامل اراده شکل گرفته و نوع تربیت در ایجاد آن (به‌ویژه در سنین کودکی) تأثیر بسزایی دارد، ضروری است.

ما در این مقایسه با معرفی و طرح مفهوم شاكلة خلقی یا منش به مثابه زیرساخت رفتار در انسان که با عامل واسطه‌ای افعال ارادی، طی تأثیر و تأثیری دوجانبه ساخته می‌شود، بیان کردیم که توجه به این امر زیربنایی که باعث پیش‌بینی رفتارهاست، زمینه انجام فعالیت‌های تربیتی مؤثرتر را از طریق شناخت و اصلاح آن مهیا می‌کند و لذا در رابطه با تربیت اخلاق محور و به کارگیری آن در عرصه فرزندپروری بسیار بااهمیت می‌شود؛ زیرا ما را متوجه زیرساخت‌ها و مبانی شکل‌گیری رفتار انسان می‌کند (نه صرفاً خود رفتار) و همین امر، ساده‌اندیشی در تبیین مسائل رفتاری انسانی را از بین خواهد برد.

#### مقایسه مبانی انسان‌شناسی دو الگو

طبق نگاه علامه طباطبائی، انسان و طبیعت او که ترکیبی از دو حقیقت مختلف معنوی و مادی است، انسان‌شناسی رویکرد حاضر متفاوت است و برای تربیت اخلاقی او باید به ابعاد این ترکیب توجه دقیق کرد؛ زیرا غرایز و انگیزه‌های زیست‌شناختی از سرچشمه طبیعت مادی انسان و انگیزه‌های روان‌شناختی از سرچشمه روحانی انسان نشأت می‌گیرند و از تلفیق آن‌ها، صفات و ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری شکل می‌گیرند. این امر باعث می‌شود عقل برای پرورش و تربیت انسان کافی نباشد و توسل به منبع هدایت وحی ضرورت یابد.

علاوه بر این، نیاز به نیروی شناخت برای تربیت اخلاقی که الگوهای دیگر با تعاریف متفاوت به آن اشاره می‌کنند، در رویکرد تربیت منش اخلاق محور مبتنی بر آرای علامه طباطبایی، تنها نیروی مؤثر در پرورش اخلاقی انسان محسوب نمی‌شود و «برانگیختگی عاطفی» در کنار نیروی «اراده» (برای تکرار عمل) لازم است تا شکل‌گیری ملکه‌های اخلاقی محقق شود. بدین ترتیب، چرخه صفات اخلاقی، از طریق ایجاد تغییرات در نظام نگرشی انسان، شامل سه جزء شناختی (یعنی ایجاد بینش و اعتقاد به درستی و نادرستی اعمال)، عاطفی (یعنی ایجاد انگیزش برای انجام اعمال) و ارادی (یعنی آهنگ انجام اعمال) اخلاقی، شکل می‌گیرد. این وجه تمایز بعدی است که به دلیل تفاوت انسان‌شناسی، در رویکرد رشد صفات حُلُقی شخصیت به آن توجه چندانی نشده است.

البته پژوهش‌های تکمیلی صورت گرفته درباره الگوهای قبلی تربیت اخلاقی نشان می‌دهد که بعضی از این ابهامات بررسی شده‌اند؛ برای مثال، لیند (Lind, 2017) به نقش مؤلفه‌های درونی و بیرونی در قضاوت اخلاقی و به تبع، انتخاب عملکرد اخلاقی انسان اشاره کرده و کنش‌ها و اعمال اخلاقی انسان را متأثر از نظام نگرشی و اعتقادی او درباره درستی و نادرستی یا خوبی و بدی امور دانسته است، ولی الگوی او همچنان تفاوت بنیادی با الگوی حاضر وجود دارد؛ زیرا رویکرد تربیت اخلاقی بر اساس نگاه علامه به نقش تعیین‌کننده نظام نگرشی در عمل بر اساس ارزش‌های اخلاقی توجه دارد، ولی این نگرش را حول مبانی توحیدی تبیین می‌کند تا ثبات اخلاقی شکل بگیرد. علاوه بر این، مؤلفه درونی اراده در این رویکرد، عامل تعیین‌کننده نهایی است که در دیگر رویکردهای تربیت اخلاقی به آن اشاره‌ای نشده است.

علاوه بر این، کیلن و اسمتانا (Killen & Smetana, 2006) به نقش میزان ثبات و تغییرپذیری قضاوت‌های اخلاقی اشاره کردند و نتیجه گرفتند که بررسی میزان رشد اخلاقی در بستر تحلیل روان‌شناختی که هم‌زمان مؤلفه‌های شناختی، عاطفی و





رفتاری را در نظر می‌گیرد، امکان‌پذیر است؛ ولی مفهوم ثبات اخلاقی در الگوی تربیت اخلاقی علامه از طریق نگرش اخلاقی توحیدمحور در کنار ملکه‌سازی صفات اخلاقی با تکرار عمل صورت می‌گیرد.

در نهایت، چگونگی پرداختن به نقش عواطف و انگیزش‌ها در تصمیم‌گیری و استدلال اخلاقی، دیگر اختلاف الگوی حاضر با رویکرد رشد صفات خلقی شخصیت است. نارواژ و لاپسلی (Narvaez & Lapsley, 2008)، نظریه‌پردازان این دیدگاه، اعتقاد دارند قضاوت و تصمیم‌گیری‌های اخلاقی بسیار سریع صورت می‌گیرند و اکتشاف‌هایی که در عواطف انسان ریشه دارند، انتخاب‌های او را از طریق پردازش ضمنی اطلاعات هدایت می‌کنند و از استدلال‌های شناختی خودآگاهانه در قضاوت کمتر استفاده می‌شود.

چنان‌که علامه طباطبایی نیز به نقش عواطف در هدایت انسان برای عمل به گونه‌ای خاص اشاره کرده و معتقد است «تمام امور زندگی و فعالیت‌های انسان با دو صفت حُب (دوست‌داشتن) و بُغض (دوست‌نداشتن) اداره می‌شود» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹: ص ۱۵۶).

«حُب عبارت است از یک تعلق که اثری در دارنده‌اش دارد و آن اینکه قوه او را به سوی فعلیت یا ترک آن می‌کشاند؛ یعنی قوای انسان را به سوی افعالش به حرکت درمی‌آورد» (همان، ج ۱: ص ۶۲۰).

البته محل اختلاف دو الگو در منابع انگیزشی که انسان را در جهت خاصی از نظر عاطفی برمی‌انگیزد، دیده می‌شود؛ زیرا رویکرد رشد صفات خلقی، این منابع انگیزشی را به تشویق‌ها و تنبیه‌های دنیایی محدود می‌کند، ولی الگوی تربیت اخلاقی علامه طباطبایی، به دلیل اینکه انسان را در دو ساحت مادی و روحانی با هم تعریف می‌کند، از دو منبع انگیزشی آخرتی و حُبی هم برای برانگیختن عاطفه اخلاقی او بهره می‌گیرد.



### ملاحظات کاربردی الگوی تربیت منش اخلاق محور در عرصه فرزندپروری

«اخلاق»، نظامی از پیش ترسیم شده در وجود انسان نیست؛ بلکه انسان در طبیعت و سرشت خود دارای استعدادهایی است که او را قادر می‌سازد ویژگی‌های اخلاقی مختلفی را در وجود خود شکل دهد. بنابراین، تبیین روش‌های تربیت اخلاقی از منظر علامه طباطبایی در قالب ارائه الگوی فرزندپروری می‌تواند زمینه‌ساز تحقق این هدف تربیتی شود که باید استعدادهای اخلاقی را در فرزندان به گونه‌ای پرورش داد که ویژگی‌ها و صفات پسندیده، سازگار با طبیعت انسان در آنها ایجاد شود و با تمرین و تکرار عمل، به تدریج منش اخلاقی در وجودشان شکل بگیرد.

این روش‌ها در الگوی تربیت منش اخلاق محور بر اساس نگاه علامه باید به گونه‌ای ارائه شوند که والدین با امیال و گرایش‌های طبیعی فرزند در نیفتند و زمینه سرکوب آن را ایجاد نکنند؛ چون در این صورت، شکست الگو و سرپیچی از نظام تربیتی اخلاق محور رخ می‌دهد.

در این شرایط، هدایت امیال و گرایش‌های طبیعی فرزندان و شکل دادن به صفات و منش اخلاقی در آنها از طریق نقطه‌گذاری در الگوی تربیت منش اخلاق محور انجام می‌شود تا چرخه‌ای از تغییرات در وجود فرزند و «نظام افعال اختیاری» او شکل بگیرد؛ شامل سه بعد شناختی (یعنی ایجاد نگرش و بینش و اعتقاد به درستی و نادرستی اعمال)، عاطفی (یعنی برانگیختگی برای انجام اعمال) و ارادی (یعنی آهنگ انجام اعمال) اخلاقی، از طریق «ملکه‌سازی صفتی» به وسیله تغییر هم‌زمان در مؤلفه تربیتی والدین.

در این شرایط، والدین مبتنی بر تعریف تربیت منش اخلاق محور، برای ثبات و پایداری صفات اخلاقی در فرزند خود از راهبرد ایجاد صفات و ملکه‌های خُلقی نیکو (از طریق روش‌های «القایی و فعال») بهره می‌گیرند.

بر این اساس درمی‌یابیم که تربیت اخلاق محور مبتنی بر آرای علامه طباطبایی رسماً از خانواده آغاز می‌شود و باید توسط نظام تعلیم و تربیت در جامعه ادامه یابد.



البته منظور ارائه صرف اطلاعات درباره اخلاقیات نیست، بلکه باید از طریق روش‌هایی که بر اساس مبانی و اصول مدون شکل گرفته‌اند، محقق شود. برای آموزش این موارد در قالب الگوی فرزندپروری با هدف نیل به منش اخلاقی، باید ملاحظات زیر را در نظر گرفت:

**اول:** در مرحله شناخت و آگاهی از خوبی‌ها و بدی‌ها و تشخیص اعمال و حقایق اخلاقی، به این دلیل که تبیین‌ها مبتنی بر هستی‌شناسی و انسان‌شناسی الهی است، محتوای گزاره‌ها و اصول اخلاقی ثابت، حقیقی و قطعی است و هدف نهایی مطلوب و معین (یعنی نیل به سعادت حقیقی) در هر دو شأن جسمانی و روحانی، برای انسان وجود دارد. لذا والدین برای آموزش این صفات، موضع خنثی ندارند.

**دوم:** در مرحله شناخت و ایجاد آگاهی درباره چرایی صفات و گزاره‌های اخلاقی، پرورش تفکر عقلانی از طریق تمرکز بر تفکر علت‌یابی (یعنی شناخت مبدأ هر چیز) و تفکر عاقبت‌اندیشی (یعنی شناخت مقصد هر چیز) باید توسط والدین صورت گیرد تا توجه به علت و عاقبت انتخاب اعمال و کارها بر محوریت نگاه توحیدی، تفکر را ریشه‌ای و کامل و احتمال حرکت اشتباه فرزندان را در مسیر کمتر کند.

**سوم:** در مرحله شناخت روش‌های دستیابی به خوبی‌ها و دوری از بدی‌ها، معرفت و بینش مقدمه عمل است، ولی با تکرار رفتارهای فضیلت‌محور و ایجاد ملکه‌های اخلاقی، علم و آگاهی درباره اخلاقیات در کودک تثبیت می‌شود که در کنار آن، والدین باید به ایجاد نگرش توحیدی در فرزندان (به‌عنوان یک سازکار پنهانی هدایت‌کننده رفتار) توجه کنند؛ زیرا ایجاد نگرش توحیدی (یعنی اعتقاد به وجود خداوند به‌عنوان ناظر بر اعمال انسان)، زمینه تکرار رفتار پسندیده و پرهیز از رفتار ناپسند را بدون نیاز به کنترل‌کننده خارجی در کودکان شکل می‌دهد.

**چهارم:** در مرحله ایجاد انگیزش‌ها و تمایلات برای تحقق عمل، به دلیل قطعی و ثابت بودن تعریف خوب و بد اخلاقی، ایجاد عواطف مثبت و منفی از طریق



فرایندهای انگیزشی، برای شکل‌گیری اراده، مبتنی بر ارزیابی و مقایسه‌های مشخص اجتماعی و الهی صورت می‌گیرد و حقانیت، معیار عمل است؛ لذا گرفتار دور نسیت نمی‌شویم.

**پنجم:** در مرحلهٔ ایجاد انگیزش‌ها و تمایلات برای تحقق عمل، چگونگی ایجاد عاطفه و احساس اخلاقی در فرزند از اهمیت زیادی برخوردار است؛ به این معنا که ایجاد گرایشی عمیق به امور اخلاقی به گونه‌ای شکل گیرد که هم‌زمان وادارنده و بازدارنده باشد و زمینهٔ رفع رذیلت‌های اخلاقی را ایجاد کند. در این حالت ایجاد عشق و محبت به خداوند، اساس گرایش به خوبی‌ها و ایجاد بیزاری از غیر خداوند، اساس گریز و دوری از بدی‌ها خواهد بود.

**ششم:** در مرحلهٔ شکل‌گیری اراده برای تحقق عمل، وجود بستر وراثتی و محیطی اخلاق‌محور بسیار ضروری است. لذا والدین قبل از ورود به فرایند فرزندپروری اخلاق‌محور باید رعایت الگوی تربیتی و اصلاح بستر محیطی و وراثتی را مدنظر داشته باشند. در غیر این صورت، نتیجه و تأثیر تربیت آنان بسیار محدود خواهد بود؛ زیرا تأثیرگذاری خانواده و محیط اخلاقی آن بر فرد، از ظرفیت و امکان زیادی برخوردار است که تمرکز بر آن، در ثمردادن برنامه‌های فرزندپروری اخلاق‌محور بسیار مؤثر است؛ به طوری که این الگو را گونه‌ای از مداخلهٔ ساختاری و خانوادگی نشان می‌دهد.

**هفتم:** الگوی فرزندپروری اخلاق‌محور مبتنی بر آرای علامه طباطبایی، در دو لایه بیشترین اثرگذاری را نشان می‌دهد؛ لایهٔ اول به جنبهٔ «آموزشی» الگو اشاره می‌کند که طبق آن، والدین در ارتباط با فرزندانشان برای پرورش بینش عقلانی، عاطفهٔ اخلاقی و ارادهٔ تکرار عمل، مجموعه‌ای از قوانین و مؤلفه‌های اخلاقی را در وضعیت‌های مختلف صادر می‌کنند.

لایهٔ دوم به جنبهٔ «سبک والدگری» اشاره دارد؛ یعنی رفتارها و روش‌های تعاملی و ارتباطی خاصی که با فرزندان به کار می‌بندند. اگر فرزندپروری اخلاق‌محور بدون





توجه به لایه دوم (یعنی سبک ارتباطی صحیح، صرفاً به آموزش و ارائه قوانین و بایدها و نبایدهای اخلاقی محدود شود)، دستاورد چندانی نخواهد داشت.

در این الگو، منظور از سبک فرزندپروری اخلاق محور شامل موارد زیر است: تأثیر تربیتی عملکرد والدین بر حسب دو شاخص برقراری ارتباط صمیمی و محبت کردن به فرزندان (با دو ویژگی مودت و رحمت) در فضایی مبتنی بر گفت‌وگو، تبیین و اقتناع اصول و قوانین و بایدها و نبایدهای اخلاقی با ارائه توضیحات و دلایل روشن و شنیدن احساس و عقیده کودک در امور و تقاضامندی و برقراری انضباط مؤثر برای اینکه کودک، اخلاقی عمل کند.

این امر به معنای آن است که والدین با کنترل منطقی فرزندان (تشویق و تنبیه هم‌زمان) در کنار ایجاد نگرش توحیدی، انضباط اخلاقی را بر آن‌ها اعمال کنند و به تدریج با ایجاد فضایی تسهیل‌گرانه، نگرش‌ها و صفات اخلاقی را به ویژگی‌های شخصی و ارزش‌های «خود» در کودک تبدیل کنند تا یکپارچه‌سازی درونی صورت بگیرد و منش اخلاقی در شخصیت فرزند حکمفرما شود.

والدین در این سبک فرزندپروری در «فرایندی تدریجی، تکاملی و مرحله‌ای» در سنین مختلف، متناسب با ویژگی‌های رشدی، با تکرار اعمال و عقاید اخلاقی، کودک خود را در امر تربیت اخلاقی همراهی می‌کنند و به‌مثابه یک راهبر به فرزندان کمک می‌کنند تا آمادگی رویارویی با موقعیت‌هایی را پیدا کنند که باید مبتنی بر رشد اخلاقی خود تصمیم‌گیری کنند.

بنابراین، ترسیم جایگاه والدین در این الگو و به‌کارگیری روش‌های جدید فرزندپروری و دیدن تأثیرات آن در رفتار فرزندان، ابعاد مختلف ایجاد تغییر را در این فرایند نشان می‌دهد.

**هشتم:** در الگوی تربیت منش اخلاق محور، ابعاد تغییر با توجه به دو عامل مربی (یا والدین) و متربی (یا فرزندان) بررسی می‌شود؛ به این معنا که در این الگو، پدر و مادر (با تمرکز بر نقش مؤثر تربیتی مادر)، طراح و مجری فعالیت‌های تربیتی هستند

و هر قدم در این فعالیت تربیتی، بر رفتار و اعمال فرزندان تأثیر می‌گذارد و تکرار آن اعمال، منشی مطابق با آن در کودک ایجاد می‌کند.

بر این اساس، تبیین نقش والدین در الگوی فرزندپروری اخلاق‌محور - به‌مثابه یک معلم و الگوی اخلاق که علاوه بر آموزش پاسخ‌های جدید، احتمال رخ دادن رفتارهای آموخته‌شده را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهند - از اهمیت زیادی برخوردار است. در این حالت، ایشان به‌عنوان عامل تغییر، هم‌زمان به رشد اخلاقی در خودشان نیز توجه می‌کنند؛ زیرا تغییردهنده و تغییرکننده در این الگو یکی است و والدین هم‌پای فرزندان با تمرکز بر تغییر خود در کنار اعمال روش‌های فرزندپروری، زمینه ایجاد تغییرات منشی پایدار در نسلشان را نیز فراهم می‌کنند.

علاوه بر این، در جریان‌شناسی فرایند فرزندپروری اخلاق‌محور، اولین نمود تغییر که جلب توجه می‌کند، تغییر در فرزندانی است که تحت تأثیر فعالیت‌های تربیتی قرار می‌گیرند. لذا از آنجا که هدف از اجرای این الگوی فرزندپروری، ایجاد تغییرات در منش خلقی فرزندان است، عدم توجه و دقت کافی در چگونگی انجام راهبردها و روش‌های عملی تربیت، کاهش تأثیرپذیری اخلاقی کودکان را در پی خواهد داشت.



## نتیجه‌گیری

هدف از این تحقیق، تبیین و توضیح اهداف، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی دو الگوی تربیت اخلاقی مبتنی بر آرای علامه طباطبایی رحمته‌الله و رشد صفات خُلقی شخصیت برای مقایسه تحلیلی و شناسایی تفاوت‌ها و شباهت‌های روشی و هدفی آن‌ها با یکدیگر بود.

بر این اساس، الگوی فرزندپروری اخلاق‌محور مبتنی بر آرای علامه طباطبایی به‌عنوان الگویی جدید در امر تربیت و پرورش فرزندان نشان می‌دهد که «منش»، هدف اصلی تغییر در فرایند این الگوی فرزندپروری محسوب می‌شود، جنبه خُلقی و خوویی دارد و بیانگر همان صفات و خصوصیات اصلی شخصیت است که فرد بر اساس آن به انتخاب دست می‌زند و عامل مؤثری برای واکنش انسان محسوب می‌شود.

منش، نقش زیرساختی برای رفتارهای فرد دارد و برای کارهای انسان، حدودی ایجاد می‌کند که موجب بروز واکنش فعلی خاصی از او در برابر محرک‌های محیطی در حد اقتضا می‌شود.

چگونگی ایجاد این منش، تحت تأثیر عوامل مختلف «صفات طبیعتی ذاتی (موروثی)»، «صفات خُلقی غیرذاتی (محیط‌ساخته)» و «اخلاقیات (خودساخته)» است و اراده خود شخص در ایجاد و شکل‌دهی به آن نقش بسزایی دارد. الگوی فرزندپروری اخلاق‌محور، راهبردها و روش‌های آموزشی و تربیتی خود را مبتنی بر ایجاد تغییر در این عوامل و مؤلفه‌ها بنا نهاد که از نظر مبانی نظری و کاربردی کاملاً متفاوت با دو الگوی فرزندپروری مثبت و حمایتی است.

بررسی ادبیات پژوهش در این زمینه نشان داد دانشمندان مختلف در تعریف مفهومی اصطلاح «ویژگی‌های خُلقی شخصیت» که از آن‌ها با واژه‌های «کاراکتر» یا «منش» یاد کرده‌اند، اختلاف نظر دارند؛ زیرا با جهان‌بینی و هستی‌شناسی متفاوت به تعریف اخلاق و تعیین معیارهای آن پرداخته‌اند.



سرچشمه این اختلاف نظرها را می‌توان در مبانی فلسفی و نوع نگاه دانشمندان به هستی، جهان، انسان، معرفت، جامعه و خدا یافت. ولی به‌طور کلی، برکوویتز، یکی از نظریه‌پردازان این حوزه، این اصطلاح را چنین تعریف کرده است: «کاراکتر مجموعه‌ای از مشخصات روان‌شناختی یک فرد است که تمایلات و توانمندی‌های او را برای عمل به یک رفتار اخلاقی تحت تأثیر قرار می‌دهد و او را به سمت انجام یک کار درست و یا دوری از آن هدایت می‌کند».

نکته‌ای که در اینجا باید گفت این است که به دلیل وجود تفاوت در جهان‌بینی و هستی‌شناسی در تعریف اخلاق و تعیین معیارهای آن، در چیستی «منش» نیز بین رویکرد حاضر با نزدیک‌ترین الگوی نظری به آن (یعنی الگوی تربیت صفات خُلقی شخصیت یا «character training» که در آن منظور از کاراکتر، منش است)، اختلافات اساسی وجود دارد. لذا الگوی فرزندپروری یادشده به‌طور بنیادی با الگوهای آموزش اخلاقی برگرفته از این مبنای نظری متفاوت است.





## کتاب‌نامه

۱. قرآن مجید.
۲. ترک‌زاده، جعفر (۱۳۸۸)، «روش پژوهش فرایند چرخه‌ای تحلیل؛ روشی برای گردآوری، تحلیل و استنتاج از داده‌های کیفی پربعد در مسیر دانش مدیریت اسلامی»، روش‌شناسی علوم انسانی، سال ۱۵، ش ۶، ص ۱۲۳-۱۴۲.
۳. خدري، غلامحسين (۱۳۹۳)، «رابطه اخلاق و دین در اخلاق فضیلت با تکیه بر نظرات اخلاقی علامه طباطبایی»، پژوهشنامه فلسفه دین، سال ۱۲، ش ۲، ص ۵۱-۷۲.
۴. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴)، ترجمه تفسیر المیزان، محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۵. فنایی، هادی (۱۳۸۶)، «تحلیل و بررسی وابستگی اخلاق به دین»، مجله اندیشه نوین تربیتی، ش ۱۰، ص ۱۴۹-۱۷۲.
۶. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ق)، بحارالانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار عليهم السلام، تصحیح جمعی از محققان، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۷. نوروزی، ابوذر و محسن شیراوند (۱۳۹۷)، «واقع‌گرایی در نظام معرفتی علامه طباطبایی»، مجله حکمت معاصر، سال ۹، ش ۱، ص ۱۵۷-۱۸۱.
8. Baykara, Z. G., Demir, S. G. & Yaman, S. (2015), "The effect of ethics training on students recognizing ethical violations and developing moral sensitivity", *Nursing ethics*. 22(6): 661-675.
9. Becvar, D. S. & Becvar, R. J. (2014), *Family therapy: A systematic integration*, Pearson Publication, United Kingdom
10. Berkowitz, M.W. (2002), "The science of character education", *Bringing in a new era in character education*, 508: p. 43-63.

11. Cooley, A. (2008), "Legislating character: moral education in North Carolina's public schools", *Educational Studies*, 43(3), p. 188-205.
12. Davidov, M. (2021), "Cultural Moderation of the Effects of Parenting: Answered and Unanswered Questions", *Child development perspectives*, 15(3): p. 189-195.
13. Embleton, K. & Helfer, D. S. (2007), "The plague of plagiarism and academic dishonesty", *Searcher*, 15(6): p. 23-26.
14. Freeman, M. (2011), "From Character Training to Personal Growth: the early history of outward bounds 1941-1965", *History of education*, 40(1): p. 21-43.
15. Gallien, L. B. & Jackson, L. (2006), "Character development from African-American perspectives: to-ward a counternarrative approach", *Journal of Education & Christian Belief*, 10(2): p. 129-142
16. Gillies, V. (2010), *Is poor parenting a class issue? Contextualizing anti-social behavior and family life, in Is Parenting a Class Issue?* Ed. M Klett-Davies, Family and Parenting Institute, London, p: 44-61.
17. Hawkins, J. D. & Weis, J. (2017), *developmental and life course criminological theories*, Routledge.
18. Hoof, S.V. (2014), *Understanding virtue ethics*, Routledge Pub.
19. Katilmis, A., Eksi, H. & Öztürk, C. (2011), "Efficiency of social studies integrated character education program", *Educational Sciences: Theory & Practice*, 11(2): p. 854-859



20. Killen, M. Smetana, J. (2006), "Social-cognitive domain theory: consistencies and variations in children moral and social judgment", *Moral development*, p. 137-172.
21. Kirschenbaum, H. (2000), "From values clarification to character education: A personal journey", *Humanistic counseling, education and development*, 39(1): p. 4-20.
22. Kuppens, S. & Ceulemans, E. (2019), "Parenting Styles: A Closer Look at a Well-Known Concept", *Journal of Child and Family Studies*, 28: p. 168-181.
23. Lickona, T. (1993), "The return of character education", *Educational leadership*, 51(3): p. 6-11.
24. Lind, G. (2017), *The theory of moral cognitive development a socio-psychological assesent*.
25. Narvaez, D & Lapsley, D.K. (2008), "Teaching moral character: two alternatives for teacher education", *Journal of teacher educator*, 43(2): p. 156-172.
26. Nucci, L., Krettenauer, T. & Narvaez, D. (2014), *Handbook of moral and Character education. Routledge*.
27. O'Sullivan, S. (2004), "Books to live by: Using children's literature for character education", *Reading Teacher*, 57(7): p. 640-645.
28. Sangawi, H., Adams, J. & Reissland, N. (2015), "The effects of parenting styles on behavioral problems in primary school children: a cross-cultural review", *Asian social science*, 11 (22): p. 171-186.

29. Sahithya, B. R., Manohari, S. M. & Vijaya, R. (2019), “Parenting styles and its impact on children – a cross cultural review with a focus on India”, *Mental Health, Religion & Culture*, 22(4): p. 357-383.

30. Yildirim, M. & Yildirim, S. (2014), “The effects of the institution-based family training programs on the attitudes of parents”, *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 116: p. 2675-2681.

[www.behzisti.ir](http://www.behzisti.ir)



## ارائه الگوی آگاه‌سازی مخاطب برای برون‌رفت از فریب‌کاری رسانه (مبتنی بر محیط خانواده)

حسین سلطانیان\*، فائزه تقی‌پور\*\*، حمیدرضا پیکری\*\*\*

### چکیده

هدف این پژوهش، ارائه الگوی آگاه‌سازی مخاطب برای برون‌رفت از فریب‌کاری رسانه مبتنی بر محیط خانواده است. در عصر ارتباطات، دستیابی به مخاطبان و آگاه‌سازی مخاطب و اثرگذاری بر آنان، از اهداف دست‌اندرکاران رسانه‌های مختلف است. یکی از مهم‌ترین عناصر ارتباط با مخاطب، اثری است که رسانه بر او می‌گذارد. با نگاهی به پیشینه تحقیق درباره اثرگذاری رسانه‌ها و آگاه‌سازی مخاطب، به‌ویژه در محیط خانواده، برای برون‌رفت از فریب‌کاری رسانه می‌توان دریافت که اثرگذاری رسانه‌ها بر مخاطب همواره مورد توجه گردانندگان آن‌ها، اندیشمندان حوزه مطالعات رسانه‌ای و دولت بوده است. در واقع، متصدیان و متولیان رسانه‌ها همواره این پرسش را مطرح می‌کنند که آیا رسانه‌ها می‌توانند تأثیری بر

\* دانشجوی دکتری علوم ارتباطات، گرایش روزنامه‌نگاری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان، اصفهان، ایران.  
Hs.soltanian83@gmail.com

\*\* استادیار گروه ارتباطات، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان، اصفهان، ایران.

Faezeh.taghipour@gmail.com

\*\*\* استادیار گروه ارتباطات، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان، اصفهان، ایران.

omid726@gmail.com

تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۰۶/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۱۲



مخاطبان خود به‌ویژه در حوزه خانواده داشته باشند و آیا می‌توانند آن‌ها را در رسیدن به اهدافشان یاری کنند؟ روش تحقیق، کتابخانه‌ای و اسنادی و ابزار گردآوری اطلاعات، یادداشت‌برداری است. برای گردآوری اطلاعات، کتاب‌های نظری درباره رسانه و مطالعات انتقادی، مقالات علمی پژوهشی، تخصصی و ترجمه متون تخصصی بررسی و واکاوی شد. آنگاه با توجه به موضوع مقاله حاضر، زمینه‌ها و عوامل فریب‌کاری در رسانه، تحلیل و راه‌های برون‌رفت از آن، شناسایی شد. همچنین، اثرگذاری رسانه‌ها بر آگاه‌سازی مخاطب بررسی گردید.

## کلیدواژه‌ها

رسانه، فریب‌کاری، برون‌رفت از فریب‌کاری، خانواده، سواد رسانه‌ای.

## مقدمه

در جامعه امروز، رسانه‌ها از عوامل مهم جامعه‌پذیری شناخته شده‌اند و در شکل‌گیری نگرش و عملکرد افکار عمومی نقش عمده‌ای دارند. همچنین، رسانه‌های جمعی نقشی دوگانه در جوامع دارند: گاهی با دست‌کاری و تحریک، بافت اجتماعی و سیاسی و فرهنگی جامعه را تغییر می‌دهند و تهدید می‌کنند و به ناسامانی‌های اجتماعی دامن می‌زنند و گاهی با مدیریت صحیح اخبار و محتوا از ایجاد شکاف‌های اجتماعی جلوگیری می‌کنند. در این پژوهش، رویکرد مربوط به رسانه بر مبنای عملکردی است که باعث برون‌رفت از فریب‌کاری می‌شود و مخاطبان تحت تأثیر رسانه قرار می‌گیرند. راهکار برون‌رفت از فریب‌کاری رسانه، ارتقای آگاهی مخاطب است. برای ارتقای آگاهی و انتخاب صحیح پیام از سوی مخاطبان یا کاربران، این پرسش‌ها ضرورت دارد: چگونه از این خبر مطلع شدم؟ چگونه بفهمم این خبر درست است؟ منبع این خبر چیست؟ چه کسی این خبر را منتشر می‌کند؟ انگیزه منتشرکننده این خبر چیست؟



رسانه‌ها با افزایش جنبه‌های دیداری و شنیداری این اخبار و اطلاعات، امکان تفکیک و شناسایی محتوای درست و مناسب را از محتوای نامناسب و نادرست از مخاطبان می‌گیرند؛ از این رو، یکی از راهکارهای برون‌رفت از این وضعیت، ارتقای سواد رسانه‌ای، سواد خبری، سواد بصری، سواد اطلاعاتی و سواد عمومی مخاطبان است. در نتیجه، اعضای خانواده برای برون‌رفت از معضل فریب‌کارانه یا غیراخلاقی بودن پیام‌ها یا عملکرد رسانه‌ای باید تلاش کنند اعتماد مخاطب را جلب کنند. در رسانه هیچ چیز مهم‌تر از جلب اعتماد مخاطب نیست. خانواده یکی از مهم‌ترین گروه‌های مخاطب شمرده می‌شود. اگر سازمان‌ها و مؤسسات ارائه‌کننده اطلاعات و آرا و حتی سازمان‌های عرضه‌کننده تفریحات و سرگرمی‌ها برای مردم باورپذیر نباشند یا نتوانند اعتماد مردم را جذب کنند، تداوم فعالیتشان با دشواری مواجه می‌شود. در این مقاله تلاش می‌کنیم به بعضی از راهکارهای جلب اعتماد مخاطب و برون‌رفت از فریب‌کاری رسانه‌ای پردازیم.

پیش از آن، اشاره به چند نکته ضروری است؛ اول اینکه اصطلاح رسانه در این پژوهش هم به معنی رسانه‌های قدیم و هم رسانه‌های جدید و مدرن است و به عبارتی، در معنی وسیع خود به کار رفته است و به‌طور کلی، به وسایل ارتباط جمعی اشاره دارد (شامل رسانه‌های قدیمی مانند روزنامه، تبلیغات روابط عمومی، مجلات رادیویی، تلویزیون و رسانه‌های جدید مانند اینترنت و تلفن همراه که گاهی بعضی عناصر وسیع رسانه‌های قدیمی را حفظ کرده‌اند). با وجود آشکال متفاوت، رسانه از همه کارکردهای مشترک انتشار و ارتباط با عموم (مبتنی بر ارتباطات) برخوردار است (نایی، ۱۳۹۶، ص ۵۸). دوم اینکه رسانه به فرایند معنی‌سازی برای مخاطب کمک می‌کند و با شکل‌دادن الگوی ذهنی مخاطبان، رویدادها را برای آن‌ها معنی می‌کند و از این طریق به شکل‌گیری نگرش مخاطب کمک می‌کند.





اگر به رسانه به گونه‌ای دیگر نگاه شود، رسانه دارای کارکردهای منفی است (ساروخانی، ۱۳۸۹، ص ۱۱۰). بر این اساس، یکی از هدف‌های مهم این مقاله، ارائه الگوی آگاه‌سازی مخاطب از علت‌ها و زمینه‌های فریب‌کاری و همچنین، راهکارهای برون‌رفت از فریب‌کاری در رسانه (مبتنی بر محیط خانواده) است.

رسانه‌ها علاوه بر کارکردهای مثبت، دارای کارکردهای منفی هم هستند که برای جامعه و مخاطبان، تبلیغات منفی دارد؛ مثلاً در کارکرد خبری چنانچه رسانه بیش از حد تأکید کند، باعث ترس و وحشت مردم می‌شود و نیز باعث تخدیر ذهنی، رخوت و بی‌اعتنایی مخاطبان می‌شود و نیز در راستای انتقال میراث فرهنگی دارای کارکردهایی مانند تقویت جامعه توده و جلوگیری از توسعه فرهنگی و کژکارکردهایی مانند غفلت از واقعیت و کنترل سلیقه عموم می‌شود (مهدی‌زاده، ۱۳۹۳، صص ۵۰ و ۵۱).

با توجه به تعامل و وابستگی دو نهاد خانواده و رسانه می‌توان گفت امروز رسانه‌ها نقش مؤثری در افزایش یا کاهش ثبات خانواده دارند. فریب در رسانه یعنی انتقال آگاهانه پیامی دست‌کاری‌شده از طرف فرستنده به گیرنده پیام، با هدف تقویت باورهای غلط یا ایجاد نتیجه‌گیری اشتباه در وی. از جمله شکل‌های گوناگون فریب‌کاری رسانه می‌توان به پنهان‌کاری و دروغ‌گویی یا ایجاد نقض در پیام و تخریب اصل پیام اشاره کرد (تقی‌پور، ۱۳۹۷، ص ۳۶).

در مبحث فریب‌کاری رسانه و اثرگذاری آن بر خانواده، نتایج نشان می‌دهد رسانه‌ها با شکل دادن به آگاهی کاذب مخاطبان، گسترش و نمایش تضاد طبقاتی، ایجاد حس از خودبیگانگی، قهرمان‌سازی، دست‌کاری مفاهیم جنسی، خدمت به صاحبان سیاست و اقتصاد و ایجاد تغییرات فرهنگی، موجب تغییر سبک زندگی فردی و خانوادگی مخاطبان می‌شوند. همچنین، رسانه‌ها گاهی قواعد اخلاقی خانواده را تهدید می‌کنند (همان‌جا)؛ در نتیجه، اعضای خانواده برای برون‌رفت از فریب‌کاری باید به چند مورد دقت کنند:



۱. خود را از حالت تک رسانه‌ای خارج کنند و چند رسانه‌ای باشند؛
۲. خانواده باید هر هفته یا هر ماه، علاوه بر پیگیری رسانه‌های مذکور، به سینما و تئاتر بروند و مجلات هفتگی را مطالعه کنند؛
۳. خانواده از حالت استفاده فردی به حالت استفاده جمعی از رسانه تشویق شود.

## اهداف تحقیق

### هدف کلی

ارائه الگوی آگاهسازی مخاطب برای برونرفت از فریب کاری رسانه مبتنی بر محیط خانواده.

### هدف‌های جزئی

۱. آگاهسازی مخاطب از راه‌های برونرفت از فریب کاری رسانه‌ای در محیط خانواده؛
۲. شناسایی علت‌ها، زمینه‌ها و شیوه‌های فریب کاری رسانه‌ای در خانواده؛
۳. بررسی راهکارهای برونرفت از فریب کاری رسانه‌ای در زمینه تأثیر بر سبک زندگی خانواده؛
۴. طراحی الگوی برونرفت از فریب کاری رسانه‌ای در خانواده.

## سوالات تحقیق

۱. آگاهسازی مخاطب چه نقشی در برونرفت از فریب کاری رسانه دارد؟
۲. علت‌ها، زمینه‌ها و شیوه‌های فریب رسانه‌ای در زمینه تأثیر بر سبک زندگی خانواده چیست؟
۳. راه برونرفت از فریب کاری رسانه در زمینه نحوه پوشش خبری و انتقال خبر به اعضای خانواده چیست؟

۴. راهکارهای برون‌رفت خانواده از معضل فریب‌کاری رسانه چیست؟
۵. راهکارهای برون‌رفت از فریب‌کاری رسانه‌ای در زمینه تأثیر بر سبک زندگی خانواده چیست؟

### روش پژوهش

در این تحقیق از روش کتابخانه‌ای و اسنادی استفاده شده است. رویکرد پژوهش، استقرایی و ابزار گردآوری اطلاعات، یادداشت‌برداری است. منابع تحقیق عبارت‌اند از: اسناد چاپی یا قابل تبدیل به نسخه چاپی از جمله کتاب، دایرةالمعارف، فرهنگ‌نامه، مجله، روزنامه، هفته‌نامه، لغت‌نامه، مصاحبه‌های چاپ‌شده، پژوهش، کتاب‌های همایش‌های علمی، متون چاپی نمایه‌شده در بانک اطلاعاتی و اینترنت و ترجمه متون تخصصی مرتبط با موضوع. روش‌های کیفی با استفاده از نرم‌افزارهای آماری، امکان بررسی روایی و پایایی را ندارد (ساروخانی، ۱۳۸۹، ص ۱۱۴)؛ به همین دلیل، برای اطمینان از روایی و پایایی تحقیق، در هر مرحله، کارشناسان سه حوزه رسانه، فرهنگ و خانواده، یافته‌ها را ارزیابی و تأیید کردند. در این پژوهش، برای اطمینان از روایی، از روش سه‌سویه‌سازی استفاده شده است.

روش سه‌سویه‌سازی، تنوع روش‌شناختی دارد و در اصل، همان روش بازیابی کردن است، اما از طریق سه منبع. به گفته «ولکات» (۱۹۹۰م)، روش این شامل فنونی است که محقق از آن‌ها برای تکمیل و تأیید اطلاعات خود استفاده می‌کند و البته از دید «مکس ول» (۲۰۰۵م)، پژوهشگر با استفاده از این روش می‌تواند اهداف متن را در ساختارهای قابل فهم ارائه و قضاوت دیگران را درباره پژوهش خود ممکن کند (نیک‌نشان و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۹۶).



## مفهوم فریب کاری رسانه

فریب اغلب به ایجاد احساس خیانت و بی‌اعتمادی میان شرکای ارتباطی منجر می‌شود، قوانین هنجاری را در یک رابطه نقض می‌کند و تخلف از انتظارات محسوب می‌شود. بیشتر مردم از دوستان، شرکای ارتباطی و حتی غریبه‌ها توقع دارند بیشتر وقت خود را در ارتباط حقیقی صرف کنند. این فریب ممکن است در گفت‌وگوهای مردم و هنگام برقراری ارتباط میان آنها باشد. همچنین، میزان فریب بین شرکای رمانتیک یا در رابطه‌ای خاص درخور توجه است (تقی‌پور، ۱۳۹۷).

امروز فریب کاری در رسانه، موضوعی مهم در عملکرد رسانه است و در اثرگذاری رسانه بر مخاطبان و جامعه هدفش، شاخصی اخلاقی محسوب می‌شود. شماری از شکل‌های گوناگون آن عبارت‌اند از:

**پنهان کاری:** حذف اطلاعات مهم یا مرتبط با موضوع و یا مشارکت در رفتاری که به پنهان کردن اطلاعات کمک می‌کند؛

**دروغ‌گفتن:** جمع‌آوری یا دادن اطلاعاتی مخالف یا بسیار متفاوت با حقیقت؛

**تعصبات:** ایجاد بیانی‌های غیرمستقیم و مبهم یا متناقض؛

**زیرنویس (توضیحات):** به حداقل رساندن یا نادیده گرفتن جنبه‌های حقیقت در یک موضوع (پستمن، ۱۳۹۴، ص ۲۶).

**فوق‌العاده (ویژه‌ها):** دادن اطلاعات غلط یا کشیدن حقیقت به عرصه غیرواقعی و دروغ، به‌منظور تحریف واقعیت (تقی‌پور، ۱۳۹۳، ص ۳۶).

امروزه فناوری دیجیتال، تغییر شکل تصویرها و فیلم‌ها و پیام‌های رسانه‌ای را ساده‌تر کرده و تشخیص «اصل» از «غیرواقعی» از هر زمان دیگری دشوارتر شده است. همچنین، در حال حاضر زمینه صداقت در رسانه کمتر و عوامل گسترش فریب کاری بیش از گذشته مشاهده می‌شود.





در جهان امروز وسایل ارتباط جمعی (مانند روزنامه، تلویزیون، رادیو، سینما و در سال‌های اخیر اینترنت) با انتقال اطلاعات و شکل‌دهی به افکار عمومی، در توسعه و تغییر فرهنگ و تمدن بشری نقش بزرگی ایفا می‌کنند؛ به گونه‌ای که کمتر حادثه و جریان مهم اجتماعی را می‌توان یافت که رسانه در پیدایش و شکل‌گیری آن، نقش مهمی ایفا نکرده یا دست‌کم در گسترش، نشر یا مهار آن سهمی نداشته باشد.

در میان رسانه‌های جمعی، رادیو و تلویزیون از نظر آموزش غیررسمی و الگوسازی، جایگاه ویژه‌ای دارند. تلویزیون، به دلیل برد پهناورش، یکی از بهترین وسایل آموزشی و فرهنگی است که امروز در اختیار جوامع قرار دارد. تلویزیون به‌خاطر استفاده هم‌زمان و هماهنگ از تصویر (رنگ و نور) و صدا (موسیقی، کلام و افکت)، تأثیر انکارناپذیری بر مخاطبان خود می‌گذارد و به‌سبب گیرایی و جذابیت‌های خاص، سهم بیشتری در انتقال الگوهای رفتاری و فرهنگ‌سازی دارد. از آنجا که همه گروه‌های سنی، مخاطب تلویزیون هستند، این رسانه در جامعه تأثیر کلان دارد. افزون بر این، سادگی استفاده از تلویزیون و تنوع برنامه‌های آن، اهمیتش را دوچندان می‌کند (شرفی، ۱۳۷۹، ص ۲۳).

مک‌لوهان معتقد است تلویزیون ضمن آنکه همه مزایای دیگر وسایل را دارد، با افزودن تصویر، قدرت نفوذ فوق‌العاده‌ای را به دست آورده است. به‌نظر او، تلویزیون نه تنها در یک کشور، بلکه در سراسر منطقه و حتی در یک قاره می‌تواند جوی احساس‌برانگیز پدید آورد (صبری، ۱۳۹۰، ص ۱۲۸).

در ایران، از میان رسانه‌ها، تلویزیون همچنان یکی از مؤثرترین نقش‌ها را داراست. چیرگی عواطف و احساسات در نوجوانان و جوانان، زمینه را برای اثرگذاری و الگوگیری از سیما آماده‌تر کرده است. نکته مهم دیگر این است که در جامعه ما بیش از دیگر جوامع، از این رسانه انتظار دارند به مسائل تربیتی و دینی بپردازد و از راه الگوسازی درست به مفاهیم دینی تعمق بخشد؛ به همین دلیل است





که بنیان‌گذار انقلاب اسلامی، صداوسیما را دانشگاه عمومی برای آحاد ملت می‌داند (موسوی خمینی، ۱۳۶۹، ص ۲۰۵).

بنابراین، با توجه به قدرت نفوذ و تلفیق زیاد رسانه، به‌ویژه تلویزیون، الگوگزینی مخاطبان از رسانه ملی بسیار مهم است. تمام برنامه‌های تلویزیون اعم از فیلم‌های سینمایی، سریال‌ها، برنامه‌های سرگرم‌کننده و مجموعه‌های ترکیبی، مستقیم و غیرمستقیم، الگوهای فراوانی را در اختیار مخاطب خود قرار می‌دهند. رسانه می‌تواند با شناخت نگرش مخاطبان، الگوهای متنوع و جذاب دینی و اسلامی را به نسل جوان معرفی کند یا برعکس، با ارائه سطحی و فریب‌کاری رسانه‌ای در معرفی الگوها، مخاطبان را از موضوعی خاص منزجر کند؛ در نتیجه، مبحث الگوسازی در رسانه یکی از مباحث مهم است که باید در مسئله فریب‌کاری رسانه‌ای و راه برون‌رفت از آن، مورد توجه قرار گیرد.

نقش حساس صداوسیما در الگودهی تا آنجاست که مقام معظم رهبری می‌فرماید: «رسانه‌های جمعی در همه‌جای دنیا یکی از حساس‌ترین مراکز به شمار می‌روند؛ زیرا دستگاه تبلیغاتی وسیله عمومی مانند صداوسیما همواره با مردم است و باید گفت هر عملی که در این رسانه انجام می‌شود، آثارش به‌زودی در جامعه دیده می‌شود (معمدنژاد، ۱۳۸۰، ص ۳۵۴).

### راهکارهایی برای برون‌رفت از فریب‌کاری رسانه‌ای

رسانه‌ها باعث شکل‌گیری گونه جدیدی از خانواده با عنوان «خانواده شبکه‌ای» (Network Family) شده‌اند. این شکل از خانواده آسیب‌ها و فرصت‌هایی به همراه دارد. مهم این است که خانواده بتواند اصول مشترک و پایدار خود را در آن شبکه‌ها حفظ کند. همچنین، حضور اعضای خانواده در فضای مجازی و بهره‌گیری از رسانه‌ها باعث تحکیم روابط آن‌ها می‌شود، نه اینکه در روابط آنان خللی ایجاد کند. مطابق تحلیل انتقادی طرف‌داران مارکسیسم، رسانه‌ها مخاطبان را به از خودیگانگی

(Alienation) هدایت می‌کنند. هرچه مردم، بیشتر از خود بیگانه شوند، بیشتر به زندانیان نیازهای از خود بیگانه خویش تبدیل می‌شوند و رسانه‌ای که فریب‌کاری می‌کند، مایه‌ی خشنودی موقت روان‌های از خود بیگانه می‌شود و آنان را از بدبختی‌ای که گرفتار آن هستند، منفک می‌کند.

در این وضعیت، مخاطب فریب‌خورده است؛ زیرا از خود بیگانگی به وی اجازه نمی‌دهد واقعیت مسائل را دریافت کند. او فقط آنچه را رسانه از طریق اقناع و تبلیغ انتقال می‌دهد، دریافت می‌کند و در نهایت، سریع‌تر فریب می‌خورد (تقی‌پور، ۱۳۹۷). از نظر گرگن (۱۹۹۹م)، رسانه‌ها قادرند خانواده‌اشباع‌شده (Saturated family) به وجود آورند. این اشباع موجب ایجاد تغییرات فرهنگی در خانواده شده و معمولاً مسیر خانواده را دچار بحران فرهنگی می‌کند. راهکارهای برون‌رفت از آن عبارت‌اند از: مدیریت نحوه و میزان ورود داده‌ها و پیام‌ها در خانواده، آگاهی از نحوه تغییر سرمایه نمادین که رسانه در شکل‌دهی آن در خانواده نقش دارد، ارتقای آگاهی اعضای خانواده، اطلاع‌رسانی درباره انواع رسانه، آگاهی بخشی درباره تفاوت رسانه گرم و سرد و آگاهی خانواده از سواد عملیاتی. بر اساس نظریه شيفر (۲۰۰۳م)، آگاهی والدین از سواد دیجیتالی و سواد الکترونیکی اهمیت دارد.

برای برون‌رفت از این مسئله باید رسانه‌ها به این موارد توجه کنند:

۱. تلاش کنند اصل صحت را بر سرعت مقدم دارند؛
۲. اصل اخلاق و رسالت مدنی را رعایت کنند و به هیچ گروه اقتصادی یا فرایند خاص وابسته نشوند؛
۳. بکوشند در تولید محتوا و پیام، اخلاق را رعایت کنند؛
۴. تلاش کند خود را از حالت تک رسانه‌ای خارج کنند و چند رسانه‌ای باشند؛
۵. سواد رسانه‌ای مخاطبان خود، به ویژه خانواده‌ها را افزایش دهند.





همچنین، برای ارتقای آگاهی و برون‌رفت از فریب‌کاری رسانه و انتخاب صحیح پیام از سوی مخاطبان یا کاربران، این پرسش‌ها ضرورت دارد: چگونه از این خبر مطلع شدم؟ چگونه بفهمم این خبر درست است؟ منبع این خبر چیست؟ چه کسی این خبر را منتشر کرده است؟ (تقی‌پور، ۱۳۹۳، ص ۴۴۷). رسانه‌ها فراتر از کارکردهایی که دارند<sup>۱</sup> و تأثیراتی که می‌گذارند<sup>۲</sup>، در چارچوب‌های دیگری که پیامدهای خاص دارند یا در چارچوب اخلاق درخور بررسی‌اند؛ مثلاً یکی از این کارکردها خدمت‌رسانی به جوامع در حال توسعه و پیامدهای ناشی از آن است. رسانه‌ها در این جوامع، نظام ارتباط مدرن را برای پشتیبانی از تحول اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایجاد می‌کنند (همان، ص ۲۹۹).

هارولد لاسول (H.Lasswel) (۱۹۸۴م) با نگاهی مثبت، کارکرد نظارت بر هم‌بستگی اجتماعی، انتقال میراث فرهنگی و سرگرمی را برای رسانه‌ها تعریف می‌کند (ساروخانی، ۱۳۸۹، ص ۱۱۰). چالرز رایت (Wright)، رسانه را ابزاری برای سرگرمی و راه فراری برای گریز از مشکلات روزمره و پرکردن اوقات فراغت می‌داند (مهدی‌زاده، ۱۳۹۳، ص ۴۹). دنیس مک کوایل (D. Mcguail)، رسانه‌ها را عضو جدید اجتماع خوانده که باعث گسترش اطلاعات، تقویت هم‌بستگی، تداوم و استمرار فرهنگی، سرگرمی و بسیج افکار عمومی می‌داند (همان‌جا). جان گینز (J.Gibbins) و بورمیر (B.Reimer)، اشاره متفاوتی به رسانه دارند که به شکل‌گیری هویت فرهنگی ربط دارد؛ به نظر آنان، رسانه به صورت روزمره و دائم همراه مخاطب است و پیام‌های خود را تکرار می‌کند (اجلالی، ۱۳۸۵، ص ۵۰).

در حوزه ارتقای سلامت خانواده، پژوهش‌های زیادی انجام شده است که هدف همه آنها آگاه‌سازی مخاطبان و خانواده‌ها از فریب‌کاری‌های دنیای رسانه‌ای و ارائه

۱. سرگرمی، اطلاع‌رسانی، آموزش، هم‌بستگی اجتماعی، نظارت اجتماعی، تبلیغ و ...

۲. آثار ناشی از خشونت، هرزه‌نگاری، طرح ناهنجاری‌های اجتماعی و ...



راهکارهایی برای برون‌رفت از این فریب‌کاری‌هاست. در این مقاله به برخی از این راهکارها اشاره شده است.

مقام معظم رهبری نیز بر «سلامت روانی خانواده» تأکید کرده‌اند. جامعه بدون در نظر گرفتن خانواده، آشفته و نامطمئن است. در چنین جامعه‌ای موارث فرهنگی و فکری و عقاید نسل‌ها به آسانی منتقل نمی‌شود. بر اساس این تحلیل، یکی از مسائل مهم، شباهت نقش خانواده و کارکرد رسانه‌هاست؛ به عبارتی، یکی از مهم‌ترین کارکردهای رسانه نیز آموزش مخاطب، انتقال میراث فرهنگی و آگاه‌سازی مخاطب است. در نتیجه، گاهی این دو نهاد دچار تداخل نقش می‌شوند (ساروخانی، ۱۳۸۹، ص ۲۱۱).

ما تلاش کردیم در این مقاله به سلامت خانواده در زمینه برون‌رفت از فریب‌کاری‌های رسانه‌ای توجه کنیم؛ لذا پیگیری طرح حاضر بنا به دلایل زیر اهمیت بیشتری پیدا کرده است:

۱. مقام معظم رهبری در مقام عالی‌ترین مسئول نظام اسلامی، همواره بر سلامت روانی خانواده تأکید داشته و بر نقش رسانه‌ها و شباهت نقش خانواده و رسانه اشاره کرده‌اند: «اگر صداوسیما می‌توانست همان‌طور که تلویزیون فلان کشور غربی با یک سابقه و تجربه فراوان و با استفاده‌های هنری، دروغ‌های خودش را راست جلوه می‌دهد، واقعیت کشور را درست منعکس کند، شما بدانید امروز امید نسل جوان، دل‌بستگی نسل جوان به کشور، به دینش، به نظام جمهوری‌اش، به مراتب بیشتر از حالا بود. ایراد ما به صداوسیما این است که اگر می‌توانست درست وضع کشور را منعکس کند، خیلی شعف و بهجت بینندگان، به مراتب بیشتر از آنی می‌شد که امروز هست» (شرفی، ۱۳۷۹، ص ۲۳).

۲. رسانه‌ها، به‌ویژه صداوسیما، مسئولیت اصلاح و تحکیم پایه‌های نظام فرهنگی کشور را برعهده دارند و باید با مشکلات و نابسامانی‌های فرهنگی و اجتماعی مقابله کنند. لذا در شرایط کنونی، فریب‌کاری‌های رسانه‌ای غرب، به‌ویژه در حوزه

خانواده، هر روز بیشتر می‌شود و ما باید به دنبال راه‌های برون‌رفت از این فریب کاری رسانه‌ای باشیم.

جدول (۱): مقوله مفهوم برون‌رفت از فریب کاری رسانه بر مبنای رویکرد سه‌سویه‌سازی

مقوله	مفهوم	گفتار کارشناسی	کد
عوامل بیرونی مؤثر بر فریب کاری	اقتصاد رسانه و برون‌رفت از فریب کاری	۱ سرمایه‌گذاری اقتصادی بلندمدت و همراه با	۱
		۲ برنامه‌های راهبردی؛	۲
		۳ اولویت دادن به محصولات فاخر ایرانی در تولیدات رسانه‌ای؛	۳
		۴ اختصاص هزینه‌های مالی برای ایده‌های نخبگان در زمینه‌های مشارکت در مسائل فرهنگی و رسانه‌ای؛ آشناکردن مخاطبان با اصل اقتصاد سیاسی رسانه.	۴
عوامل درونی مؤثر بر فریب کاری رسانه‌ای	مخاطبان رسانه	۱ آگاه‌سازی مخاطبان و اعضای خانواده با	۱
		۲ پدیده جعلی خیر؛	۲
		۳ سادگی و ناهماهنگی در شناخت؛ ارتقای آگاهی مخاطبان؛ آموزش در مدارس.	۳
	اخلاق غیرحرفه‌ای	۱ توجه به چندرسانه‌ای بودن در حوزه خانواده؛	۱
		۲ افزایش سواد رسانه‌ای؛	۲
		۳ مقدم دانستن اصل صحت بر سرعت.	۳
فریب آنلاین	بحران هویت مجازی در شبکه‌های اجتماعی؛ عوض شدن دروازه‌بانی پیام از رسانه به شهروند.	۱	۱
		۲	۲





امروزه فناوری دیجیتال، تغییر شکل تصویرها و فیلم‌ها و پیام‌های رسانه‌ای را ساده‌تر کرده و تشخیص اصل از تغییر یافته دشوار شده است. همچنین، در حال حاضر زمینه‌های صداقت در رسانه کمتر و عوامل گسترش فریب‌کاری بیش از گذشته مشاهده می‌شود. بر این اساس، یکی از هدف‌های مهم این مقاله، شناسایی علت‌ها و زمینه‌ها و شیوه‌های فریب‌کاری رسانه‌ای و راه برون‌رفت از آن است.

دلیل این توجه این است که رسانه‌ها ابزاری مؤثر در دست قدرت‌های سیاسی و اقتصادی هستند و برای بقا ناچارند در جهت اهداف هدایت‌کنندگان خود حرکت کنند؛ در نتیجه، این تحقیق از نظر علمی و عملی، به دنبال ارائه الگو و آگاه‌سازی مخاطب در حوزه خانواده و برون‌رفت از فریب‌کاری رسانه‌ای است. نسل کنونی جامعه از ابتدای حیاتش با رسانه‌ها بزرگ می‌شود و در دنیای اطلاعاتی و ارتباطی امروز، این نسل، بخش عظیم فرهنگ، ارزش‌ها و هنجارهای جامعه خود و دیگر جوامع را از رسانه‌ها دریافت می‌کند؛ به عبارتی، در دوران معاصر که به عصر اطلاعات و جامعه اطلاعاتی و ارتباطی معروف است، بخش عظیمی از جامعه‌پذیری نسل‌ها از طریق رسانه‌ها انجام می‌شود (ساعی، ۱۳۸۹، ص ۲۵). هرزه‌نگاری عبارتی است که بیش از همه درباره مطالبی که آشکارا مسائل جنسی را نشان می‌دهند و هدفشان تحریک جنسی مخاطبان است، به کار می‌رود. ادبیات موضوع نشان می‌دهد که قرار گرفتن بلندمدت و مکرر در معرض این گونه مطالب، دارای آثار منفی گوناگونی مانند موارد زیر است:

۱. انگیزه‌های بی‌بندوباری جنسی را افزایش می‌دهد؛
۲. نوجوانانی که در معرض مسائل جنسی خارج از عرف فرهنگی هستند، ممکن است دیدگاهی تحریف‌شده درباره رابطه جنسی داشته باشند؛ دیدگاهی که ارتباطی با عشق و صمیمیت ندارد و بر این اساس، تمایل داشته باشند بدون داشتن پیوندهای عاطفی، رابطه جنسی برقرار کنند؛

۳. فرض دیگر این است که دسترسی گسترده به مطالب هرزه‌نگاری در اینترنت و تبلیغات، باعث می‌شود افراد داوطلبانه پیگیر این مطالب شوند. نتایج مطالعات نشان می‌دهد که افشای تصادفی در بیش از ۱۰ تا ۳۰ درصد از نوجوانان رخ داده است. (تقی‌پور، ۱۳۹۳).

## یافته‌های پژوهش

جدول (۲): مطالعه کیفی راه‌های برون‌رفت از فریب‌کاری رسانه

<ul style="list-style-type: none"> <li>- پیشنهاد می‌شود والدین با افزایش دانش اطلاعاتی خود، زمینه ارتقای آگاهی فرزندان را فراهم کنند؛</li> <li>- برای جلوگیری از زمینه‌های فریب‌کاری رسانه‌ای پیشنهاد می‌شود، به‌طور دقیق و در حد نیاز، از مفاهیمی مانند نظام اجتماعی، نظام طبقاتی و نظام فرهنگی آگاهی داشته باشند؛</li> <li>- برای ارتقای آگاهی و دانش اجتماعی اعضای خانواده، پیشنهاد می‌شود والدین، بر اساس تحلیل داندل‌لازر، با چند رسانه‌ای کردن محیط خانواده، در کشف حقایق بکوشند و با فرزندان مشارکت کنند تا جلوی زمینه‌های فریب‌کاری رسانه گرفته شود (تقی‌پور، ۱۳۹۳، ص ۴۵۹)؛</li> <li>- افزایش اطلاعات فرزندان در حوزه تربیت جنسی؛</li> <li>- تقویت سواد رسانه‌ای.</li> </ul>	<p>آگاه‌سازی مخاطبان</p>
<ul style="list-style-type: none"> <li>✓ مسئولیت‌پذیری؛</li> <li>✓ برقراری روابط عاطفی با خانواده و دوستان.</li> </ul>	<p>سبک زندگی</p>
<ul style="list-style-type: none"> <li>✓ صحت اخبار فدای سرعت خبررسانی نشود؛</li> <li>✓ دقت در بیان آمار و ارقام.</li> </ul>	<p>پوشش خبری</p>
<ul style="list-style-type: none"> <li>✓ به مسئله اخلاق و صداقت در مواجهه با رقیب رسانه‌ای خود توجه کنند؛</li> </ul>	<p>عملکرد رسانه‌ای</p>



✓ به کارگیری افراد متخصص در سازمان‌های رسانه‌ای؛ ✓ توجه به جلب اعتماد مخاطب هنگام تولید محتوای رسانه؛ ✓ اصل آزادی اطلاعات و دسترسی به اطلاعاتی مانند فساد، انسجام اجتماعی و تحول فرهنگی در اولویت باشد؛ ✓ تقویت فرهنگ بومی.	
---	--

در این مقاله، بحث و نتیجه‌گیری کلی در قالب پاسخ به این سؤالات انجام خواهد شد که به ارائه راهکارهای برون‌رفت از فریب کاری رسانه اشاره دارد. بعضی این راهکارها عبارت‌اند از:

✓ آشنا کردن مخاطبان و اعضای خانواده با پدیده اخبار جعلی و توجه به درستی خبر، قبل از دستیابی سریع به اخبار و محتوا ضرورت دارد؛

✓ آموزش مداوم به خانواده و فرزندان برای ارتقای آگاهی و ایمن‌سازی اعضای خانواده و از سوی دیگر، تقویت سازمان‌های رسمی بین‌المللی و رسانه‌ای، مؤسسات علمی، انجمن‌های مردم‌نهاد و بنگاه‌های رسانه‌ای ضروری است. اعضای خانواده برای برون‌رفت از مسئله فریب کاری یا غیراخلاقی بودن پیام‌ها و عملکرد رسانه باید از حالت تک‌رسانه‌ای خارج و چندرسانه‌ای شوند؛ برای مثال، هر عضو خانواده روزانه از تلویزیون و رادیو، مطبوعات، کتاب و اینترنت یا شبکه‌های اجتماعی استفاده کند؛

✓ خانواده‌ها طی هفته، افزون بر رسانه‌های یادشده، از سینما، تئاتر، مجلات هفتگی و ماهانه نیز به‌طور برنامه‌ریزی شده بهره‌مند شوند و یکدیگر را به استفاده جمعی از رسانه تشویق کنند؛

✓ یکی دیگر از راه‌های برون‌رفت از فریب کاری رسانه، افزایش سواد رسانه‌ای اعضای خانواده است. در بُعد تقویت سواد رسانه‌ای این ادعا وجود دارد که برون‌رفت از مسئله فریب کاری زمانی رخ می‌دهد که فرایند تحلیل انتقادی به تحلیل







گفتمان انتقادی و به شکل گفتمانی دربارهٔ پیام میان اعضای خانواده در آید. این ادعا وجود دارد که فرایند تحلیل انتقادی در آموزش رسانه‌ای، به مخاطبان این توانایی را می‌دهد که خود را از ارزش‌ها و طرز تفکری که رسانه قصد تحمیل آن را دارد، رهایی بخشند.

آموزش سواد رسانه‌ای بر اساس سواد هر مخاطب است و در این حوزه، توجه به این نکات ضرورت دارد: جنسیت مخاطبان، سبک زندگی، میزان تحصیلات، پایگاه اقتصادی و اجتماعی، شغل و دیگر ویژگی‌های جمعیت‌شناختی.

رسانه‌ها موجب شکل‌گیری گونه‌ی جدیدی از خانواده با عنوان «خانواده شبکه‌ای» شده‌اند. پدید آمدن این شکل از خانواده، آسیب‌ها و فرصت‌هایی به همراه دارد. البته خانواده باید اصول مشترک و پایدار خود را در فضای مجازی حفظ کند.

از نظر گرگن (۱۹۹۹م)، رسانه‌ها می‌توانند خانوادهٔ اشباع‌شده به وجود بیاورند؛ خانوادهٔ اشباع‌شده، خانواده‌ای است که اعضای آن بسیار گرفتار و مشغول‌اند. این خانواده‌ها در معرض انواع مختلفی از «ارزش‌ها، گرایش‌ها، نظرها، سبک‌های زندگی و شخصیت‌ها» قرار دارند و اعضای آن‌ها در روابط اجتماعی متعددی به ایفای نقش می‌پردازند. فناوری‌هایی مانند ماشین، تلفن، تلویزیون و رسانه زمینه‌ساز این اشباع هستند. این اشباع موجب تغییرات فرهنگی در خانواده می‌شود و معمولاً خانواده را دچار بحران فرهنگی می‌کند. راهکار برون‌رفت از این بحران، مدیریت نحوه و میزان ورود اطلاعات و پیام به خانواده است.

رسانه‌ها در دنیای فعلی، زندگی مشترک با حیوانات را تبلیغ می‌کنند و با فریب مخاطب، تجارت جدیدی بر مبنای خرید و فروش حیوانات خانگی ایجاد کرده‌اند. این نوع خانواده یکی از شکل‌های نوظهور خانواده در کشورهای غربی است و این الگو در چارچوب اندیشهٔ اسلامی پذیرفته نیست. در دنیای غرب، به دلایلی همچون



جبران خلأهای عاطفی یا فرار از مسئولیت، ترجیح می‌دهند با حیوانات زندگی کنند. رسانه با تبلیغ این سبک زندگی غربی، بر سبک زندگی ایرانی اثر می‌گذارد؛ از این رو، خانواده ایرانی باید از اهداف فریب‌کاری رسانه و آثار آن بر خانواده آگاه باشد.

در خانواده ایرانی، رعایت اصول اخلاقی و انسانی، مانند تربیت و پرورش روحی و جسمی فرزندان، تقویت پیوندهای عاطفی و خانوادگی، ایفای نقش آموزشی خانواده، انتقال میراث فرهنگی، محوریت اخلاق در روابط خانوادگی، احترام متقابل و در نظر گرفتن صلاح خانواده، از جمله عوامل مؤثر در تحکیم بنیاد خانواده و محافظت از آن در برابر فریب‌کاری رسانه است. اعضای خانواده باید درباره حضور فناوری در فضای درونی زندگی خانوادگی خود اطلاعات کافی داشته باشند. همچنین، اطلاع از سه سطح (فیزیکی، فضای اجتماعی و فضای فناورانه) بر اساس تعریف «ونکاتش» (۲۰۱۵م)، راهکار مؤثری برای برون‌رفت از مسائل رسانه و فناوری است.

در جهان امروز و در کشور ایران، به دلیل «گسترش و تنوع رسانه و فناوری‌های ارتباطی از صنعت چاپ تا رادیو، تلویزیون، ماهواره و اینترنت» بازنمایی خانواده بیش از هر منبع و مرجع دیگری برای شناخت مسائل خانواده اهمیت دارد. دو گونه بازنمایی مطرح است که یکی، بازنمایی رسانه از مسائل و دیگری، بازنمایی مفهوم خانواده در رسانه است. بدان دلیل که بخش عمده‌ای از فریب‌کاری رسانه، با فرایند بازنمایی انجام می‌شود، آگاهی از شیوه‌های بازنمایی برای همه اعضای خانواده ضروری است.

راهکار دیگر برون‌رفت از فریب‌کاری رسانه، ارتقای آگاهی مخاطب است. برای آنکه سطح آگاهی مخاطبان ارتقا یابد و بتوانند پیام‌ها را به‌درستی انتخاب کنند، باید همواره از خود پرسند: چگونه از این خبر مطلع شدم؟ چگونه بفهمم این



خبر درست است؟ منبع این خبر کجاست؟ چه کسی این خبر را منتشر کرده است؟  
انگیزه منتشرکننده خبر چیست؟

در نتیجه، برای آگاه‌سازی فرزندان باید به موارد زیر بیشتر دقت کنند:

- به والدین پیشنهاد می‌شود با افزایش دانش اطلاعاتی خود، زمینه ارتقای آگاهی‌های فرزندان را فراهم کنند؛

- برای جلوگیری از زمینه‌های فریب‌کاری رسانه‌ای پیشنهاد می‌شود، به‌طور دقیق و در حد نیاز، از مفاهیمی مانند نظام اجتماعی، نظام طبقاتی و نظام فرهنگی آگاهی داشته باشند؛

- برای ارتقای آگاهی و دانش اجتماعی اعضای خانواده، پیشنهاد می‌شود والدین، بر اساس تحلیل داندل لازر، با چندرسانه‌ای کردن محیط خانواده، در کشف حقایق بکوشند و با فرزندان مشارکت کنند تا جلوی زمینه‌های فریب‌کاری رسانه گرفته شود (تقی‌پور، ۱۳۹۳، ص ۴۵۹).

- افزایش اطلاعات فرزندان در حوزه تربیت جنسی؛

- تقویت سواد رسانه‌ای.

والدین هنگام انتخاب محتوای رسانه باید به این نکته توجه داشته باشند که محتوای گزینش شده با ارکان و اصول اخلاق در خانواده منافات نداشته باشد. نهاد خانواده به‌منزله بنیان جامعه، نقش مهمی در سلامت و سعادت جامعه دارد؛ به همین دلیل، ارکان این نهاد و روابط میان اعضای آن باید به‌گونه‌ای سامان‌دهی شود که خانواده را به اهداف عالی خود برساند و در نهایت، سعادت جامعه را تضمین کند.

بنابراین، تعریف والدین از اخلاق در خانواده اهمیت دارد؛ برای مثال، محتوای رسانه با ارزش‌های خانواده از جمله احترام متقابل، احسان، گذشت و دیگر موارد ارزشی در تعارض نباشد.

آموزش‌های مربوط به سواد رسانه‌ای باید به‌طور جداگانه و با در نظر گرفتن نقش فرد در خانواده (مادر، پدر، فرزند، پدربزرگ و مادربزرگ) انجام شود. همچنین، برای استفاده مناسب اعضای خانواده از رسانه، شناخت و درک تفاوت‌های تک‌حسی و همه‌حسی ضروری است. ارتقای آگاهی خانواده درباره مواردی همچون سواد عملیاتی، اطلاعاتی، دیجیتالی، الکترونیکی، رایانه‌ای و مجازی اهمیت دارد.

در دنیای امروز رسانه‌ها با مخاطبان آگاه و فعال در ارتباط‌اند. این مخاطبان هم‌زمان کاربران فعال اینترنت هستند؛ به این دلیل انتقال اخبار و به‌کارگیری شگردهای خبری باعث بی‌اعتمادی در مخاطبان می‌شود و به‌جای رسانه ملی، رسانه‌های خارجی را منبع خبری خود می‌کنند.

جدول (۳): الگوی آگاه‌سازی مخاطب برای برون‌رفت از فریب‌کاری رسانه

مقوله	آگاه‌سازی مخاطب	برون‌رفت از فریب‌کاری (کارشناسی)
فریب‌کاری‌های رسانه‌ای	۱. مضامین جنسی؛	۱. انتخاب، حذف، افزایش نظارت، تقویت سواد رسانه‌ای؛
	۲. بازی‌های رایانه‌ای؛	۲. دقت، همراهی، آگاه‌شدن؛
	۳. اسطوره‌سازی؛	۳. اسطوره‌سازی، هویت ملی؛
	۴. زمینه‌های فریب‌کاری؛	۴. آشنایی والدین با انواع رسانه‌ها و شبکه‌های تلویزیونی، مانند خبر و فیلم، جلوگیری از ارتباط کودک و رسانه در تنهایی و اوقات فراغت؛
	۵. ناآشنایی والدین با شبکه‌ها.	۵. آشنایی والدین با انواع شبکه‌های رسانه‌ای.

جنس، عموماً تفاوت‌های بیولوژیکی و کالبدشناختی زن و مرد را در بر دارد، در حالی که جنسیت به تفاوت‌های اکتسابی، فرهنگی، روان‌شناختی و اجتماعی بین



آن‌ها اشاره می‌کند که صرفاً بر ویژگی‌های اجتماعی دلالت دارد. در همین راستا، کلیشه جنسیتی، مجموعه‌ای از باورهای فرهنگی و اجتماعی مشترکی است که قابلیت‌ها و ویژگی‌های خاصی را به افراد (یعنی زن و مرد) نسبت می‌دهد و خانواده، نهاد آموزشی، گروه‌های هم‌سالان، رسانه‌ها و دیگر نهادهای فرهنگی و اجتماعی در بازتولید این کلیشه مؤثرند (معینی‌فر، ۱۳۸۸، ص ۱۳۵).

شکل (۱): الگوی آگاه‌سازی مخاطب برای برون‌رفت از فریب‌کاری رسانه در مضامین جنسی

(برون‌رفت از فریب‌کاری از طریق مضامین جنسی)

انتخاب شبکه توسط خانواده‌ها
حذف شبکه‌های غیراخلاقی
نظارت نامحسوس والدین بر جوانان
افزایش اطلاعات فرزندان در حوزه تربیت جنسی
سواد رسانه‌ای و شناخت مفهوم‌ها، معناها، نشانه‌ها و ایده‌های جنسی

اسطوره‌سازی از طریق طبیعی‌سازی: ساخت‌های اجتماعی، فرهنگی و تاریخی به گونه‌ای عرضه می‌شود که گویی اموری واضح و طبیعی هستند. طبیعی‌سازی به طور ضمنی دارای کارکردهای ایدئولوژیک است و در آثار رولان بارت با عنوان اسطوره‌سازی به بهترین شکل مطرح شده است. باید توجه داشت که در اسطوره، دو مفهوم دال و مدلول کاملاً آشکارند. اسطوره چیزی را پنهان نمی‌کند، بلکه کارکردش تحریف کردن است. اسطوره، نوعی گفتار است که بیش از اندازه موجه نمایانده می‌شود. (گیویان و سروری زرگری، ۱۳۸۸ ص ۶۴).

از نظر بارت، اسطوره به عملکرد ایدئولوژیک «طبیعی‌سازی» کمک می‌کند تا واکنش‌های فرهنگی به اموری کاملاً طبیعی، عادی، خودآگاه و مطابق با عقل سلیم برسند. گفتمان‌های طبیعی‌سازی چنان عمل می‌کنند که نابرابری‌های طبقاتی، نژادی



و جنسیتی به طور عادی بازنمایی شوند. در این باره، تحریف کردن پیام از مهم‌ترین شگردهای فریب‌کاری است. برای برون‌رفت از این فریب‌کاری باید به جدول ۳ دقت کرد.

شکل (۲): الگوی آگاه‌سازی مخاطب برای برون‌رفت از فریب‌کاری رسانه از طریق اسطوره‌سازی و

کلیشه‌سازی شخصیت (برون‌رفت از فریب‌کاری رسانه‌ای از طریق اسطوره‌سازی)

اسطوره‌سازی و کلیشه‌سازی شخصیت‌ها از طریق رسانه‌ها
هویت ملی و فرهنگ ملی

شکل (۳): الگوی آگاه‌سازی مخاطب برای برون‌رفت از فریب‌کاری رسانه از طریق بازی‌های رایانه‌ای

(برون‌رفت از فریب‌کاری رسانه‌ای از طریق بازی‌های رایانه‌ای)

آگاهی والدین از نصب و نحوه بازی فرزندان
دقت والدین در انتخاب بازی فرزندان
همراهی والدین با فرزندان در استفاده از بازی‌های رایانه‌ای
تشویق به استفاده محدودتر از رسانه‌ها هنگامی که اعضای خانواده دور هم هستند



## نتیجه‌گیری

فریب‌کاری رسانه‌ای، موضوعی فراتر از اتهام است و سخن گفتن درباره آن در علمی، مانند ارتباطات، مطالعات فرهنگی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، سیاست و مدیریت رسانه، بسیار حساس و بحث‌برانگیز است.

کمتر متخصص رسانه‌ای به این موضوع اعتقاد دارد که رسانه‌ها فریب‌کارند. این افراد معمولاً در نگاهی آزاداندیشانه، رسانه را نهادی مستقل و مردمی یا مرکز اطلاع‌رسانی معرفی می‌کنند؛ اما شگردهای اقناع و تأثیرگذاری حداکثری یا تمایل به نفوذ رسانه‌ای صاحبان اقتصاد و سیاست، تأییدکننده فرایند و رویکردهایی است که فریب‌کاری رسانه را نشان می‌دهند.

به همین دلیل، فریب‌کاری رسانه، موضوعی بحث‌برانگیز است؛ در نتیجه، بر اساس دلایل علمی و منطقی، می‌توان ریشه‌های فریب‌کاری رسانه‌ای را برای برون‌رفت از آن بررسی کرد. در این مقاله تلاش کردیم راه‌های برون‌رفت از فریب‌کاری رسانه را از زوایای مختلف بررسی کنیم تا آگاهی‌ای هرچند جزئی با عنوان وظیفه کارشناسی رسانه‌ای خود با کمک استادان دانشگاهی، پیش روی مخاطبان رسانه‌ها قرار دهیم و در تقویت پایه‌های بنیاد رسانه‌ای و خانواده سهمی داشته باشیم.

والدین باید تلاش کنند با افزایش دانش اطلاعاتی خود، زمینه ارتقای آگاهی‌های خود و فرزندان‌شان را فراهم کنند و از مفاهیمی مانند نظام اجتماعی، نظام طبقاتی و نظام فرهنگی آگاهی داشته باشند تا از شکل‌گیری زمینه‌های فریب‌کاری پیشگیری کنند. رسانه، به‌قول دانلد لازر، نوعی ابزار در دست طبقه حاکم است و برای فریب افکار عمومی، هر کاری انجام می‌دهند. پس اعضای خانواده موظف‌اند:

۱. برای ارتقای آگاهی و دانش خود، از شکل‌گیری فرایند آگاهی کاذب جلوگیری کنند؛ لذا پیشنهاد می‌شود با چند رسانه‌ای کردن محیط خانواده، در کشف





حقایق بکوشند. برای دریافت حقیقت و کشف آن، با فرزندان خود مشارکت کنند تا جلوی زمینه‌های فریب‌کاری رسانه گرفته شود؛

۲. به اعضای خانواده‌ها پیشنهاد می‌شود برای مقابله با تولیدات مبتنی بر هرزه‌نگاری یا تصاویر مستهجن و غیراخلاقی و جلوگیری از فریب‌کاری اخلاقی، در انتخاب شبکه‌ها و برنامه‌ها دقت کنند. شبکه‌های غیراخلاقی را حذف کنند و بر محتواهایی که جوانان انتخاب می‌کنند، به‌طور نامحسوسی نظارت کنند؛

۳. به والدین پیشنهاد می‌شود در انتخاب بازی‌های رایانه‌ای، مراحل موفقیت در بازی و دست‌یافتن کودک به هدف نهایی بازی، او را همراهی کنند، از بی‌خبری و بی‌اطلاعی از بازی‌ها، پرهیز و در بازی‌های رایانه‌ای با فرزندانشان همراه شوند تا مسیر فریب را زودتر شناسایی کنند؛

۴. والدین تلاش کنند با انواع شبکه‌های تلویزیونی، مانند خبری، سریال، موسیقی، تجاری، ورزشی، کودک، مستند، پورنو و گفت‌وگومحور آشنا باشند.

۵. یکی از راه‌های فریب‌کاری رسانه در خصوص کودکان، اسطوره‌سازی از شخصیت‌ها و موضوعات اجتماعی و فرهنگی است. خانواده‌ها باید تلاش کنند فرزندان و اعضای خانواده را از طریق مطالعه و کتاب‌خوانی آگاه کنند.

در نهایت، برای جلوگیری از فریب‌کاری رسانه، پیشنهاد می‌شود اعضای خانواده به این موضوعات بیشتر توجه کنند:

- هدف رسانه از عرضه پیام چیست؟
- نحوه نشر موضوع خبری در آن چگونه است؟
- گفتمان‌های رسانه‌ای موجود در پیام به چه شکلی است؟
- بازنمایی ابعاد اطلاعاتی و فرااطلاعاتی در رسانه به چه شکلی است؟



## کتاب‌نامه

۱. اجلالی، پرویز (۱۳۸۵)، *درآمدی بر نظریه ارتباطات جمعی دین مکتب کوئیل*، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه.
۲. پستمن، نیل (۱۳۹۴)، *زندگی در عیش، مردن در خوشی*، ترجمه صادق طباطبایی، تهران: اطلاعات.
۳. تقی‌پور، فائزه (۱۳۹۳)، *رسانه و فریب‌کاری، تحلیل زمینه‌ها و عوامل فریب‌کاری در رسانه و راهکارهای برون‌رفت*، اصفهان: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۴. تقی‌پور، فائزه (۱۳۹۷)، «مطالعه کیفی شیوه‌های فریب‌کاری رسانه و آثار آن در خانواده»، *فصلنامه علمی ترویجی اخلاق*، ش ۳۱ (پیاپی ۵۳)، ص ۸۱-۱۰۶.
۵. ساروخانی، باقر (۱۳۸۹)، *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، تهران: دیدار.
۶. ساعی، منصور (۱۳۸۹)، *نقش رسانه‌ها در انتقال ارزش‌ها و پدیده شکاف هنجاری و ارزشی در نسل‌ها*، تهران: انتشارات مؤسسه همشهری.
۷. شرفی، محمدرضا، (۱۳۷۹)، *جوان و نیروی چهارم زندگی*، تهران: سروش.
۸. صبری، حمید (۱۳۸۶)، *آشنایی با دانش ارتباطات*، تبریز: همادز.
۹. گیویان، عبدالله و سروری زرگری، محمد (۱۳۸۸)، «بازنمایی ایران در سینمای هالیوود»، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، دوره ۲، ش ۸، ص ۳۸-۶۹.
۱۰. معتمدنژاد، سید محمد (۱۳۸۰)، *نظریه‌های ارتباطات*، چ ۱۰، تهران: دانشگاه تهران.
۱۱. معینی‌فر، حسین (۱۳۸۸)، «بازنمایی کلیشه‌های جنسیتی در رسانه: مطالعه موردی صفحه حوادث روزنامه همشهری»، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، دوره ۲، ش ۷، ص ۱۲۰-۱۳۵.
۱۲. موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۶۹)، *صحیفه نور*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.



۱۳. مهدی زاده، سید محمد (۱۳۹۳)، نظریه‌های رسانه؛ دیدگاه‌ها و مطالعات رایج، تهران: انتشارات همشهری.

۱۴. ناییب، حمیدرضا (۱۳۹۶)، «مردم به این چهار دلیل اخبار جعلی را باور می‌کنند»، تاریخ بازبینی: ۱۳۹۶/۸/۲۶، دسترسی در:

[www.shabakeh-mag-network/7300](http://www.shabakeh-mag-network/7300)

۱۵. نیک‌نشان، شقایق، رضاعلی نوروزی و احمدرضا نصرافهانی (۱۳۸۹)، «تحلیلی بر رویکردهای روایی در پژوهش کیفی»، فصلنامه علمی پژوهشی روش‌شناسی علوم انسانی، سال ۱۶، ش ۶۲، ص ۹۶-۱۲۴.



## بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی و اخلاق سلامت

محسن رضائی آدریانی\*

### چکیده

در بهمن سال ۱۳۹۷، رهبر معظم انقلاب، مطالبی منتشر کردند که با عنوان «بیانیه گام دوم انقلاب» شهرت یافت. دومین توصیه ایشان در این بیانیه، «معنویت و اخلاق» است. این مقاله به مؤلفه‌های بیان شده در این بخش و ربط و نسبت آن با اخلاق پزشکی در کشور پرداخته است. این مطالعه به شیوه تحلیل محتوای بیانیه منتشر شده انجام گردید. نکات مربوط به اخلاق و اخلاق پزشکی در دو محور: الف) اخلاق و تمدن‌سازی و ب) مؤلفه‌های اخلاقی بیانیه، دسته‌بندی و تحلیل شدند. محور دوم، خود به سه بخش ۱) مبانی اخلاقی، ۲) اخلاق؛ جهت‌دهنده حرکت‌ها، نیاز جامعه و ۳) نقش سازمان در گسترش اخلاق تقسیم شد. امروزه نیاز اصلی سامانه سلامت، رعایت اخلاق حرفه‌ای فردی است. با وجود تلاش‌های ارزشمند و پیشرفت‌های اخلاق پزشکی کشور، ارتقای روزافزون اخلاق سلامت برای رسیدن به افق تمدن نوین اسلامی مستلزم کار جهادی و تلاش فوق‌العاده است.

\* استادیار گروه فلسفه و اخلاق سلامت، دانشکده سلامت و دین، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران.



در کنار اهمیت اخلاق فردی، اخلاق سازمانی و اخلاقی بودن مجموعه مدیریتی نظام سلامت کشور نیز اهمیت دارد. سیاست‌گذاری‌های کلان، میانی و خرد باید بر مبنای مراعات اصول و قواعد اخلاق پزشکی باشد.

## کلیدواژه‌ها

انقلاب اسلامی، بیانیه گام دوم، تمدن نوین اسلامی، اخلاق، اخلاق سلامت.

## مقدمه

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، میثاق ملی همه مردم کشور است. اصل یکصد و نهم آن، وظایف و اختیارات رهبر را برشمرده است. بر اساس بند اول این اصل، «تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران، پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام، بر عهده رهبر است» (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۵۸).

«به مناسبت چهلمین سالروز پیروزی انقلاب اسلامی و ورود جمهوری اسلامی به فصل جدیدی از زندگی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در بیانیه‌ای مهم و راهبردی، با تشکر از حضور سرافرازانه و دشمن‌شکن مردم در راهپیمایی ۲۲ بهمن، به تبیین ویژگی‌های مسیر پرافتخار پیموده‌شده در چهل سال گذشته و برکات خیره‌کننده انقلاب اسلامی در رساندن ایران عزیز به جایگاه شایسته ملت پرداختند و با تأکید بر امید واقع‌بینانه به آینده و نقش بی‌بدیل جوانان در برداشتن گام بزرگ دوم به سمت آرمان‌ها، خطاب به جوانان و آینده‌سازان ایران مقتدر، الزامات این جهاد بزرگ را در هفت سرفصل اساسی بیان کردند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷). این متن در جامعه با عنوان «بیانیه گام دوم انقلاب» شهرت یافته است.

در بخش اول این بیانیه، «سرفصل‌های عمده در سرگذشت چهل ساله انقلاب اسلامی» ارائه شده است. مقام معظم رهبری در بخش دوم، با اشاره به «محصول



تلاش چهل ساله انقلاب»، فرصت‌های موجود کشور را برشمردند. در بخش سوم، ایشان طی چند سرفصل اساسی، «توصیه‌هایی به فرزندان عزیزشان، جوانان کشور» دارند. دومین توصیه ایشان در این بیانیه، «معنویت و اخلاق» است (مقیمی، ۱۳۹۷؛ نظری، ۱۴۰۰).

به نظر می‌رسد وظیفه پژوهشگران، تحلیل و تبیین بخش‌های این بیانیه است (پورعباسی و دیگران، ۱۳۹۹؛ علی‌پور، ۱۴۰۰؛ گودرزی و دیگران، ۱۳۹۹). مدیران و مسئولان نیز باید همه‌همت و تلاش خود را برای اجرایی شدن آن به کار ببندند (رهنمایی، ۱۳۹۹؛ پورعباسی و دیگران، ۱۳۹۸؛ آیت‌اللهی، ۱۳۹۹؛ رشیدی و دیگران، ۱۳۹۸).

در دو دهه اخیر در کشور ما تلاش شده است به موضوع اخلاق به‌طور اختصاصی پرداخته شود و رشته دانشگاهی با همین عنوان راه‌اندازی شده است. همچنین، تلاش شده اصول و قواعد اخلاق پزشکی در مراکز ارائه خدمات سلامت (بهداشت و درمان) جاری شود. هرچند این راه طولانی است، اما نباید از هیچ کوششی در این راه فروگذار کرد.

از آنجایی که مؤلفه‌های فرهنگ عمومی جامعه بر اصول و قواعد و برون‌دادهای اخلاق پزشکی، اثر مستقیم دارد، باید تلاش کرد این موضوعات در نسبت تنگاتنگی با مؤلفه‌های فرهنگی جامعه ما قرار گیرند. بنا به اهمیت بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی به‌عنوان نقشه راه کشور در چهل ساله دوم انقلاب و نیز از آن رو که بررسی‌ها نشان داد هیچ‌یک از مقالات موجود، از این منظر (اخلاق سلامت) و به‌طور اختصاصی به بیانیه نپرداخته‌اند، این مقاله به مؤلفه‌های بیان شده در این باره و ربط و نسبت آن با «اخلاق سلامت»<sup>۱</sup> در کشور خواهد پرداخت.

۱. به نظر می‌رسد عبارت «اخلاق سلامت»، جامع‌تر از تعبیر «اخلاق پزشکی» است. این عبارت به تعامل همه ارائه‌کنندگان با تمام گیرندگان خدمات در نظام سلامت کشور و تعامل همه حرفه‌مندان سلامت با گیرندگان خدمات اشاره دارد و این تعامل را به رابطه «پزشک و بیمار» منحصر نمی‌کند.



این مطالعه به شیوه تحلیل محتوا انجام شد. عنوان دومین توصیه بیانیه «معنویت و اخلاق» است. متن توصیه با تمرکز بر محتواهایی که به طور مستقیم به اخلاق مربوط می‌شود، از منظر اخلاق پزشکی تحلیل گردید.

مقدمه بیانیه نشان می‌دهد یکی از رویکردهای اصلی آن، «تمدن‌سازی» است. بر اساس ارتباط تمدن‌سازی و اخلاق، مطالب مربوط به تمدن‌سازی از متن، استخراج و در محور «الف» یافته‌ها تحلیل شد. دومین توصیه با عنوان «معنویت و اخلاق» بیان شده است. در ابتدای این توصیه، تعریف و مقصود رهبر معظم انقلاب از معنویت و سپس، اخلاق، بیان شده است. پس از آن، در چند جمله با اشاره به هردو مفهوم، به نکات مشترک آن‌ها پرداخته‌اند. در آخرین بند، عملکرد «کانون‌های ضد معنویت و ضد اخلاق» و لزوم مقابله با آن‌ها بیان شده است.

مطالب حاصل از تحلیل متن بیانیه با تمرکز بر محتواهایی که به طور مستقیم به اخلاق مربوط می‌شود و از منظر اخلاق پزشکی در دو محور «الف» و «ب» دسته‌بندی و تحلیل شد. محور دوم خود به سه بخش «ب. ۱ تا ب. ۳» تقسیم گردید.

### الف) اخلاق و تمدن‌سازی

به نظر می‌رسد یک رویکرد مهم این بیانیه، «تمدن‌سازی» است (ابراهیمی کیایی، بوذری‌نژاد، ۱۴۰۰؛ علی‌پور، ۱۴۰۰). در بخش مقدمه این بیانیه آمده است: «انقلاب پرشکوه ملت ایران... تنها انقلابی است که اینک وارد دومین مرحله خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی شده است». در ادامه و در همین بخش، ایشان خطاب به «جوانان» فرموده‌اند: «عزیزان... دهه‌های آینده، دهه‌های شماسست و شما باید کارآموده و پرانگیزه از انقلاب خود حراست کنید و آن را هرچه بیشتر به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواحنا فداه) است، نزدیک کنید».



## اخلاق؛ یکی از شعارهای زنده انقلاب اسلامی

ایشان در همین بخش مقدمه به این نکته مهم توجه می‌دهند که «برای همه چیز می‌توان طول عمر مفید و تاریخ مصرف فرض کرد، اما شعارهای جهانی این انقلاب دینی از این قاعده مستثناست. آن‌ها هرگز بی‌مصرف و بی‌فایده نخواهند شد؛ زیرا فطرت بشر در همه عصرها با آن‌ها سرشته است. آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، عقلانیت و برادری هیچ‌یک به یک نسل و یک جامعه مربوط نیست تا در دوره‌ای بدرخشد و در دوره‌ای دیگر افول کند. هرگز نمی‌توان مردمی را تصور کرد که از این چشم‌اندازهای مبارک دل‌زده شوند. هرگاه دل‌زدگی پیش آمده، از روی گردانی مسئولان از این ارزش‌های دینی بوده است و نه از پایبندی به آن‌ها و کوشش برای تحقق آن‌ها».

## افزایش چشمگیر اخلاق در فضای عمومی جامعه؛ یکی از برکات انقلاب اسلامی

در ادامه مطلب، ایشان به روند اخلاق و معنویت در فضای انقلاب اسلامی پرداخته‌اند و بیان کرده‌اند که «انقلاب... عیار معنویت و اخلاق را در فضای عمومی جامعه به گونه‌ای چشمگیر افزایش داد. این پدیده مبارک را رفتار و منش حضرت امام خمینی در طول دوران مبارزه و پس از پیروزی انقلاب، بیش از هر چیز رواج داد. آن انسان معنوی و عارف و وارسته از پیرایه‌های مادی، در رأس کشوری قرار گرفت که مایه‌های ایمان مردمش بسی ریشه‌دار و عمیق بود.

هرچند دست تطاول تبلیغات مروج فساد و بی‌بندوباری در طول دوران پهلوی‌ها به آن ضربه‌های سخت زده و لجن‌زاری از آلودگی اخلاقی غربی را به درون زندگی مردم متوسط و به‌خصوص جوانان کشانده بود، ولی رویکرد دینی و اخلاقی در جمهوری اسلامی، دل‌های مستعد و نورانی به‌ویژه جوانان را مجذوب کرد و فضا به سود دین و اخلاق دگرگون شد... و این‌ها همه در دورانی اتفاق افتاده که سقوط اخلاقی روزافزون غرب و پیروانش و تبلیغات پر حجم آنان برای کشاندن مرد و زن



به لجن‌زارهای فساد، اخلاق و معنویت را در بخش‌های عمدهٔ عالم منزوی کرده است. و این معجزه‌ای دیگر از انقلاب و نظام اسلامی فعال و پیش‌رو است.»

### جوانان؛ محور تحقق نظام پیشرفتهٔ اسلامی

برای گسترش اخلاق به‌ویژه در نظام سلامت، پیشران‌هایی نیاز است که ایشان در ادامه به یکی از آن‌ها اشاره دارند: «اما راه طی شده فقط قطعه‌ای از مسیر افتخارآمیز به‌سوی آرمان‌های بلند نظام جمهوری اسلامی است. دنبالهٔ این مسیر که به گمان زیاد، به دشواری گذشته‌ها نیست، باید با همت و هشیاری و سرعت عمل و ابتکار شما جوانان طی شود. مدیران جوان، کارگزاران جوان، اندیشمندان جوان، فعالان جوان در همهٔ میدان‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و بین‌المللی و نیز در عرصه‌های دین و اخلاق و معنویت و عدالت باید شانه‌های خود را به زیر بار مسئولیت دهند، از تجربه‌ها و عبرت‌های گذشته بهره گیرند، نگاه انقلابی و روحیهٔ انقلابی و عمل جهادی را به کار بندند و ایران عزیز را الگوی کامل نظام پیشرفتهٔ اسلامی بسازند.»

### ب) مؤلفه‌های اخلاقی بیانیه

بررسی متن بیانیه نشان می‌دهد مؤلفه‌هایی از اخلاق در آن دیده شده است. دومین توصیه از هفت توصیهٔ بیانیه با عنوان «معنویت و اخلاق» بیان گردیده است؛ «معنویت و اخلاق: معنویت به‌معنی برجسته کردن ارزش‌های معنوی از قبیل: اخلاص، ایثار، توکل، ایمان، در خود و در جامعه است و اخلاق به‌معنی رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راست‌گویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکوست.»

معنویت و اخلاق، جهت‌دهندهٔ همهٔ حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است. بودن آن‌ها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی،





بهشت می‌سازد و نبودن آن‌ها حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند. شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه هرچه بیشتر رشد کند، برکات بیشتری به بار می‌آورد. این، بی‌گمان محتاج جهاد و تلاش است و این تلاش و جهاد، بدون همراهی حکومت‌ها توفیق چندانی نخواهد یافت. اخلاق و معنویت، البته با دستور و فرمان به دست نمی‌آید؛ پس حکومت‌ها نمی‌توانند آن را با قدرت قاهره ایجاد کنند، اما اولاً خود باید منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند و ثانیاً زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند و به نهادهای اجتماعی در این باره میدان دهند و کمک برسانند. با کانون‌های ضد معنویت و اخلاق به‌شیوه معقول بستیزند و خلاصه، اجازه ندهند که جهنمی‌ها مردم را با زور و فریب، جهنمی کنند.

ابزارهای رسانه‌ای پیشرفته و فراگیر، امکان بسیار خطرناکی در اختیار کانون‌های ضد معنویت و ضد اخلاق نهاده است و هم‌اکنون تهاجم روزافزون دشمنان به دل‌های پاک جوانان و نوجوانان و حتی نونهالان را با بهره‌گیری از این ابزارها به چشم خود می‌بینیم. دستگاه‌های مسئول حکومتی در این باره وظایفی سنگین بر عهده دارند که باید هوشمندانه و کاملاً مسئولانه صورت گیرد. و این البته به معنی رفع مسئولیت از اشخاص و نهادهای غیرحکومتی نیست. در دوره پیش‌رو باید در این باره برنامه‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت جامعی تنظیم و اجرا شود؛ ان شاء الله.

## بحث

دومین توصیه از هفت توصیه‌ی بیانیه با عنوان «معنویت و اخلاق» بیان‌گردیده است. مطالبی که در این توصیه بیان شده، این دو موضوع را تا حدودی شرح و بسط داده است. با عنایت به رویکرد این نوشته، تحلیل مؤلفه‌های اخلاقی کل بیانیه، به‌ویژه مطالب بیان‌شده در دومین توصیه، نکاتی را نشان می‌دهد. دسته‌بندی مطالب به‌دست آمده به صورت زیر است.





## ب. ۱) مبانی اخلاقی

در این توصیه، «اخلاق به معنای رعایت فضیلت‌ها»ی اخلاقی و «خلقیات نیکو» تعریف شده است. آنچه در نگاه اول به این تعریف به ذهن می‌آید این است که مبنای این تعریف، فضیلت‌گرایی ارسطویی است. شاید این رویکرد به این دلیل است که اخلاق اسلامی تدوین شده به دست اندیشمندان مسلمان از ورود آثار ارسطو به حوزه این اندیشمندان متأثر شده است (اسلامی، ۱۳۸۷).

این تأثیر، در میان علمای اخلاق اسلامی، عمومیت دارد (اترک، ۱۳۹۳؛ رضازاده و میری، ۱۳۹۳). به نظر می‌رسد یکی از علل این تأثیرپذیری، قرابت فضیلت‌گرایی با آموزه‌های اسلام است. بخشی از آموزه‌های اسلام، تأکید بر رشد فضیلت‌های اخلاقی و زدودن رذیلت‌های اخلاقی از خود است. در آموزه‌های اسلام، بر کسب «فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راست‌گویی، شجاعت، تواضع و اعتماد به نفس» توصیه شده است. علاوه بر توصیه به کسب این فضیلت‌ها، تأکید شده است که انسان باید رذیلت‌هایی چون خودخواهی، گذشت نکردن، خوردن مال ضعفا، دروغ‌گویی، ترسوئی، غرور و تکبر و ضعف نفس را از خود دور کند.

با این حال، باید به دقت به این نکته توجه داشت که با وجود توصیه و تأکید اسلام بر رشد فضیلت‌های اخلاقی و زدودن رذایل اخلاقی، به نظر می‌رسد اسلام چیزی فراتر از فضیلت‌گرایی است. آموزه‌های اخلاقی اسلام نقاط مثبت هر سه مکتب عمده نتیجه‌گرایی، وظیفه‌گرایی و فضیلت‌گرایی را دارد، اما به نظر می‌رسد چیزی فراتر از همه این‌هاست و بهتر است آموزه‌های اسلام را «حق‌گرا» بدانیم.

## ب. ۲) اخلاق؛ جهت‌دهنده حرکت‌ها، نیاز جامعه

بنا به فرموده رهبر معظم انقلاب اسلامی، «حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی» انسان‌ها، به راهنما و «جهت‌دهنده» نیاز دارد و اخلاق (و معنویت) این نقش را

برعهده دارند. به لطف خداوند متعال با تلاش تک تک حرفه‌مندان در حوزه سلامت، در چهل ساله اول انقلاب توفیق یافتیم بنا بر اذعان کارشناسان بین‌المللی، در بسیاری از شاخص‌های سلامت، رشد حیرت‌انگیز داشته باشیم (Asadi Lari, Sayyari, Akbari, & Gray, 2004; Lankarani, Alavian, & Peymani, 2013). بر پایه گزارش عمومی مرکز مدیریت بیماری‌های وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، کشور ما در سال ۱۳۷۵ موفق به حذف کزاز نوزادی، در سال ۱۳۸۰ موفق به دریافت تأییدیه سند کشوری پاک‌شدن از فلج اطفال از سازمان جهانی بهداشت و در سال ۱۳۹۸ موفق به دریافت تأییدیه حذف دو بیماری سرخک و سرخجه از سازمان جهانی شده است. هم‌اکنون نظام سلامت کشور ما الگویی برای کشورهای منطقه است.

اما نکته قابل توجه این است که در کنار این پیشرفت کمی، از رشد کیفی متناسب برخوردار نبوده‌ایم. حوزه سلامت در کشور ما در خلال چهار دهه اخیر و همگام با رشد کمی خود، به‌طور متناسب از رشد عنصر جهت‌دهنده اخلاق سلامت، بهره‌مند نبوده است.

باید توجه داشت که در فرهنگ ایرانی اسلامی، معنویت و باورهای معنوی یکی از پایه‌های ثابت فکری جامعه است که در بزنگاه‌ها، جلوه بیشتری می‌یابد؛ مثلاً در جریان سال‌های پایانی مبارزات با رژیم ستم‌شاهی و خیزش عمومی مردم کشور، در سال‌های ابتدایی پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در دوران دفاع مقدس، بستر معنوی فرهنگ عمومی جامعه توانست ضعف در حوزه رشد متناسب اخلاق سلامت را به‌طور نسبی جبران کند؛ اما با پایان جنگ تحمیلی و عادی شدن نسبی اوضاع کشور، نیاز به معنویت و اخلاق در فضای عمومی کشور، به‌ویژه در حوزه سلامت، نمایان شده است. فضای معنوی جامعه طی «بیداری اسلامی» در دوران انقلاب اسلامی، «محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت» ساخته بود.



بر اساس شاخص‌های سازمان جهانی سلامت، پیش از انقلاب اسلامی، وضعیت سلامت مردم کشور در وضعیت مناسبی نبود. توطئه‌های مختلف نظام سلطه برای انقلاب نوپای اسلامی (به‌ویژه جنگ تحمیلی تمام‌عیار) در دهه اول بعد از انقلاب اسلامی، فرصت رشد کشور را در برخی ابعاد سلب نمود. امکانات و تجهیزات درمانی (حتی سرنگ ساده) در آن مقطع، بسیار اندک بود. با این حال، آن معنویت موجب شده بود رابطه دست‌اندرکاران سلامت با گیرندگان خدمات سلامت، رابطه‌ای بهشتی و سالم باشد. امروزه، «برخورداری مادی» در جامعه و امکانات و تجهیزات در حوزه سلامت، به مراتب بیشتر و بهتر از چهل سال پیش و دهه اول بعد از انقلاب اسلامی است؛ اما فضای کلی روابط ارائه‌کنندگان با گیرندگان خدمات سلامت، در وضعیت مطلوب، سالم و بهشتی‌گونه قرار ندارد.

بر پایه همین «نیاز اصلی جامعه»، همواره تلاش‌هایی برای رشد اخلاقی نظام سلامت صورت گرفته است، اما باید به این نکته توجه داشت که حرکت نوین، نظام‌مند و منسجم اخلاق پزشکی کشور، سابقه طولانی ندارد. حقیقت این است که پس از گذشت حدود شانزده سال بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران (از سال ۱۳۷۳)، حرکت اخلاق پزشکی کشور شروع شد. هرچند تا مدتی طولانی باید به طور مداوم آموزش داد تا کم‌کم گفتمان اخلاقی، گفتمان غالب نظام سلامت شود، نیاز کنونی جامعه به گسترش مؤلفه اخلاق به‌ویژه در جای‌جای نظام سلامت، نیازی ضروری و فوری است.

علاوه بر این، باید توجه داشت که بهبود الگوی اخلاقی، یک تغییر فرهنگ است و تغییرات فرهنگی، تغییراتی کند و تدریجی هستند. انتظار اصلاح کوتاه‌مدت یک نقص فرهنگی، انتظاری کاملاً نابه‌جاست. مثال واضحی که می‌توان بیان کرد، رعایت شاخص‌های بهداشت محیط در اماکن تهیه و توزیع مواد غذایی است. سال ۱۳۷۴ در کارآموزی بهداشت دوره پزشکی عمومی اینجانب و سال ۱۳۷۶ در کارورزی آن، متقاعد کردن صاحبان اماکن توزیع مواد غذایی برای بهسازی مغازه و



رعایت موازین بهداشتی فضای فیزیکی مغازه، کار بسیار سختی بود. با پیگیری و ممارست و آموزش‌های مستمری که کارشناسان بهداشت محیط در کشورمان داشته‌اند (و البته فراهم شدن زیرساخت‌ها مثل تولید فراوان کاشی و سرامیک در کشور)، امروزه به جایی رسیده‌ایم که بدون اجبار از طرف بهداشت محیط، بیشتر مغازه‌ها بر اساس همین شاخص‌ها ساخته می‌شوند و موازین بهداشتی در مغازه‌ها از ابتدا مراعات می‌گردد.

البته توجه به این مهم هم خالی از لطف نیست که با وجود گُند و زمان‌بر بودن تغییرات فرهنگی، به نظر می‌رسد سرعت حرکت مجموعه اخلاق پزشکی در مقابل نیاز موجود ناکافی است. اخلاق پزشکی کشور باید برای رسیدن به افق تمدن نوین اسلامی سریع‌تر حرکت کند. حرکت در مسیر رسیدن به این افق، کار جهادی و تلاش فوق‌العاده می‌طلبد؛ از همین روست که در این بیانیه تأکید شده است: «وجدان اخلاقی در جامعه هرچه بیشتر رشد کند، برکات بیشتری به بار می‌آورد. این بی‌گمان محتاج جهاد و تلاش است».

### ب. ۳) نقش سازمان در گسترش اخلاق

بر اساس برخی تعاریف، اخلاق، حوزه بایدها و نبایدهاست؛ از این رو، اختیار فرد در آن نقش برجسته‌ای دارد. به تعبیر دیگر، اگر قدرت انتخاب فرد نادیده گرفته شود و اجبار به میان آید، صبغه اخلاقی آن تضعیف می‌شود و بیشتر به قانون شباهت پیدا می‌کند. درست است که قوانین نیز اخلاقی هستند و اخلاق و حقوق، وجوه مشترک دارند، اما اخلاق چیزی دیگر و با قانون متفاوت است. این حقیقت با تعبیری زیبا در بیانیه گفته شده است: «اخلاق... البته با دستور و فرمان به دست نمی‌آید؛ پس حکومت‌ها نمی‌توانند آن را با قدرت قاهره ایجاد کنند».

در عین حال، باید توجه داشت که تلاش‌ها برای رشد اخلاقی جامعه «بدون همراهی حکومت‌ها توفیق چندانی نخواهد یافت». هریک از کارکنان نظام سلامت





در بخش دولتی یا خصوصی، خود باید با اختیار خود رفتار اخلاقی را انتخاب و عملی کنند، اما نهاد و سازمان حرفه‌ای هم در این میان نقش مهمی دارد. «جو اخلاقی» که فرد در آن مشغول است، نقش مهمی در بروز رفتار صحیح او دارد. وقتی بر مرکز ارائه خدمات سلامت تا بالاترین سطوح نظام سلامت، جو اخلاقی صحیحی حاکم و غالب باشد، افراد دارای انگیزه اخلاقی صحیح، راحت‌تر و بهتر می‌توانند رفتار صحیح از خود نشان دهند. اما در آن نظام سلامت که سیاست‌های کلان، میانی و خُرد بر مبنایی درست بنا نهاده نشده باشد یا بدتر از آن، در تزاخم منافع گیرنده خدمات سلامت با منافع سازمان، آگاهانه و عمدتاً منافع سازمان بر منافع گیرنده خدمات اولویت داده شود، انتظار رفتار مطابق با اصول و قواعد اخلاق پزشکی از یک حرفه‌مند سلامت، انتظاری غیرواقعی است.

چندین محور از سیاست‌های کلان نظام سلامت، به‌طور مستقیم و غیرمستقیم به اخلاق پرداخته است. آنچه مهم است اجرای این سیاست‌هاست. سیاست‌گذاری وزارت بهداشت و آیین‌نامه‌های آن باید بر مبنای اصول اخلاق پزشکی اسلامی باشد. جای جای این سیاست‌ها باید اخلاقی باشد و به «رواج» بایسته‌های اخلاقی در نظام سلامت منجر شوند. باید به شورای عالی اخلاق سلامت وزارت، به میزان کافی «میدان» داده شود و به آن «کمک» شود. این شورا باید برای اعضای آن، مهم‌ترین شورایی باشد که در آن شرکت می‌کنند. در سطوح میانی و خُرد نظام سلامت هم باید چنین باشد. مدیران اجرایی با مشکلات متعدد روزمره روبه‌رو هستند؛ اما دغدغه اصلی آن‌ها باید «رواج» تعاملات صحیح اخلاقی باشد تا اخلاق «رواج» یابد و به جایگاه شایسته خود برسد.

مثال واضح از نقش حاکمیت در رواج اصول و قواعد اخلاق پزشکی، کمیته اخلاق در پژوهش‌های زیست‌پزشکی است. استقرار این کمیته‌ها طی سال‌های متمدای و به‌روزشدن آن در سال‌های اخیر و استفاده از ابزارهای نوین و سامانه‌ها همراه با حمایت حاکمیتی در کنار مقابله قاطع با وقایع غیراخلاقی، موجب شده

است گفتمان اخلاق در پژوهش در حال حاضر به گفتمانی رایج در حوزه پژوهش در دانشگاه‌های علوم پزشکی تبدیل شود. «رواج» اخلاق در حوزه پژوهش به وضوح دیده می‌شود؛ هرچند تا رسیدن به سطوح مطلوب، راه زیادی در پیش است (enjoo, 2011). این امر باید در دیگر معاونت‌ها هم اتفاق بیفتد. کمیته اخلاق در آموزش و کمیته اخلاق بالینی در ابتدای راه هستند. با توجه به نیاز فوری به «رواج» اخلاق سلامت در بالین، لازم است عملکرد کمیته بالینی سرعت بیشتری بگیرد.

به نظر می‌رسد یک رویکرد مهم این بیانیه، «ایجاد تمدن‌سازی» و «آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواحنا فداه)» است. «یکی از وعده‌های حتمی خداوند به بشریت، ایجاد تمدنی جهانی، فراگیر و کامل برای سعادت حقیقی بشر در آخرالزمان است» (خوشدونی و شب دینی پاشاکی، ۱۳۹۶). مفهوم آیات متعددی از قرآن کریم، دلالت بر این دارد که شایستگان، حاکم (انبیاء، ۱۰۵) و خلیفه خداوند (نور، ۵۵) در زمین خواهند شد. همچنین، تفکر مهدویت و انتظار ظهور حضرت حجت (عج) از تفکرات بنیادین شیعه است (غنوی، ۱۳۹۱). بر پایه نظریه مهدویت، ایشان بعد از ظهور و غلبه بر دشمنان، حکومت جهانی تشکیل خواهند داد.

پیش از حکومت ایشان، جهان پر از ظلم و جور خواهد شد و حکومت ایشان، جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد (طبسی، ۱۳۸۴). بر اساس این اعتقاد، همه شیعیان وظیفه دارند تمام تلاش خود را برای تحقق ظهور آن حضرت به کار ببندند (نصیری، ۱۳۸۷). روایات رسیده از اهل بیت علیهم‌السلام دلالت بر این دارد که یکی از مهم‌ترین و برترین کارها، انتظار (موسوی، ۱۳۹۶) و زمینه‌سازی برای ظهور آن حضرت است (بهرز لک، ۱۳۸۸).

برای ایجاد آمادگی در جامعه و زمینه‌سازی ظهور و نیز در فرآیند تمدن‌سازی، اخلاق جایگاه مهمی به خود اختصاص می‌دهد (اخوان کاظمی، ۱۳۸۹). یکی از





عناصر مهم تمدن‌سازی در فرهنگ اسلامی، اخلاق‌گرایی است (وحیدی‌منش، ۱۳۸۶) و از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی، یکی از چهار رکن تمدن اسلامی، اخلاق است (جهان‌بین و معینی‌پور، ۱۳۹۳؛ منزوی‌بزرگی و حبیبیان، ۱۳۹۵) نظریه‌پردازان دینی دیگر، از جمله علامه جوادی آملی هم بر این نکته تأکید دارند که تمدن متعالی، نتیجه پیشرفت در ساحت‌های جامعه از جمله سنت‌های اخلاقی است (امیدی، ۱۴۹۳) از سوی دیگر، تمدن اسلامی می‌تواند اخلاق والا را به امت اسلامی هدیه دهد (منزوی‌بزرگی، حبیبیان، ۱۳۹۵).

بنابراین، می‌توان این دو را لازم و ملزوم یکدیگر دانست. به بیان دیگر، یکی از پایه‌های رشد و از الزامات بقای هر تمدنی، پیشرفت در زمینه اخلاق است. برای ایجاد تمدن نوین اسلامی، رشد جامعه در حداقل‌های اخلاق، ضروری است و استقرار تمدن اسلامی، رشد فزاینده اخلاق و رسیدن جامعه به اوج اخلاق را موجب خواهد شد. پیشرفت مادی همچون رشد جسمی است و اخلاق برای جامعه همچون رشد جان است. اخلاق، بالاترین سرمایه هر جامعه است و «نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند».

وقتی قرار است جامعه ما به سوی تمدن نوین اسلامی پیش برود، رشد اخلاقی برای آن، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. یکی از بخش‌های مهم جامعه و هر تمدنی، حوزه سلامت (بهداشت و درمان) است؛ از این رو، رشد کمی حوزه سلامت، بدون رشد اخلاق سلامت و بدون رعایت اصول و قواعد اخلاق پزشکی در جای‌جای نظام سلامت، نتیجه مطلوبی نخواهد داشت. در جامعه اسلامی ما، هدف باید دستیابی به سطح قابل‌قبولی از رعایت اصول و قواعد اخلاق پزشکی در حوزه سلامت باشد. نقطه اوج رعایت اخلاق پزشکی، با استقرار و حاکمیت تمدن اسلامی محقق خواهد شد.

وضعیت کنونی نظام سلامت در مقایسه با چهل سال پیش، اصلاً قابل‌مقایسه نیست. نظام سلامت کشور ما اکنون در وضعیتی است که به بسیاری از



شاخص‌های سلامت، دست‌یافته است (اذانگوخیای و کلاهی، ۱۳۹۹) و در بسیاری از شاخص‌های سلامت، بالاتر از میانگین جهانی و منطقه غرب آسیا قرار داریم (Delavari et al., 2016؛ یوسفی‌نژادی، سوری و محمدی، ۱۳۹۷؛ رفیعی، جهانگیری‌راد و صوفی‌کریمی، ۱۳۹۸). امروزه همگام با بهترین مراکز درمانی دنیا، در مراکز درمانی کشور ما بخش مراقبت قلبی (Coronary Care Unit (CCU)) دایر است و خدمات‌رسانی دارد. جراحی پیوند کلیه و پیوند کبد و حتی پیوند قلب و ریه انجام می‌شود. مراقبت‌های جدی و مهم به‌خوبی انجام شده است، اما حقوق بیمار و خانواده در همان سطح و به همان میزان خدمات، رعایت نشده است (کشاورز و دیگران، ۱۳۹۳). بین میزان خدمات ارائه‌شده و سطح رضایت بیمار/ خانواده اختلاف جدی وجود دارد (انصاری، عبادی‌فردآذر و ملاصادقی، ۱۳۸۳).

میزان نارضایتی بیماران از نحوه ارتباط خدمات‌دهندگان و مهارت‌های حرفه‌ای، تقریباً دو برابر نارضایتی از دسترسی به دارو و خدمات گزارش شده است (شارمی، ظهیری سروری و زنده‌دل، ۱۳۸۷). پژوهش‌های متعددی رضایت بیماران را از مراکز درمانی نسبتاً خوب گزارش کرده‌اند؛ اما در برخی موارد، دست‌کم یک‌سوم (فرزیان‌پور و گودرزی، ۱۳۹۳) و در برخی موارد، یک‌چهارم بیماران (نجفی دولت‌آبادی و دیگران، ۱۳۸۹) از آن مراکز راضی نبوده‌اند. اینجاست که با وجود امکانات رفاهی بیمارستان و رفتار بسیار خوب تعداد زیادی از همکاران مراکز، به دلیل همگانی نبودن تعامل درست کارکنان با بیماران، تعداد بسیاری از بیماران با خاطری رنجیده از بیمارستان خارج می‌شوند.



## نتیجه‌گیری

برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی و زمینه‌سازی برای ظهور، اخلاق صحیح باید در عموم بخش‌های جامعه، به‌ویژه در مراکز ارائه خدمات سلامت، حاکم باشد. بایسته‌های اخلاقی یکی از شعارهای انقلاب اسلامی است که همواره طراوت و تازگی آن پابرجاست.

در سال‌های ابتدایی پیروزی انقلاب اسلامی، به‌ویژه در دوران دفاع مقدس، اخلاق شایسته و فضایل اخلاقی در فضای عمومی جامعه و نیز در مراکز درمانی و در میان کارکنان گسترش خوبی داشت. نویسنده این مقاله بر اساس دانش اندک و تجربه مختصر خود در بخش‌های مختلف نظام سلامت، برخی نقاط قوت اخلاقی نظام سلامت را برشمرده است. یقیناً نقد خوانندگان محترم به این متن و رفع نقایص آن با مقالات وزین پژوهشگران محترم، جبران کاستی‌ها را خواهد نمود و ادبیات این موضوع را رشد خواهد داد و غنا خواهد بخشید.

طی دهه‌های سوم و چهارم انقلاب اسلامی، با وجود گسترش و پیشرفت امکانات مادی در مراکز درمانی و بهبود امکانات بیمارستان‌ها، به‌دلیل گسترش نیافتن هم‌زمان اخلاق صحیح و ارتقایافتن سطح تعامل درست با بیمار، برخی از بیماران با نارضایتی و خاطری رنجیده از بیمارستان خارج می‌شوند. یقیناً معضلات حوزه اخلاق سلامت به آنچه در این مقاله مطرح شد، منحصر نیست. نظام سلامت ما با مسائل اخلاقی زیادی از جمله مسائل اخلاقی، اقتصادی، علمی، فرهنگی و سیاسی روبه‌روست که این مقاله مجال پرداختن به آن‌ها را ندارد. تلاش پژوهشگران محترم یقیناً به‌خوبی خواهد توانست این مسائل و راه‌حل آن‌ها بر اساس این بیانیه را تبیین کند.

وظیفه جوانان این است که با تلاش جهادی، اخلاق شایسته را در جامعه و به‌ویژه در مراکز خدمات سلامت رشد و گسترش دهند. با توجه به نیاز فوری به «رواج» اخلاق سلامت در بالین، لازم است عملکرد کمیته بالینی سرعت بیشتری بگیرد.



## کتاب‌نامه

۱. آیت‌اللهی، حمیدرضا (۱۳۹۹)، «پیش‌گفتار: بررسی دلالت‌های اجرایی بیانیه‌ی مقام معظم رهبری درباره‌ی راهبردهای گام دوم انقلاب در خصوص رشد اخلاقی در حوزه سلامت»، *مجله فرهنگ و ارتقای سلامت*، سال ۴، ش ۴، ص ۳۶۲-۳۶۳.
۲. ابراهیمی کیایی، هادی و یحیی بوذری نژاد (۱۴۰۰)، «نقش آیت‌الله خامنه‌ای در احیای تمدن اسلامی با تکیه بر بیانیه‌ی گام دوم انقلاب»، *بصیرت و تربیت اسلامی*، سال ۱۸، ش ۵۶، ص ۹۱-۱۱۲.
۳. اترک، حسین (۱۳۹۳)، «فضیلت‌گرایی اخلاقی ابن‌سینا»، *پژوهش‌نامه اخلاق*، سال ۷، ش ۲۴، ص ۲۵-۴۴.
۴. اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۹)، «تبیین نقش راهبردی فرهنگ در زمینه‌سازی ظهور»، *فصلنامه مشرق موعود*، سال ۴، ش ۱۳، ص ۵-۳۹.
۵. اذانگوخی‌اوی، محمدرضا و علی‌اکبر کلاهی (۱۳۹۹)، «شاخص‌های جهانی سلامت: تغییرات و واقعیت‌های جدید»، *سلامت اجتماعی*، سال ۷، ش ۴، ص ۳۴۷-۳۵۹.
۶. اسلامی، سیدحسن (۱۳۸۷)، «اخلاق فضیلت‌مدار و نسبت آن با اخلاق اسلامی»، *پژوهش‌نامه اخلاق*، سال ۱، ش ۱، ص ۱-۲۲.
۷. امیدی، مهدی (۱۳۹۴)، «تعقل و تدین در ساحت‌های تمدن از منظر حکیم متاله جوادی آملی»، *فصلنامه نقد و نظر*، سال ۱۹، ش ۲، ص ۱۴۳-۱۱۷.
۸. انصاری، حسین، فرید عبادی‌فردآذر و غلامعلی ملاصادقی (۱۳۸۳)، «میزان رضایت بیماران در بیمارستان‌های تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی ایران»، *مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند*، سال ۱۱، ش ۳، ص ۳۸-۴۵.
۹. بهروز لک، غلامرضا (۱۳۸۸)، «انتظار فرج بزرگ‌ترین فرج است»، *انتظار موعود*، سال ۹، ش ۲۹، ص ۵-۶.





۱۰. پورعباسی، عطاءالله، زهرا خیری، سیدحسن امامی رضوی، شهرام یزدانی، حسین قنبری آلانق، علی اکبر حق دوست (۱۳۹۹)، «الگوی شش وجهی تعالی دانشگاه‌ها؛ ضامن اعتلای نظام سلامت در راستای تحقق گام دوم انقلاب اسلامی»، *طب و ترکیه*، سال ۲۹، ش ۳، ص ۱۷۱-۱۸۲.
۱۱. پورعباسی، عطاءالله، سیدحسن امامی رضوی، زهرا خیری، سلمازسادات نقوی الحسینی و باقر لاریجانی (۱۳۹۸)، «تبیین جایگاه بیانیه گام دوم انقلاب در اسناد سیاستی جمهوری اسلامی ایران و الگوی پیاده‌سازی مفاهیم آن در نظام آموزش عالی سلامت»، *طب و ترکیه*، سال ۲۸، ش ۳، ص ۱-۱۰.
۱۲. جهان‌بین، فرزاد و مسعود معینی پور (۱۳۹۳)، «فرآیند تحقق تمدن اسلامی از منظر حضرت آیت الله خامنه‌ای»، *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی*، سال ۱۱، ش ۳۹، ص ۲۹-۴۶.
۱۳. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۷)، «بیانیه مهم و راهبردی در چهلمین سالروز پیروزی انقلاب اسلامی»، بازیابی شده در تاریخ ۱۴۰۱/۰۵/۰۳، *پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری*.
- <https://www.leader.ir/fa/content/22734/>
۱۴. خوشدونی، مهدی و محمد شب دینی پاشاکی (۱۳۹۶)، «بررسی ویژگی‌ها و شاخص‌های تمدن آخرالزمان از منظر قرآن کریم با تحلیل همانندی‌های آن با حکومت‌های اولیای الهی»، *فصلنامه مشرق موعود*، سال ۱۱، ش ۴۳، ص ۱۸۹-۲۱۶.
۱۵. رشیدی، امیرحسین، محمدصادق نصرت‌پناه و محمدحسین مرادی (۱۳۹۸)، «تحلیل گفتمان انتقادی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی با بهره‌گیری از روش نورمن فرکلاف»، *مطالعات راهبردی بسیج*، سال ۲۲، ش ۸۳، ص ۳۹-۶۵.
۱۶. رضازاده، رضا و پریچهر میری (۱۳۹۳)، «بازخوانی نظریه اخلاقی ملاصدرا با تکیه بر فضیلت‌گرایی معاصر»، *نشریه حکمت صدرایی*، سال ۳، ش ۱، ص ۹۷-۱۰۸.



۱۷. رفیعی، محمد، مهسا جهانگیری راد و فاطمه صوفی کریمی (۱۳۹۸)، «تجزیه و تحلیل شاخص های توسعه پایدار ایران در بخش های جمعیت و بهداشت»، نشریه مهندسی بهداشت محیط، سال ۶، ش ۳، ص ۲۶۵-۲۸۰.
۱۸. رهنمایی، سیداحمد (۱۳۹۹)، «ماندگاری بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی مبتنی بر مبانی فطری و کلامی»، اندیشه نوین دینی، سال ۱۶، ش ۶۱، ص ۱۸۵-۲۰۴.
۱۹. شارمی، سیده هاجر، زیبا ظهیری سروری و مانوش زنده دل (۱۳۸۷)، «بررسی میزان رضایتمندی مراجعه کنندگان واحد مراقبت های پیش از زایمان در بیمارستان های دولتی شهر رشت»، مجله دانشگاه علوم پزشکی گیلان، سال ۱۷، ش ۶۶، ص ۳۷-۲۹.
۲۰. طبسی، نجم الدین (۱۳۸۴)، «بررسی احادیث عدالت مهدوی»، انتظار موعود، سال ۵، ش ۱۵، ص ۲۱۱-۲۲۶.
۲۱. علی پور، فاطمه (۱۴۰۰)، «واکاوی مؤلفه های تربیت انقلابی زمینه ساز تمدن اسلامی: پژوهشی مبتنی بر تحلیل مضمون بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی»، پژوهش در آموزش معارف و تربیت اسلامی، سال ۲، ش ۱، ص ۶۹-۱۰۰.
۲۲. غنوی، امیر (۱۳۹۱)، «طرح اندیشه مهدویت در قرآن»، فصلنامه مشرق موعود، سال ۶، ش ۲۳، ص ۲۵-۴۲.
۲۳. فرزین پور، فرشته و لیلا گودرزی (۱۳۹۳)، «میزان رضایت بیماران از نحوه ارتباط کارکنان بیمارستان با آنها؛ مطالعه موردی بیمارستان سینا»، طب و تزکیه، سال ۲۳، ش ۱، ص ۵۷-۶۶.
۲۴. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۸).
۲۵. کشاورز، مینا، علی اکبری ساری، عباس رحیمی فروشانی و محمد عرب (۱۳۹۳)، «بررسی استانداردهای ایمنی و کیفیت مراقبت بیمارستان های آموزشی منتخب بین الملل (JCI)»، مجله بیمارستان، سال ۱۳، ش ۱، ص ۱۷-۲۴.

۲۶. گودرزی، غلامرضا، صادق حسنی مقدم، رسول نوروزی و مرتضی سلطانی (۱۳۹۹)، «طراحی و تبیین الگوی نهاد تمدن‌ساز، مبتنی بر تحلیل محتوای بیانیه گام دوم انقلاب»، مدیریت اسلامی، سال ۲۸، ش ۳، ص ۲۹-۶۱.
۲۷. مقیمی، سیدمحمد (۱۳۹۷)، «سخن سردبیر: بیانیه گام دوم انقلاب، رهنامه پیشرفت ایرانی اسلامی»، فصلنامه مدیریت اسلامی، سال ۲۶، ش ۳، ص ۵-۱۴.
۲۸. منزوی بزرگی، جواد و سجاد حبیبیان (۱۳۹۵)، «ابعاد و مؤلفه‌های تمدن زمینه‌ساز ظهور با تکیه بر مبانی دینی و اندیشه‌های مقام معظم رهبری (مد ظله العالی)»، پژوهش‌های مهدوی، سال ۱۹، ش ۵، ص ۵۵-۸۶.
۲۹. موسوی، سیدعلی (۱۳۹۶)، «فلسفه انتظار فرج با تأکید بر افضل اعمال بودن آن»، فصلنامه علمی پژوهشی آیین حکمت، سال ۹، ش ۳۱، ص ۲۲۹-۲۴۶.

doi:10.22081/pwq.2017.63971

۳۰. نجفی دولت‌آبادی، شهلا، فرامرز احمدی جهان‌آباد، جان محمد ملک‌زاده و زینت محبی نوبندگانی، (۱۳۸۹)، «مقایسه رضایتمندی بیماران بستری در بیمارستان شهید بهشتی شهر یاسوج قبل و بعد از تغییر در شیوه پرداخت کارانه کارکنان»، نشریه پرستاری ایران، سال ۲۳، ش ۶۸، ص ۳۹-۴۶.
۳۱. نصیری، علی (۱۳۸۷)، «نگاهی به پدیده انتظار و آثار حیات‌بخش آن»، انتظار موعود، سال ۸، ش ۲۴، ص ۹۳-۱۲۲.
۳۲. نظری، فرهاد (۱۴۰۰)، «اخلاق حرفه‌ای در مراکز تعلیم و تربیت با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، اخلاق حرفه‌ای در آموزش، سال ۱، ش ۱، ص ۱۲۵-۱۵۳.
۳۳. وحیدی‌منش، حمزه‌علی (۱۳۸۶)، «عناصر تمدن‌ساز دین اسلام»، ماهنامه معرفت، سال ۱۶، ش ۱۲، ص ۱۵-۳۴.



۳۴. یوسفی نژادی، ترانه، حمید سوری، عفت محمدی (۱۳۹۷)، «ارزیابی میزان دستیابی به اهداف توسعه پایدار مرتبط با سلامت در ایران، منطقه مدیترانه شرقی و جهان در سال ۲۰۱۷»، *مجله اپیدمیولوژی ایران*، سال ۱۴، ش ۳، ص ۲۰۶-۲۱۵.

35. Asadi Lari, M., Sayyari, A. A., Akbari, M. E., & Gray, D. (2004), "Public health improvement in Iran-lessons from the last 20 years", *Public Health*, 118(6), p. 395-402. doi:10.1016/j.puhe.2004.05.011.

36. Delavari, S., Zandian, H., Rezaei, S., Moradinazar, M., Delavari, S., Saber, A., & Fallah, R. (2016), "Life Expectancy and its Socioeconomic Determinants in Iran", *Electronic physician*, 8(10), p. 3062-3068. doi:10.19082/3062.

37. Enjoo, A. (2011), "Assessing Intellectual Property, Publication Ethics, and Related Legal provisions in the Islamic Republic of Iran", *Interdisciplinary Journal of Virtual Learning in Medical Sciences*, 2(2), p. 36-44.

38. Lankarani, K. B., Alavian, S. M., & Peymani, P. (2013), "Health in the Islamic Republic of Iran, challenges and progresses", *Medical journal of the Islamic Republic of Iran*, 27(1), p. 42-49.







## پیامدهای گرایشی دنیاگرایی از دیدگاه قرآن

پریسا صدیقی\*، کامران اویسی\*\*

### چکیده

کشف پیامدهای یک رذیله در علم اخلاق و در حوزه مطالعه گرایش‌های انسان، به فرد انگیزه می‌بخشد تا آن رذیله را رفع کند. گرایش‌ها مجموعه عواطف و احساساتی هستند که نوع تفکر و بینش انسان بر آن‌ها تأثیر دارد. یکی از گرایش‌های مؤثر بر شخصیت انسان که پیامدهای تخریبی اخلاقی برای او دارد، دنیاگرایی است؛ لذا در نوشتار حاضر سعی شده است با روش توصیفی - تحلیلی، پیامدهای گرایشی دنیاگرایی تبیین و تشریح شود. آثار روانی خودخواسته از جمله خداگریزی، خودشیفتگی، آرزومداری، راحت‌طلبی، مال‌اندوزی (که شامل بخل و حرص و ولع می‌شود)، خودبزرگ‌بینی و امید و آرامش کاذب، و آثار روانی ناخواسته شامل ناامیدی و ترس و اضطراب، از جمله پیامدهای گرایشی دنیاگرایان است.

\* کارشناس ارشد دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران.

P.sedighi93@gmail.com

\*\* استادیار گروه معارف قرآن و حدیث دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران.

oveysi@maaref.ac.ir

تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۱۲/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۰۹



## کلیدواژه‌ها

اخلاق، انسان، دنیاگرایی، قرآن، گرایش.

### ۱- مقدمه

با نگاه به قرآن و روایات آشکار می‌شود دنیا و دنیاگرایی که منشأ تمام خطایا محسوب می‌شود (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ص ۱۳۱)، چنان بر انسان حاکم می‌شود که به باور تبدیل می‌شود و زندگی او را در شئون مختلف تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ لذا در نوشتار حاضر سعی شده با نگاه به آیات الهی به این سؤال پاسخ داده شود که پیامدهای گرایشی دنیاگرایی از دیدگاه قرآن چیست؟

دنیا و دنیاگرایی از جمله موضوعاتی است که نویسندگان زیادی به آن توجه کرده‌اند و مقالات و پایان‌نامه‌های متعددی درباره آن منتشر شده است. شکوفه جهانپور در مقاله «دنیاگرایی و پیامدهای آن از دیدگاه قرآن» (فصلنامهٔ مریان، سال ۸، ش ۲۷) به این موضوع مهم پرداخته است. اما آنچه نوشتار حاضر را از دیگر پژوهش‌ها متمایز می‌کند، متمرکز بودن این پژوهش بر قرآن برای کشف آثار گرایشی دنیاگرایی است. البته از روایات نیز بنا بر ضرورت استفاده شده است. بنابراین، بعد از جمع‌آوری داده‌ها به شیوهٔ کتابخانه‌ای و مطالعهٔ آیات مرتبط و بررسی دیدگاه مفسران در ذیل آن‌ها، داده‌ها بر اساس پیامدهای ارادی و غیرارادی با تعبیر خودخواسته و ناخواسته تقسیم‌بندی و پیامدهای گرایش به دنیا با روش تحلیل توصیفی تبیین شد.

### ۱- مفهوم‌شناسی

تبیین واژگان اصلی هر مبحث، از مهم‌ترین مراحل در هر نوشتاری محسوب می‌شود؛ لذا در ادامه، به این ساحت با قید تبیین مفهومی کلیدواژه‌های تألیف‌دهندهٔ عنوان پژوهش پرداخته‌ایم تا تنگی مجال، به اصل تحقیق خدشه وارد نسازد.



## ۱-۱- دنیاگرایی

واژه «دنیا» اسم تفضیل از «دنو» به معنی نزدیک تر (ابن فارس، ۱۴۱۴ق، ج ۲: ص ۳۰۳) یا از ریشه «دنائت» به معنی پست تر گرفته شده است (طریحی، ۱۳۷۵، ص ۱۴۹) که به دلیل نزدیک تر بودن آن به انسان، در مقایسه با آخرت (طوسی، بی تا، ج ۱: ص ۵۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱: ص ۱۲۳) یا پست تر بودن آن نسبت به آخرت (ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۴: ص ۱۴۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱: ص ۱۲۳) به کار برده شده است. این واژه در قرآن ۱۱۵ بار و غالباً به معنی زندگی پیش از مرگ به کار رفته است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۲: ص ۳۶۲-۳۶۳). دنیا در قرآن با عباراتی چون ظاهر زندگی دنیا (روم، ۷)، حیات نخست (قصص، ۷۰؛ نجم، ۲۵) و حیات زودگذر (اسراء، ۱۸؛ قیامت، ۷۵؛ انسان، ۲۷) نیز آمده است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۴، ج ۱۳: ص ۱۵۵).

با توجه به آیات قرآن (اسراء، ۱۸-۱۹؛ هود، ۱۵؛ انسان، ۲۷) و روایات (رضی، ۱۴۰۶ق، ص ۱۰۳)، تقسیم انسان‌ها به دو گروه دنیاطلب و آخرت طلب تأیید می‌شود. جذابیت دنیا و لذایذ زودگذر آن به اندازه‌ای است که بیشتر انسان‌ها را شیفته خود می‌کند تا دنیا را هدف خود قرار دهند. از این گروه به دنیاگرایان تعبیر می‌شود (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۴، ج ۱۳: ص ۱۶۰). لذا انسان‌های دنیاگرا کسانی هستند که همه چیز را از زاویه دنیا می‌بینند و محبت و ارزش گذاریشان بر پایه دنیا صورت می‌گیرد.

## ۱-۲- گرایش‌های انسانی

این بخش از ساحت انسانی به لذت‌ها و دردهای انسانی مربوط می‌شود و شامل انواع گرایش‌ها، از گرایش‌های مشترک بین انسان و حیوان گرفته تا گرایش‌های مختص انسان است.





مانابودن گرایش‌های انسانی، نشان‌دهنده فطری بودن آنهاست و از آنجا که یک مقوله تشکیکی است، انسان می‌تواند آنها را تقویت یا تضعیف کند. برخی معتقدند ممکن نیست هیچ‌گونه کار ارادی و اختیاری بدون میل انجام شود؛ یعنی ابتدا در انسان کشش و گرایشی فطری برای عمل موردنظر ایجاد می‌شود و سپس، آن عمل انجام می‌شود. گرایش و میل باطنی به چهار نوع تقسیم می‌شود: غریزه، عواطف، احساسات و انفعالات (مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۴۲۲-۴۲۳).

غریزه یعنی کشش‌های مرتبط با اندام‌های بدن که عامل رفع نیازهای حیاتی است؛ مانند غریزه خوردن که هم نیاز طبیعی را رفع می‌کند و هم با اندام گوارشی در ارتباط است. عواطف یعنی امیال ظهوریافته در اثر رابطه انسان با دیگران؛ مانند عاطفه والدین به فرزند. مراد از انفعالات، حالت درونی انسان است که بر اساس آن (به علت ضرر یا ناخوشایندی)، از کسی فرار یا او را طرد می‌کند؛ مانند نفرت. احساسات از موارد دیگر شدیدتر و تنها مختص انسان است؛ مانند تعجب. البته روان‌شناسان، عواطف و احساسات را نوعی آمادگی روانی یا روان‌شناختی حاصل از تمرکز و ترکیب مجموعه‌ای از حالات و هیجان‌ها درباره موضوعی معین و نتیجه تجربه وی درباره کسی یا چیزی می‌دانند که تکرار آن، فرد را آماده می‌سازد و او یاد می‌گیرد چه احساس و عاطفه‌ای را نشان دهد (همان، ص ۵۸۴-۵۸۵).

مهارنکردن هر کدام از این گرایش‌ها، انسان را از حرکت به سوی قرب الهی دور می‌کند. در مقابل، اگر گرایش‌ها تدبیر و مهار عقلانی-و حیانی شوند، به‌طور متعادل و طبیعی عمل می‌کنند و عامل سعادت می‌شوند.

در علم روان‌شناسی، از امیال و گرایش‌های درونی انسان به انگیزش تعبیر کرده‌اند که آگاهانه و از روی اختیار انسانی، به رفتار فرد نیرو و جهت می‌دهد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۰، ج ۲: ص ۴۹۰). انگیزش روان‌شناسی یا گرایش انسان‌شناسی، فرایندی بدنی-روانی است که انسان را به سوی هدف معینی جهت

می‌دهد (شعاری نژاد، ۱۳۹۰، ص ۴۹۹). البته این بدان معنا نیست که همه گرایش‌های منفی یا نامتعادل انسان لزوماً نتیجه دنیاگرایی است، بلکه مطالعه اثر دنیاگرایی در ایجاد یک گرایش منفی یا نامتعادل مدنظر است؛ مثلاً ملازمه‌ای بین دنیاگرایی و راحت‌طلبی نیست، اما با مطالعه قرآن درمی‌یابیم که اثر دنیاطلبی، غلبه گرایش به راحت‌طلبی است.

اکنون با توجه به مفهوم دنیا و گرایش می‌توان مسئله این نوشتار را بازتیین کرد؛ به عبارت دیگر، چون آثار میل افراطی انسان به دنیا منفی است، آن‌ها را پیامد تعبیر می‌کنند و چون از گرایش انسان به دنیا برخاسته‌اند، مقید به قید گرایشی هستند. بنابراین، این مقاله درصدد کاویدن پیامدهای گرایشی دنیاگرایی انسان است. این پیامدها به دو نوع خودخواسته و ناخواسته تقسیم می‌گردند که در ادامه، تبیین می‌شوند.

## ۲- پیامدهای خودخواسته

برخی از پیامدهای گرایشی دنیاگرایی، اختیاری و خودخواسته و با میل و علاقه دنیاطلبان به وجود می‌آیند. این نکته مهم است که خودخواستگی در اینجا، نسبی است؛ بدین معنا که مثلاً چه بسیار دنیاطلبانی که واقعاً نمی‌خواهند از خدا نفرت داشته باشند، اما دنیا را هم نمی‌توانند رها کنند و با توهم اینکه دنیاطلبی با خداخواهی قابل جمع است، به سمت دنیا می‌روند. بنابراین، این تقسیم به‌طور نسبی، از این جنبه مدنظر قرار گرفته است که حتی چنین فردی که دچار خطا در تشخیص شده، با مؤلفه دنیاطلبی به چنین نتیجه‌ای رسیده و گرایش او از روی اختیار و خودخواسته بوده است؛ هرچند از روی بی‌بصیرتی و خطا در تشخیص باشد.

### ۲-۱- خداگریزی

در قرآن به گریز دنیاگرایان از خدا اشاره شده است: ﴿وَإِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَحْدَهُ اشْمَأَزَّتْ قُلُوبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ﴾ (زمر، ۴۵).





در این آیه از کسانی سخن به میان آمده است که قلب‌هایشان از خداوند نفرت دارد. واژه «اشمأز» از «اشمئزاز» (به معنی انقباض) گرفته شده (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۸: ص ۲۳۳؛ جوهری، ۱۳۷۶ق، ج ۳: ص ۸۸۱) و به معنی نفرت نفس از چیزی است که از آن کراهت دارد (زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۸: ص ۸۱). در حقیقت، این نفرت حالتی از بیزاری است که بر قلب دنیاگرایان سایه افکنده و به دلیل اعتقادداشتن به آخرت و خدا، حالتی از نفرت و گریز را در ایشان به وجود آورده است. در آیات دیگری، دنیاطلبی همراه با انکار آخرت آمده است که نشان می‌دهد، انکار بعث و آخرت غالباً با دنیاگرایی همراه است. قرآن می‌فرماید: ﴿كَلَّا بَلْ تُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَ تَذُرُونَ الْآخِرَةَ﴾ (قیامت، ۲۰-۲۱). این دنیاگرایی و آخرت‌گریزی به عنوان تمایلات روحی کافران و ردی بر آیه ﴿يَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَلَّنْ نَجْمَعُ عِظَامَهُ﴾ (قیامت، ۳) بیان شده است (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۲۰: ص ۱۱۱).

چنان‌که در آیه دیگری نیز هم‌نشینی دنیامداری و انکار آخرت دیده می‌شود: ﴿إِنَّ الَّذِينَ لَا يُرْجُونَ لِقَاءَنَا وَ رَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ اطْمَأَنَّنُوا بِهَا وَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ﴾؛ «همانا آن‌ها که امید لقای ما [و رستاخیز] را ندارند و به زندگی دنیا خشنود شدند و بر آن تکیه کردند و آن‌ها که از آیات ما غافل‌اند» (یونس، ۷). دلیل این ناامیدی از لقاء خدا، نداشتن ترس از بعث است که آن هم ناشی از بی‌ایمانی (یعنی کفر) است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵: ص ۱۴۰؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۷: ص ۲۱۱). پذیرفتن این احتمال تفسیری بدین معناست که رابطه دنیاگرایی و خداگریزی دوطرفه است و گاهی این، سبب آن می‌شود و گاهی برعکس.

## ۲-۲ - خودشیفتگی

انسان‌های خودشیفته، افرادی خودمحور و خودپرست هستند که به خود و نیازهای خود بسیار علاقه‌مندند و به پیروی از خود و گرایش‌های درونی خود توجه بسیاری دارند.

قرآن در بیان حال این افراد می‌فرماید: ﴿أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ﴾ (جائیه، ۲۳).

انسان‌های دنیاگرا گاهی به‌حدی در دنیا و نعمت‌های آن فرومی‌روند که حقایق در نظرشان نمودی ندارد و به فهم روشنی از حقایق دست نمی‌یابند تا جایی که گاهی هر آنچه خداوند به آنان عطا می‌کند، از جانب خود می‌پندارند و آن را حاصل علم و دانشی می‌دانند که در وجود خودشان رسوخ کرده است؛ غافل از اینکه این نعمت نتیجه فضل و عنایتی است که خداوند به آنان داشته است. لذا چنین تفکری موجب «خودشیفتگی» انسان می‌شود. قرآن در وصف شخصیت قارون، این حالت فریفتگی به لذات و نعمت‌های دنیا و احساس خودشیفتگی را به‌خوبی بیان کرده است؛ پس از نمایان‌شدن شوکت و ثروت قارون، برخی که مفسران آن‌ها را کافران و منافقان و افراد ضعیف‌ایمان می‌دانند، از روی دنیاگرایی به حال او حسرت خوردند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷: ص ۴۱۷)

### ۲-۳- مشغول‌شدن به دنیا

گرایش به زینت‌های دنیایی که عبارت‌اند از مال، فرزندان، همسر و زرق و برق دنیای فانی، در دنیاگرایان به‌وفور دیده می‌شود. به نظر می‌رسد دنیاطلبان به دلیل اصیل دانستن دنیا، دل‌بستگی خاصی به این زینت‌ها دارند. قرآن نیز به مظاهر دنیایی اشاره کرده است: ﴿زِينَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَ الْبَنِينَ وَ الْقَنَاطِيرِ الْمُمَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَ الْفِصَّةِ وَ الْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَ الْأَنْعَامِ وَ الْخِزْيُ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا﴾ (آل عمران، ۱۴). این آیه از مواردی سخن می‌گوید که انسان به‌طور طبیعی به‌خاطر علاقه‌ای که به آن‌ها دارد، به آن‌ها گرایش پیدا می‌کند.





به فرموده خداوند، آنچه موجب گرایش و علاقه انسان به دنیا می‌شود، زنان و فرزندان و اموال زیاد است که روان کاوان از آن با غریزه جنسی یاد می‌کنند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲: ص ۴۵۸). چنانچه این غرایز از حالت اعتدال خارج شوند باعث شقاوت انسان خواهند شد؛ قرآن می‌فرماید: ﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ وَ حَبِطَ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَ بَاطِلٌ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ (هود، ۱۶).

حکمت اینکه خداوند علاقه و گرایش به دنیا را در انسان نهاد، این است که از این طریق تمام چیزهایی را که برای زندگی اخروی لازم دارد فراهم کند، نه اینکه چنان به دنیا و ظواهر آن علاقه و گرایش پیدا کند که تمام هم‌وغمش دنیا و تعلقات آن شود. در حقیقت، این علاقه ابزاری برای رسیدن به حیات ابدی است و نباید هدف انسان در زندگی قرار گیرد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۳: ص ۹۵-۹۶).

قرآن می‌فرماید: ﴿مَنْ كَانَ يَرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَ زِينَتَهَا نُوفَّ إِلَيْهِمْ أَعْمَالَهُمْ فِيهَا وَ هُمْ فِيهَا لَا يَبْخُسُونَ﴾ (هود، ۱۵)؛ یعنی اراده‌ای که در دنیاگرایان برای زندگی دنیا و زینت‌های آن وجود دارد، گرایشی است که به دنیا نشان می‌دهند.

در آیات متعدد دیگری نیز به این شاخصه انسان‌ها اشاره شده (نحل، ۱۰۷؛ شوری، ۲۰؛ قیامت، ۲۰) که نشانه علاقه و محبتی است که دنیاگرایان به دنیا و مشتبهات آن دارند. از بررسی مجموع آیاتی که بیان شد، می‌توان نتیجه گرفت که دنیاگرایان تنها خواهان دنیا و ظواهر و زینت‌های آن هستند.

مشغول شدن به لذت‌های زودگذر دنیایی از ویژگی‌های شاخص دنیاگرایان است. قرآن می‌فرماید: ﴿وَ يَوْمَ يَعْرُضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَدْهَبْتُمْ طَيِّبَاتِكُمْ فِي حَيَاتِكُمُ الدُّنْيَا وَ اسْتَمْتَعْتُمْ بِهَا فَالْيَوْمَ تُجْرَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَ بِمَا كُنْتُمْ تَتَسَفَّوْنَ﴾ (احقاف، ۲۰).

همچنین، قرآن دنیاطلبان را افرادی برمی‌شمارد که به لذت‌های حیوانی و اوهام دنیایی گرایش دارند (حجر، ۳)؛ لذا به نظر می‌رسد هدف و غایت دنیاطلبان از اعمال



و کردارشان، لذت بردن از نعمت‌ها و مواهب زودگذر دنیایی است. بهره‌جویی از دنیا در وجود چنین افرادی، به دلیل اصیل دانستن دنیا و حیات دنیایی، نهادینه شده است و آنان سعادت حقیقی را محدود در لذت‌جویی بیشتر می‌دانند. خدا نیز آنان را به سبب سوء اختیار خودشان رها می‌کند تا به دنیا مشغول شوند و آخرت خود را خراب‌تر کنند.

## ۲-۴- آرزومداری

گاه به نظر می‌رسد علاقه انسان به دنیا به پشتوانه اصیل پنداشتن (انعام، ۲۹) و جاودانه دانستن حیات دنیایی (همزه، ۲-۳) پدید می‌آید؛ لذا گرایش به آرزوهای دور و دراز در انسان ریشه دوانده و از کار برای آخرت که اصیل و ابدی است، باز می‌ماند. در اصل، آرزومندی قبیح نیست، بلکه آرزومداری به معنی داشتن آرزوهای دور و دراز، مذموم است؛ چنان‌که خداوند می‌فرماید: ﴿ذُرَّهُمْ يَأْكُلُوا وَيَتَمَتَّعُوا وَيُلْهِمُ الْأَمَلُ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ﴾؛ «ای رسول ما، این کافران لجوج را به خورد و خواب طبیعت و لذت حیوانی واگذار تا آمال و اوهام دنیوی، آنان را غافل گرداند نتیجه این کامرانی بیهوده را به زودی خواهند دید» (حجر، ۳).

در این آیه، توجه به شهوات و مشغول شدن به آرزوهای دور و دراز از ویژگی‌های دنیاگرایان است. این مشغولیت، آدمی را از آماده شدن برای آخرت و تهیه زادوتوشه برای حیات اخروی غافل می‌کند (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۳: ص ۱۰۱)؛ چنان‌که امام علی علیه السلام مردم را از داشتن آرزوهای دراز، به دلیل بروز غفلت، نهی فرموده است (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱: ص ۵۱).

بنابراین، چنین انسان‌هایی به دلیل بنیان‌های متزلزل فکری، چنان‌که جاذبه‌های دنیایی مشغول می‌شوند که چیزی جز غفلت و بی‌خبری از حقیقت زندگی نصیبشان نمی‌شود؛ لذا به زودگذر بودن این آرزوها توجه نمی‌کنند و خود را هرچه بیشتر اسیر چنین اوهامی می‌کنند.



## ۲-۵- راحت طلبی

شاید بتوان گرایش به راحت طلبی را یکی از اولین گرایش‌هایی دانست که در انسان‌های دنیاگرا بروز می‌کند؛ چراکه به دلیل دل‌بستگی به دنیا و برگزیدن آن به جای آخرت، تلاش برای آخرت و رسیدن به لذت‌های معنوی از انسان سلب می‌شود؛ چنان‌که خداوند در قرآن، از خودداری دنیاگرایان از مشارکت در جنگ سخن گفته است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ انْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَنْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ الْأَرْضِ إِلَى الْأَرْضِ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ﴾ (توبه، ۳۸).

دنیاگرایان از جهاد در راه خداوند سرباز زده و زندگی دنیایی را بر حیات آخرت ترجیح داده‌اند. این حاکی از راحت‌طلبی دنیاگرایان است که رنج جهاد در راه خدا را به خاطر بهره‌بردن از نعمت‌های دنیایی متحمل نشده و از رسیدن به لذت‌های خوب و حقیقی محروم مانده‌اند؛ لذا اسیر لذت‌های آنی دنیا شده‌اند.

پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تقاضای انسان را برای دستیابی به راحتی، تقاضایی محال دانسته و انسان را از چنین خواسته‌ای نهی فرموده است (دیلمی، ۱۴۰۱ق، ص ۲۷۸).

با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت دنیاگرایان به دنبال راحتی‌های کاذب در دنیا هستند؛ در حالی که طبق روایات، چنین راحتی‌ای در دنیا حاصل نمی‌شود؛ چراکه خداوند انسان را به همراه رنج آفریده است (بلد، ۴). علامه طباطبایی در ذیل این آیه معتقد است همراه بودن خلقت انسان با کبد و رنج، به معنای آن است که همواره لایه‌های متفاوت زندگی انسان با رنج و مشقت همراه است و انسان برای به دست آوردن هر خواسته‌ای در دنیا همواره با ناملایماتی روبه‌رو می‌شود؛ لذا خلقت انسان بر پایه رنج است (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۲۰: ص ۲۹۱). مرحوم طبرسی نیز می‌نویسد انسان همواره سختی و ناراحتی را تحمل می‌کند تا زمانی که از دنیا برود (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ص ۷۴۷).



خداوند در جایی دیگر می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ﴾؛ «ای انسان، حقا که تو به‌سوی پروردگار خود به‌سختی در تلاشی و او را ملاقات خواهی کرد» (انشقاق، ۶). «کدح» به‌معنی «سعی همراه با رنج» است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۷۰۴).

خداوند در این آیه نیز انسان را به‌گونه‌ای معرفی می‌کند که در این دنیا همراه با رنج و سختی به‌سوی خداوند در حال حرکت است و این بدان معناست که خداوند انسان را طوری آفریده که تا زمانی که در این دنیا زندگی می‌کند با رنج و سختی در حال تلاش برای رسیدن به جایگاه حقیقی خویش است؛ لذا فرار دنیاگرایان از این رنج طبیعی نمی‌تواند حتی آنان را در رسیدن به راحت‌طلبی یاری رساند. به عبارت دیگر، خداوند زندگی و دنیا را طوری آفریده که همواره با رنج و سختی همراه است؛ بنابراین، دوری از این رنج‌های طبیعی و حقیقی، هیچ‌گاه انسان را به لذت‌های دائم نمی‌رساند.

در آیه‌ای دیگر، خداوند از راحت‌طلبانی سخن می‌گوید که به بهانه‌های واهی از شرکت در جهاد سر باز می‌زنند (توبه، ۸۶) یا در آیه‌ای می‌فرماید: ﴿قَالُوا يَا مُوسَىٰ إِنَّ فِيهَا قَوْمًا جَبَّارِينَ وَإِنَّا لَنَنذُرُكَ لَنَ نَدْخُلُهَا حَتَّىٰ يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِن يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِنَّا دَاخِلُونَ﴾ (مائده، ۲۲). قوم بنی‌اسرائیل قصد داشتند بدون هیچ سختی و مشقت و در کمال راحتی به پیروزی دست پیدا کنند، حتی اگر این راحتی با نافرمانی از خدا و فرستاده او حاصل شود؛ لذا این نهایت راحت‌طلبی آن‌ها را نشان می‌دهد.

حضرت امیر علیه السلام، علت بهانه‌جویی و سستی و ضعف کوفیان را، تنبلی و راحت‌طلبی آنان دانسته است (رضی، ۱۴۱۴ق، ص ۷۰). به نظر می‌رسد راحت‌طلبی نیز زاییده دنیاطلبی است. دنیاطلبان از پذیرش رنج و مشقتی که از شاخصه‌های دنیا و خلقت آدمی است، سر باز می‌زنند؛ چنان‌که در آیه ۳۸ سوره توبه به دنیاخواهی به‌منزله دلیلی بر راحت‌طلبی اشاره شده است.



## ۲-۶- خودبزرگ بینی

استکبار از ریشه «کبر» به معنی خودبزرگ بینی بیش از حد و ترک اذعان به حق (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۴: ص ۹) و برتری جویی (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱۰: ص ۱۸) است.

این واژه در قرآن با الفاظ دیگری نیز به کار رفته است؛ برای مثال گاه با واژه‌هایی چون «تصعر» به معنی تکبر و خودپسندی و «مرح» به معنی شادی بیش از اندازه و از روی غرور آمده است. همچنین، واژه‌هایی چون «بغی» (طغیان و سرکشی) (شوری، ۲۷؛ قصص، ۷۶-۷۷؛ یونس، ۹۰)، «بطر» (طغیان بر اثر نعمت) (قصص، ۵۸؛ انفال، ۴۷)، «عتو» (ظلم و معصیت) (فرقان، ۲۱؛ طلاق، ۸؛ اعراف، ۱۶۶) و «طغیان» (سرکشی) (بقره، ۱۵؛ مائده، ۶۴؛ کهف، ۸۰) با استکبار مترادف‌اند و در آیات متعددی به کار رفته‌اند.

به نظر می‌رسد دنیا‌گرایان به دلیل فریبندگی دنیا چنان در آن غرق شده‌اند که آن را اصل می‌پندارند و دچار خودبزرگ بینی می‌شوند. در فرازی از نهج البلاغه به این فریبندگی دنیا اشاره شده است: «كُونُوا عَنِ الدُّنْيَا نُزَاهًا وَ إِلَى الْآخِرَةِ وُلاَهَا وَ لَا تَضَعُوا مَنْ رَفَعْتَهُ التَّقْوَى وَ لَا تَزِفَعُوا مَنْ رَفَعْتَهُ الدُّنْيَا وَ لَا تَشِيمُوا بَارِقَهَا وَ لَا تَسْمَعُوا نَاطِقَهَا وَ لَا تُجِيبُوا نَاعِقَهَا وَ لَا تَسْتَضِيئُوا بِإِشْرَاقِهَا وَ لَا تُفْتِنُوا بِأَعْلَاقِهَا فَإِنَّ بَرَقَهَا خَالِبٌ وَ نُطْقَهَا كَاذِبٌ وَ أَمْوَالُهَا مَحْرُوبَةٌ وَ أَعْلَاقُهَا مَسْلُوبَةٌ أَلَا وَ هِيَ الْمَصْدِيقَةُ الْعُنُونُ» (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱۳: ص ۱۱۶).

فریبندگی دنیا‌گناه انسان را از توجه به سرانجام استکبار و خودبزرگ بینی بازمی‌دارد. به عبارت دیگر، ویژگی‌هایی که در کلام حضرت امیر به آن‌ها اشاره شده، نشان‌دهنده نهایت فریبندگی دنیا و نعمت‌های آن است؛ هرچند دنیا زودگذر و متزلزل و فریبنده است، انسان با چشم‌پوشی از این ویژگی‌ها گاهی در سهمگین‌ترین پرتگاه‌های دنیایی که کبر و غرور از جمله آن‌هاست، گرفتار می‌شود.



خداوند به خودبزرگ بینی و استکبار دنیا گرایان اشاره کرده، می فرماید: ﴿وَيَوْمَ  
يَعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَدْهَبْتُمْ طِبْيَاتِكُمْ فِي حَيَاتِكُمُ الدُّنْيَا وَانْتَمْتُمْ بِهَا  
فَالْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ  
تَفْسُقُونَ﴾ (احقاف، ۲۰)

با توجه به این آیه، دنیا گرایان در زمین تکبر ورزیده و تمام همتشان را صرف  
شهوات و بهره بردن از لذت های دنیایی کرده اند؛ به این معنا که در مقابل حق،  
استکبار ورزیده و زیر بار حق نمی روند. در حقیقت، بهره بردن از لذت های دنیایی و  
صرف تمام همت و تلاش برای رسیدن به آن، انسان را از حق دور کرده و به سمت  
استکبار و سرکشی در مقابل حق می کشاند.

خداوند در جایی دیگر، از دنیا گرایانی سخن می گوید که فریب دنیا را خورده و  
به آن مغرور شده اند: ﴿وَ نَادَى أَصْحَابُ الْأَعْرَافِ رِجَالًا يَعْرِفُونَهُمْ بِسِيمَاهُمْ قَالُوا مَا  
أَغْنَىٰ عَنْكُمْ جَمْعُكُمْ وَ مَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ﴾ (اعراف، ۴۸). این آیه به کسانی اشاره  
می کند که به گردن کشی و استکبار در برابر حق همت گماشته اند و در آیات  
بعد، دلیل این گردنکشی را نیز دنیا و مشغول شدن به آن معرفی می کند؛  
چنان که می فرماید: ﴿الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَهْوًا وَ لَعِبًا وَ غَرَّتْهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فَاَلْيَوْمَ  
نَسَاهُمْ كَمَا نَسُوا لِقَاءَ يَوْمِهِمْ هَذَا وَ مَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ﴾ (اعراف، ۵۱).  
مدرسی در ذیل این آیه معتقد است دنیا گرایان به دلیل اینکه از مال، قدرت، صحت  
و سلامتی برخوردارند، مغرور شده و خودشان را برتر از حق می دانند (مدرسی،  
۱۴۱۹ق، ج ۳: ص ۳۲۹).

از آنچه بیان شد می توان نتیجه گرفت دنیا گرایان به دلیل آنکه از نعمت ها و  
مواهب دنیایی به وفور برخوردارند، کبر و خودبزرگ بینی در ساحت های  
مختلف زندگی شان نمود پیدا می کند؛ چنان که در برابر حق و فرستاده او و دیگر  
انسان ها این صفت را بروز می دهند. در صورتی که اگر به ناپایداری دنیا  
توجه کنند، غرور و غفلت ایشان را فرامی گیرد و به سوی استکبار گرایش نمی یابند.





امام علی علیه السلام در ضمن روایتی به بی‌اعتباری دنیا و نعمت‌های آن اشاره کرده و می‌فرماید دنیا شایستگی لازم برای دل‌بستگی و غزه‌شدن را ندارد؛ چراکه فانی است: «وَلَا تُغَرَّنَكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا كَمَا غَرَّتْ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ مِنَ الْأُمَمِ الْمَاضِيَةِ وَالْقُرُونِ الْخَالِيَةِ الَّذِينَ احْتَابُوا دِرَّتَهَا وَ أَصَابُوا غِرَّتَهَا وَ أَفْنُوا عِدَّتَهَا وَ أَحْلَفُوا حِدَّتَهَا» (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱۳: ص ۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۰: ص ۸۳).

در حقیقت به نظر می‌رسد زمانی که خداوند نعمتی را به انسان می‌بخشد، آن فرد از یاد خدا اعراض می‌کند و حق آن نعمت را ادا نمی‌کند و به بیان دیگر، دچار کبر و خودپسندی می‌شود. خداوند سبحان از ایجاد این حالت در روح و روان انسان چنین سخن به میان آورده است: «وَ إِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَ نَأَى بِجَانِبِهِ»؛ «و هنگامی که به انسان نعمت می‌بخشیم (از حق) روی می‌گرداند و متکبرانه دور می‌شود...» (اسراء، ۸۳).

به نظر می‌رسد از جمله پیامدهای شوم تکبر و خودبزرگی بینی در انسان‌های دنیاگرا، گرایش به فخرفروشی و تفاخر است، کما اینکه خداوند به این صفت و گرایش در دنیاطلبان اشاره کرده، می‌فرماید: «وَ كَانَ لَهُ نَمْرٌ فَقَالَ لِصَاحِبِهِ وَ هُوَ يَحَاوِرُهُ أَنَا أَكْثَرُ مِنْكَ مَالًا وَ أَعَزُّ نَفْرًا» (کهف، ۳۴).

در این آیه، سخن از کسی است که خداوند، مال و نعمت‌های دنیایی فراوانی به او عطا کرده است و همین بهره‌مندی از دنیا موجب شده به دیگران فخرفروشی کند (قمی، ۱۳۶۳، ج ۲: ص ۳۵) و خود را برتر بداند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶: ص ۷۲۳). به عبارت دیگر، نعمت‌هایی که خداوند از اموال، دارایی‌ها و فرزندان به چنین کسی عطا کرده، او را دچار غفلت کرده و به‌سوی خودبزرگی بینی سوق داده است؛ در حقیقت، این وصف حال دنیاگرایان است.

علامه طباطبایی در ذیل این آیه، خودبزرگی بینی را حاصل پندار غلطی می‌داند که در چنین انسانی ریشه دوانده است؛ به این معنا که می‌پندارد هر

آنچه در دنیا به او رسیده، از آن خودش بوده و به راستی مالک هر آن چیزی است که خدا در اختیارش قرار داده است؛ در حالی که مالک حقیقی، خداوند است و هر آنچه خداوند در زندگی دنیایی در اختیار آدمی قرار داده، به این سبب است که انسان را در میان زینت‌های دنیایی آزمایش کند تا خالص را از ناخالص جدا سازد.

برخی در مواجهه با مادیات و نحوه دخل و تصرف در آن، می‌پندارند تمام آنچه در دنیا به دست آورده‌اند، به خاطر استحقاق و کرامت و فضیلت ذاتی خودشان است (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۳: ص ۳۰۹). لذا به سبب غفلت از خداوند و فرورفتن در زینت‌های دنیایی به تکبر و خودبزرگ‌بینی گرایش پیدا می‌کند؛ چرا که این زینت‌ها چنان انسان را به خود مشغول می‌کنند که انسان ناتوانی‌ها و کاستی‌های خود را فراموش کرده، به داشته‌هایی دل می‌بندد که مالکیت حقیقی آن‌ها از آن او نیست و هر آن ممکن است مرگ او را فراگیرد و از زندگی‌ای که متعلق به او نیست جدا کند.

## ۲-۷- مال‌اندوزی

از جمله گرایش‌های دنیاگرایان، ثروت‌طلبی و زراندوزی است که به نظر می‌رسد این گرایش نیز به دلیل اصیل و جاودانه دانستن دنیا در دنیاگرایان نمایان می‌شود؛ بدین معنا که از آنجا که دنیاگرایان معتقدند اصالت با حیات دنیایی است و زندگی بعد از دنیا وجود ندارد و خود را جاودانه در دنیا می‌دانند، به انباشتن ثروت و نعمت‌های دنیایی گرایش دارند. همچنین، علاقه و محبتی که به دنیا دارند موجب می‌شود صفتی همچون مال‌طلبی و ثروت‌اندوزی در آنان بروز یابد.

علاقه به مال و ثروت در دنیاگرایان به حدی شدید است که خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿وَتُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا﴾؛ «و مال را دوست دارید،





دوست داشتنی بسیار» (فجر، ۲۰). علاقه و حب به مال دنیایی در دنیاگرایان تا حدی نمود دارد که سعی می کنند آن را از هر طریقی به دست آورند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ص ۷۴۰).

در حقیقت، دل‌باختگی و محبت دنیاطلبان به مال و ثروت دنیایی آنان را وادار می کند برای جمع آوری این نعمت‌ها به حلال و حرام الهی توجهی نداشته باشند. خداوند این گرایش را به انحاء مختلف در قرآن کریم بیان فرموده است؛ چنان که می فرماید: ﴿فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ قَالَ الَّذِينَ يَرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ﴾ (قصص، ۷۹).

در این آیه، سخن از شخصی دنیاگرایی است که با نشان دادن اموال و دارایی‌های خود به مردم و تفاخر نزد آنان، علاقه خود را به ثروت‌طلبی نشان می دهد. در مقابل، کسانی که نظاره گر این تفاخر هستند، آرزو می کنند کاش ثروتی مانند وی داشتند و این نیز حاکی از گرایش به ثروت‌طلبی در این گونه افراد است. در آیه یادشده نیز مفسران، افرادی را که نظاره گر قارون هستند، دنیاگرایانی می دانند که به مال و ثروتی قارون گرایش دارند. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۶: ص ۷۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷: ص ۴۱۷).

همچنین، خداوند در آیه ۸۰ همین سوره، از کسانی سخن می گوید که با معرفتی که به خداوند دارند، به کسانی که به دلیل دنیاطلبی به زراندوزی و حب مال گرایش دارند خاطر نشان می کنند که پاداش‌های الهی بهتر از نعمت‌های دنیایی قارون است: ﴿وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَيَلَكُمْ ثَوَابُ اللَّهِ خَيْرٌ لِمَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا وَلَا يَلْقَاهَا إِلَّا الصَّابِرُونَ﴾.

با نگاه به آیات الهی چنین به نظر می رسد که دنیاگرایان آن قدر به دنیا و کسب مال دنیایی توجه و گرایش دارند که حتی عبادت خدا را با انگیزه برخورداری از رفاه دنیایی انجام می دهند؛ چنان که خداوند سبحان به این ویژگی دنیاطلبان در قرآن اشاره کرده است: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَغْبِطُ اللَّهَ عَلَى حَزْفٍ فَإِنَّ



أَصَابَهُ خَيْرٌ اطمأنَّ بِهِ وَ إِنِ اصَابَتْهُ فِتْنَةٌ اُنْقَلَبَ عَلٰى وَجْهِهِ خَيْرٌ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةَ ذٰلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ ﴿ (حج، ۱۱).

در این آیه، دنیاگرایان به دلیل علاقه زیادی که به دنیا و کسب منافع مادی دارند به گونه‌ای ترسیم شده‌اند که اگر عبادتی هم انجام می‌دهند برای دستیابی به نعمت‌های دنیایی و منافع مادی است؛ لذا اگر عبادت، آنان را به تمتعات دنیایی نزدیک کند، خدا را عبادت می‌کنند و در غیر این صورت، به کفر و ارتداد گرایش می‌یابند.

گرایش به ثروت‌اندوزی موجب می‌شود گرایش‌هایی چون «حرص و ولع» و «بخل» در انسان بروز کند که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود.

#### ۲-۷-۱- حرص و ولع

با بررسی آیات الهی به نظر می‌رسد که از جمله ویژگی‌های گرایشی دنیاگرایان، گرایش به «حرص و ولع» به دنیا و تمتعات دنیایی است. «حرص» به معنی علاقه شدید است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۲۷). خداوند در قرآن کریم به این ویژگی دنیاطلبان چنین اشاره می‌فرماید: ﴿ وَ لَتَجِدَنَّهٗمْ اَحْرَصَ النَّاسِ عَلٰى حَيٰةٍ وَ مِنْ الَّذِيْنَ اَشْرَكُوْا يُوَدُّ اَحَدُهُمْ لَوْ يِعْمَّرُ اَلْفَ سَنَةٍ وَ مَا هُوَ بِمُرَّزَحٍ مِنْ الْعَذَابِ اَنْ يِعْمَرَ وَ اللّٰهُ بَصِيْرٌ بِمَا يِعْمَلُوْنَ ﴾ (بقره، ۹۶).

در آیه شریفه، به حریص‌ترین مردم اشاره شده است که از دنیاگرایان محسوب می‌شوند. آرزوی داشتن عمر هزارساله نشان‌دهنده حریص بودن دنیاگرایان به حیات ناچیز و پست دنیاست (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱: ص ۳۴۵).

به عبارت دیگر، حریص‌ترین مردم در دنیا کسانی هستند که تنها زندگی زودگذر دنیایی را می‌شناسند و طولانی بودن عمرشان را نیز به خاطر به دست آوردن دنیا طلب می‌کنند (قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۲: ص ۹۰).





در این آیه، واژه «تَجِدْتَهُمْ» برای بیان شدت حرص و علاقه دنیاطلبان به دنیاست تا حدی که کسی که از حال آنان باخبر باشد، به وضوح از شدت این دل‌بستگی و علاقه آنان به دنیا آگاه می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ج ۵: ص ۵۶۸). حرص و ولعی که دنیاطلبان در کسب دنیا دارند، به حدی است که آنان را از توجه به آخرت باز می‌دارد.

خداوند در آیه دیگری به این شدت حرص و طمع دنیاطلبان برای دستیابی به ثروت و مال دنیایی این گونه اشاره می‌فرماید: ﴿ذُرِّي وَ مَنْ خَلَقْتُ وَجِيداً \* وَ جَعَلْتُ لَهُ مَالاً مَمْدُوداً \* وَ بَيْنَ شُهُوداً \* وَ مَهَّدْتُ لَهُ تَمْهِيداً \* ثُمَّ يَطْمَعُ أَنْ أَزِيدَ﴾ (مدثر، ۱۱-۱۵). خداوند در این آیات از کسی سخن می‌گوید که هر چند از بهره‌های دنیایی کاملاً برخوردار است، همچنان طمع ثروت و مال دنیا او را به خود مشغول کرده است و این از نهایت مال‌دوستی و ثروت‌اندوزی دنیاطلبان حکایت دارد.

در سخنی از امام علی علیه السلام آمده است که دستیابی به مطامع دنیایی بیش از هر چیز بر حرص و ولع انسان می‌افزاید، تاجایی که برای رسیدن به دنیا و حوائج آن از هر طریقی تلاش می‌کند و این تلاش تا جایی ادامه دارد که انسان را از ارتکاب حرام نیز باز نمی‌دارد (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱۷: ص ۱۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۳: ص ۴۸۳).

امام باقر علیه السلام نیز حریص به دنیا را مثل کرم ابریشمی می‌داند که هر چه بیشتر به دور خود تار می‌پیچد، از رهاشدن دورتر می‌شود، تا جایی که از اندوه و غم می‌میرد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ص ۳۱۶؛ طبرسی، ۱۳۸۵ق، ص ۲۶۵).

گاهی این حرص و طمع، خود را در اموال و فرزندان نشان می‌دهد؛ چنان که خداوند سبحان می‌فرماید: ﴿اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ نَهْوٌ وَ زِينَةٌ وَ تَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَ تَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَ الْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْبٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَأُهُ ثُمَّ يَهِيحُ فَتَرَاهُ مُضْفَرًا ثُمَّ

يَكُونُ حُطَامًا وَ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَ مَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانٌ وَ مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ ﴿ (حدید، ۲۰).

چنان که ملاحظه می شود از حرص و طمع شدید دنیاگرایان به اموال و فرزندان اشاره شده است، در حالی که از ویژگی های دنیا و متعلقات آن، زودگذر بودن و از بین رفتن است؛ لذا علاقه به چیزی که فانی و زائل شدنی است خلاف عقل و منفعت انسانی به شمار می رود.

در کلامی از امام علی علیه السلام به حرص و طمع برای رسیدن به روزی دنیایی اشاره شده و به انسان گوشزد می شود که روزی هر کسی تعیین شده و باید از حرص و طمع دوری کند (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۴: ص ۳۸۶).

امام علی علیه السلام در جایی دیگر به حریص بودن دنیاطلبان در کسب روزی اشاره کرده، می فرماید: «عجب دارم از کسی که می داند خداوند در حقیقت متکفل روزی هاست و آن را تقدیر کرده و سعی و تلاشش در آنچه از آن برایش تقدیر شده چیزی را زیاد نخواهد کرد، اما در عین حال، در طلب روزی، حریص رنجبر است» (تمیمی، ۱۳۶۰، ص ۳۹۶). چنان که ملاحظه می شود حضرت امیر علیه السلام انسان ها را از حرص ورزی در کسب روزی بر حذر داشته است؛ چرا که خداوند به هر کس به اندازه ای که مستحق است، روزی عطا می کند.

به نظر می رسد دنیاطلبان به سبب ضعف ایمان به خداوند یا شریک دانستن غیر در اراده الهی و یا بی اعتقادی به خداوند، بیشتر از اینکه به خداوند دل ببندند و به او اعتماد کنند، خود با حرص و ولع زیاد برای دستیابی به نعمت های دنیایی اقدام می کنند.

## ۲-۷-۲- بخل

از اوصاف و رذایلی که بر اثر مهار نکردن حرص، در وجود آدمی پدیدار می شود، بخل شدید است؛ چنان که خداوند می فرماید: ﴿قُلْ لَوْ أَنَّكُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي إِذًا لَأَمْسَكْتُمْ خَشْيَةَ الْإِنْفَاقِ وَ كَانَ الْإِنْسَانُ قَتُورًا﴾ (اسراء، ۱۰۰).



از مفاد این آیه چنین برمی آید که انسان‌های یادشده، کسانی هستند که به خاطر ترس از خدا از انفاق در راه خدا پرهیز می‌کنند. «قتور» از «قتر» به معنی جمع کردن و مضایقه کردن (ابن فارس، ۱۴۱۴ق، ج ۵: ص ۵۵) و صیغه مبالغه به معنی بخل ورزیدن شدید است. به نظر می‌رسد خطاب آیه با انسان‌های دنیاگراست که ثروت و نعمت‌های دنیایی زیادی در اختیار دارند اما باز از بذل مال خویش در راه خدا امتناع می‌کنند و بخل می‌ورزند. با توجه به اینکه دنیاگرایان، دنیا را اصیل می‌پندارند و همه چیز به همین دنیای مادی محدود می‌دانند، گرایش به بخل در آنان نمود فراوانی دارد. به بیان دیگر، دنیاگرایان تنها به فکر جمع‌آوری و زیاد کردن ثروت و نعمت‌های دنیایی هستند و حتی اگر به اندازه خزائن الهی از نعمت‌های الهی برخوردار باشند، باز هم به بخل و حساست گرایش دارند.

## ۲-۸- آرامش و رضایت دروغین

آرامش وطمأنینه قلبی از ویژگی‌های مهم کسانی است که به خدا و روز قیامت اعتقاد دارند و از تلاش برای رسیدن به آن بازمی‌مانند (رعد، ۲۸-۲۹)؛ در حالی که دل‌بستگی به دنیا و لذت‌های زودگذر آن، انسان را در آرامشی کاذب قرار می‌دهد که به سبب چشم‌پوشی از آخرت و سرای باقی حاصل می‌شود. او خیال می‌کند که آرامش دارد، اما آرامش او، لحظه‌ای و زوال‌پذیر است و ترس و اضطرابی است که در پس‌زمینه زندگی او وجود دارد بر این آرامش غلبه دارد. در واقع، او لحظاتی با این آرامش کاذب، دچار غفلت از آن ترس و اضطراب همیشگی شده است و چنین ترسی با این آرامش دروغین تفاوت چندانی ندارد. این نکته درباره امید نیز صدق می‌کند؛ از این رو به امیدواری چنین افرادی، امید کاذب اطلاق می‌شود.

طبق آیات الهی، دنیاگرایان نیز مانند دیگران در پی یافتن آرامش و طمأنینه قلبی هستند، اما به دلیل غفلت و بی‌خبری از خدا و روز قیامت، به آرامش کاذب و واهی دچار می‌شوند و از آرامش حقیقی محروم می‌مانند. خداوند، این حال دنیاطلبان را



این گونه وصف می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنَّنُوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ» (یونس، ۱۰). با توجه به این آیه، دنیاطلبان نیز در طلب آرامش‌اند، اما آرامشی که به دست می‌آورند، کاذب و زودگذر و زوال‌پذیر است؛ لذا به آرامش حقیقی که مطلوب هر انسانی است، دست نمی‌یابند و همواره در اضطراب و ناآرامی به سر خواهند برد.

## ۲-۹- امید کاذب

به نظر می‌رسد در باور آخرت‌گرایان، امید حقیقی هر انسانی، خدا و بشارت‌های الهی است. امید حقیقی، امیدی است که در راه رضای الهی باشد. گاهی دیده می‌شود امید دنیاطلبان، به دنیا و لذت‌ها و نعمت‌هایی است که در اختیار آنان قرار داده شده است؛ کما اینکه خداوند می‌فرماید:

﴿فَخَلَفَ مِنْ بَدَائِهِمْ خَلْفٌ وَرِثُوا الْكِتَابَ يَأْخُذُونَ عَرَضَ هَذَا الْأَدْنَىٰ وَيَقُولُونَ سَيُغْفَرُ لَنَا وَإِنْ يَأْتِهِمْ عَرَضٌ مِثْلَهُ يَأْخُذُوهُ أَلَمْ يُؤْخَذْ عَلَيْهِمْ مِيثَاقُ الْكِتَابِ أَنْ لَا يَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ وَدَرَسُوا مَا فِيهِ وَالِدَارُ الْأَخِرَةُ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾ (اعراف، ۱۶۹).

در این آیه، از دنیاطلبانی سخن گفته شده است که برای کسب نعمت‌های زودگذر دنیایی، هر کاری می‌کنند و به کارهای غلط خود در بهره‌گیری افراطی از لذت‌های فانی دنیا ادامه می‌دهند و در عین حال، امید بخشایش دارند. این به دلیل غفلتی است که دنیاطلبان به خاطر اشتغال به دنیا و بهره‌بردن از منافع آن، دچارش شده‌اند؛ لذا با تکیه بر امیدی واهی، به اعمال غلط خود پایان نمی‌دهند.

خداوند، درباره این امید واهی دنیاطلبان این گونه می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنَّنُوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ» (یونس، ۷). در حقیقت، امید به دنیای زودگذر و فانی، امیدی واهی و خیالی است که در این آیه نیز به آن اشاره شده است.



### ۳- پیامدهای ناخواسته

گرایش و علاقه شدیدی که دنیاگرایان به دنیا و لذت‌های زودگذر آن دارند، آثاری روانی در آنان ایجاد می‌کند که از خواست و میل آنان خارج است و روح و روانشان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. باید توجه داشت که زمینه‌ها و مقدمات چنین آثاری از سوی خود دنیاگرایان شکل گرفته است؛ لذا دنیاطلبان خود در برابر چنین آثار و حالاتی مسئول‌اند. در ادامه، به این پیامدها اشاره می‌شود.

### ۳-۱- ترس و اضطراب

اطمینان و اعتماد به خداوند سبحان از جمله ویژگی‌های کسانی است که به خدا و آخرت ایمان دارند و برای تقویت این ویژگی در خود تلاش می‌کنند. گاهی برخی از افراد (از جمله دنیاگرایان) به دلیل نداشتن اطمینان و اعتقاد به خداوند سبحان و دل‌بستن به معبودهای ظاهری، دچار ترس و اضطراب در ساحت‌های مختلف زندگی می‌شوند؛ به عبارت دیگر، دنیاگرایان به دلیل برخی از ویژگی‌ها (از جمله دل‌بستگی به دنیا، نداشتن باور و اعتقاد به خدا و اینکه مالک هر چیزی خداوند است)، با ازدست‌دادن لذت‌ها و نعمت‌های دنیایی، گرفتار اضطراب و ترس و در نهایت، یأس و ناامیدی می‌شوند.

در حقیقت، اتکا و اطمینان به دنیا، خشنودی از دنیا و نعمت‌های آن و در نهایت، بی‌خبری از آیات الهی موجب می‌شود دنیاگرایان، اساس کار خویش را دنیا و رسیدن به اهداف کاذب قرار دهند؛ لذا وقتی به آن نمی‌رسند و یا آن را از دست می‌دهند، حالت ترس و اضطراب در ایشان ظاهر می‌شود. خداوند سبحان نیز از این ویژگی‌های دنیاطلبان سخن گفته است: «إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ لِقَاءَنَا وَ رَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ اطْمَأَنَّنُوا بِهَا وَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ»؛ «کسانی که امید به دیدار ما ندارند و به زندگی دنیا دل خوش کرده و بدان اطمینان یافته‌اند و کسانی که از آیات ما غافل‌اند» (یونس، ۷).



با توجه به آیات الهی، دنیاگرایان، زندگی فانی دنیوی را بر حیات جاودان آخرت برگزیده‌اند (نحل، ۱۰۶-۱۰۹) و به زینت‌های دنیا دل‌بستگی دارند (بقره، ۲۱۲)؛ لذا با ازدست‌دادن آن دچار اضطراب و ترس می‌شوند.

همچنین، خداوند از حال دنیاگرایانی سخن می‌گوید که دارای اموال و فرزندان زیادی هستند. دل‌بستگی به این نعمت‌ها، هرچند بی‌برکت و مایه‌درد و رنجشان در دنیا است، اما چشم‌پوشی از آن‌ها برای ایشان دشوار است (توبه، ۵۵ و ۵۸). به عبارت دیگر، با توجه به مفاد آیات، هرچند دنیاطلبان دارای نعمت‌های متعدّدند، نه تنها اموالشان برکت ندارند و فرزندان‌شان صالح نیستند، بلکه مایه‌عذاب و رنجشان می‌شوند؛ اما با تمام وجود به چنین نعمت‌هایی دل بسته‌اند و حتی با ازدست‌دادن این نعمت‌های ظاهری دچار ترس و اضطراب می‌شوند. در واقع، از یک سو، ایمان خود را فدای این علاقه می‌کنند و کافر می‌شوند و از سوی دیگر، چون نعمت‌هایشان از برکت و کارایی لازم برخوردار نیست، در ناراحتی‌های روحی مانند ترس و اضطراب غوطه‌ور می‌شوند. این نتیجه‌علاقه و دل‌بستگی بی‌حد و حصر دنیاطلبان به دنیا است.

### ۳-۲- یأس و ناامیدی

چنان‌که در قسمت پیشین بیان شد، دنیاگرایان به دلیل دل‌بستگی به دنیا و اصل‌پنداشتن حیات دنیایی، هنگام ازدست‌دادن دنیا و مواهب دنیایی دچار اضطراب و ترس و در نهایت، ناامیدی می‌شوند.

البته گاهی نیز به دست‌نیاوردن آنچه دنیا و مواهب دنیایی نامیده می‌شود، در انسان حالت یأس و ناامیدی به وجود می‌آورد؛ چراکه وقتی انسان به حیاتی غیر از حیات فانی دنیایی اعتقاد نداشته باشد، ناکامی در دستیابی به آن موجب یأس و ناامیدی را در او می‌شود. خداوند درباره‌ی این حالت می‌فرماید: ﴿لَا يَسْأَلُ الْإِنْسَانُ مِنْ دُعَاءِ الْخَيْرِ وَإِنْ مَسَّهُ الشَّرُّ فَيَوْسُقَنْوُطٌ﴾؛ «انسان از دعای خیر خسته نمی‌شود و چون آسیبی به





او رسد، مأیوس [و] نومید می گردد» (فصلت، ۴۹). موضوع این آیه، بیان حال کسانی است که همواره طالب مال و نعمت‌های دنیایی هستند و اگر نقصانی در مال یا جان ایشان ایجاد شود، به کلی از رحمت خداوند ناامید می‌شوند.

طبرسی در ذیل این آیه، انسان موردخطاب در آیه را کافری می‌داند که از مال طلبی خسته نمی‌شود و مدام از خداوند سبحان، مال و عافیت طلب می‌کند و اگر بلا و تنگدستی به او برسد، حالت یأس و ناامیدی تمام وجود او را فرامی‌گیرد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹: ص ۲۸).

خداوند در آیه دیگری می‌فرماید: ﴿وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَ نَأَىٰ بِجَانِبِهِ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ كَانَ يَؤُوسًا﴾؛ «و چون به انسان نعمت ارزانی داریم، روی می‌گرداند و پهلو تهی می‌کند و چون آسیبی به وی رسد، نومید می‌گردد» (اسراء، ۸۳).

خداوند در این آیه از انسان‌هایی سخن می‌گوید که اگر دچار تهیدستی و محنت شوند، بی‌صبری می‌کنند و ناامیدی بر آنان حاکم می‌شود. طبرسی این ناامیدی و یأس را حالت انسان‌های غیرمؤمن می‌داند؛ چرا که مؤمنان در تمام حالات زندگی خویش از نشاط و امیدواری برخوردارند (همان، ج ۶: ص ۶۷۳).

علامه طباطبایی معتقد است با توجه به اینکه تمام امید و دل‌گرمی انسان متوجه اسباب ظاهری است، به این اسباب دل می‌دهد و در صورت ازدست‌دادن آن‌ها دچار یأس و ناامیدی می‌شود. علامه، در ادامه انسان را دارای دو حال می‌داند: حال فطری که بنا بر آن، در تمام حالت‌ها توجه و رجوع انسان به پروردگار است و حال عادی که انسان در این حالت، نعمت را از اسباب ظاهری می‌داند، از توجه به پروردگار غافل می‌شود و در صورت ازدست‌دادن نعمت‌های ظاهری به کلی مأیوس می‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۳: ص ۱۸۵).

به نظر می‌رسد امید به اسباب و نعمت‌های ظاهری، از حالت‌ها و شاخصه‌های انسان‌های دنیاگراست که به دلیل ناپایداری و فانی‌بودن این نعمت‌ها، هر آن ممکن



است این نعمت‌ها و اسباب ظاهری از انسان گرفته شود که در این صورت، با از دست دادن آن‌ها چنین انسان‌هایی به ناامیدی دچار می‌شوند.

خداوند می‌فرماید: ﴿وَلَيِّنْ أَدْفَنَّا الْإِنْسَانَ مِمَّا رَحِمَةً لِّمَنَّا نَزَعْنَا مِنْهُ إِنَّمَا لِيُؤْتِسِ كَفُورًا﴾؛ «و اگر از جانب خود رحمتی به انسان بچشانیم، سپس آن را از وی سلب کنیم، قطعاً نومید و ناسپاس خواهد شد» (هود، ۹).



## نتیجه‌گیری

دنیاگرایی چنان در اندیشهٔ انسان رسوخ می‌کند که در ساحت گرایش، پیامدهایی روانی در پی دارد. گاهی این پیامدها در محدودهٔ میل و خواست دنیاگرایان قرار دارد و گاهی نیز از اراده و خواست آنان خارج است. به بیان دیگر، به نظر می‌رسد علاقه و دل‌بستگی به دنیا موجب می‌شود دنیاطلبان در بهره‌بردن از دنیا و لذت‌های آن هیچ حد و حصری برای خود قائل نشوند و تمام لذت‌ها را محدود در لذت‌های دنیایی بدانند.

از سوی دیگر، حب دنیا باعث می‌شود به نعمت‌های دنیایی دل ببندند و به دنیای زودگذر و فانی امید داشته باشند؛ لذا در این راه به حرص و ولع مفرط دچار شوند. این علاقه و دل‌بستگی، پیامدهای خودخواسته‌ای چون خودشیفتگی، خودبزرگ‌بینی، راحت‌طلبی، علاقه به مال‌اندوزی، آرزومداری، مشغول‌شدن به دنیا، خداگریزی، بخل و آرامش و امید کاذب را به همراه دارد و از سوی دیگر، پیامدهای ناخواسته‌ای همچون نومیدی، ترس و اضطراب را برای انسان به همراه می‌آورد.



## کتاب نامه

۱. قرآن کریم.
۲. ابن ابی الحدید، عبدالحمید (۱۴۰۴ق)، شرح نهج البلاغه، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲)، الخصال، تحقیق علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق)، من لا یحضره الفقیه، تحقیق علی اکبر غفاری، چ ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۵. ابن فارس، احمد (۱۴۱۴ق)، معجم مقاییس اللغة، قم: هجرت.
۶. تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۳۶۶)، تصنیف غررالحکم و درر الکلم، قم: دفتر تبلیغات.
۷. ثعلبی، احمد بن محمد (۱۴۲۲ق)، الكشف و البیان، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۸. جمعی از نویسندگان (۱۳۸۰)، زمینة روان شناسی اتیکسون و هلیگارد، ترجمه مهدی گنجی، چ ۳، تهران: ارجمند.
۹. جمعی از نویسندگان (۱۳۹۴)، دایرة المعارف قرآن کریم، قم: بوستان کتاب.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸)، تفسیر تسنیم، چ ۵، قم: اسراء.
۱۱. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶ق)، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة، بیروت: دار العلم للملایین.
۱۲. دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۰۸ق)، اعلام الدین فی صفات المؤمنین، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۱۳. راغب اصفهانی، حسین (۱۴۱۲ق)، مفردات الفاظ القرآن، بیروت: دار القلم.
۱۴. رضی، محمد بن حسین (۱۴۰۶ق)، خصائص الأئمة علیهم السلام (خصائص امیرالمؤمنین)، مشهد: آستان قدس رضوی.



۱۵. رضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق)، نهج البلاغه، قم: هجرت.
۱۶. زبیدی، محمد (۱۴۱۴ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دار الفکر.
۱۷. شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۹۰)، روان شناسی عمومی، تهران: اطلاعات.
۱۸. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۹۰ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، چ ۲، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۱۹. طبرسی، علی بن حسن (۱۳۸۵ق)، مشکاة الانوار فی غرر الاخبار، چ ۲، نجف: المكتبة الحيدرية.
۲۰. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چ ۳، تهران: ناصر خسرو.
۲۱. طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵)، مجمع البحرین، چ ۳، تهران: مرتضوی.
۲۲. طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۳. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، التفسیر الکبیر، چ ۳، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۴. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، العین، چ ۲، قم: هجرت.
۲۵. فیض کاشانی، محسن (۱۴۱۵ق)، تفسیر الصافی، چ ۲، تهران: مکتبة الصدر.
۲۶. قرشی، علی اکبر (۱۳۷۱)، قاموس قرآن، چ ۶، تهران: دار الکتب الاسلامیة.
۲۷. قمی مشهدی، محمد (۱۳۶۸)، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۸. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳)، تفسیر القمی، چ ۳، قم: دار الکتب.
۲۹. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، چ ۴، تهران: دار الکتب الاسلامیة.
۳۰. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الائمة الاطهار، چ ۲، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۱. مدرسی، محمد تقی (۱۴۱۹ق)، من هدی القرآن، تهران: دار محبی الحسین.



۳۲. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۰)، معارف قرآن، چ ۳، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه.
۳۳. مصطفوی، حسن (۱۳۶۸)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۴. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، چ ۱۰، تهران: دار الکتب الاسلامیه.





## **Consequences of the tendency to desire the worldliness from the perspective of the Quran**

Parisa Sedighi\*, Kamran Oveysi\*\*

### **Abstract**

Discovering the consequences of a vice in the science of ethics and in the field of studying human tendencies can help motivate its improvement in human beings. Tendencies are a set of emotions and feelings that are affected by the type of human thinking and vision. One of the influential tendencies on human personality that has destructive moral consequences for her is worldliness. Therefore, in the present article, an attempt has been made to explain the consequences of worldliness with a descriptive-analytical method. Voluntary psychological effects on secularists such as apostasy, narcissism, aspiration, comfort seeking, amassing wealth which includes avarice and greed, as well as arrogance, false hope and peace of mind and unwanted psychological effects that include despair, hopelessness, fear and anxiety. It is one of the consequences of worldliness.

### **Keywords**

ethics, human, worldliness, Quran, orientation.



---

\* Master of Science, Qom University of Islamic Studies, Iran (Responsible Author).  
P.sedighi93@gmail.com

\*\* Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Studies, University of Islamic Studies, Qom, Iran.  
oveysi@maaref.ac.ir

## **The Statement of The Second Step of the Islamic Revolution, and Health Ethics**

Mohsen Rezaei Adaryani\*

### **Abstract**

The Iranian Supreme Leader issued a statement in February 2019 which has become well-known as ‘the second phase of the revolution statement’. His second advice in this statement concerns “spiritualities and ethics”. This study had addressed and discussed the components of this advice in relation to ethics and medical ethics in Iran. This study followed the content analysis to analyze the issued statement. The points that are related to ethics and medical ethics divided and analyzed into two categories: a) ethics and civilization creation, and b) the ethical components. The second category itself was divided into three subcategories: 1) ethical principles, 2) ethics, guiding the movements and society needs, and 3) the role of organization in promoting ethics. Today, healthcare system needs to observe personal, professional ethics. Despite praiseworthy efforts and advancements made in medical ethics in Iran, the constant improvement of medical ethics requires strenuous efforts to reach the full potential of the modern Islamic civilization. On par with personal ethics, organizational ethics and being ethical of the management of the Iranian healthcare system is also important. Macro-policies and micro-policies need to be formulated based on the observation of the principles and rules of medical ethics.

### **Keywords**

Islamic revolution, second phase statement, modern Islamic civilization, ethics, medical ethics.

---

\*Assistant Professor, Department of Philosophy and Ethics of Health, Faculty of Health and Religion, Qom University of Medical Sciences and Health Services, Qom, Iran.  
mrezaie@muq.ac.ir







## **Presenting a Model Based on Informing the Audience in Order to Overcome the Deception of the Media based on the Family Environment**

Husein Soltanian\*, Faezeh Taghipoor\*\*, Hamidreza Peikari\*\*\*

### **Abstract**

The ultimate goal of this research is to provide a model. In this research, the relationship between informing the audience (moderating variable) in order to overcome deception (independent variable) media (dependent variable) in the field of family, in the age of communication, reaching the audience and informing the audience and influencing them. , is one of the goals of various media workers. One of the most important elements of communication with the audience is the effect that the media leaves on him. Looking at the background of the research on the impact of the media and informing the audience, especially in the family environment, in order to get out of the deception of the media, it can be seen that the impact of the media on the audience has always been the focus of their moderators, Is. and whether they can help them achieve their goals. The present study aims to qualitatively investigate the ways and effects of media deception in the family. The method of library and documentary research and the tool of information gathering is note-taking. In order to gather information, theoretical books about media and critical studies, scientific-research-specialized articles and translations of specialized texts are reviewed and analyzed. In the family environment, the analysis of the contexts and factors of deception in the media and the ways out of it and the impact of the media on informing the audience are examined and identified.

### **Keywords**

media, deception, escape from deception, family, media literacy.

---

\* PhD student in communication sciences, Journalism Minor, Islamic Azad University, Khorasgan Branch, Isfahan, Iran. Hs.soltanian83@gmail.com

\*\* Assistant Professor of Communication Department, Islamic Azad University, Khorasgan Branch, Isfahan, Iran. Faezeh.taghipour@gmail.com

\*\*\* Assistant Professor of Communication Department of Islamic Azad University, Khorasgan Branch, Isfahan, Iran. amid726@gmail.com

## **A Comparative Analysis of the Concept of Moral Education from the Perspective of Allameh Tabatabai with the Growth Pattern of Personality Traits for Applying in Parenting**

Kowsar Dehdast\*

### **Abstract**

One of the functions of the family is to raise new members and train children in the form of various educational needs, including moral education. The present article seeks to gain a deeper view of this field through an analytical comparison of the principles of ontology, anthropology and applications of the two models of moral education from the perspective of Allameh Tabatabai and the development of personality traits.

To achieve this goal, we used the method of the cyclical analysis process. Based on this, the parenting model based on Allameh Tabatabai's moral education views was explained as a new model and it was shown that "character" is the main purpose of changing the process of this model and how to create it under the influence of three factors. "Inherent nature (inherited)", "non-intrinsic moral traits (environment-created )" and "morality (self-made)" are human and the "will" of the person himself plays an important role in creating and shaping it. This model is based on creating changes in these factors and components to establish their own educational and training strategies and methods. There are fundamental differences in terms of ontological, anthropological, and applied principles with the pattern of moral education for the development of personality traits.

### **Keywords**

moral education, morality-oriented parenting model, the growth pattern of personality traits, Allameh Tabatabai.

---

\*Assistant Professor of counseling, Department of counseling, Refah Colldege University, Iran, Tehran. dehdast92@gmail.com





## **Explaining the ethical principles governing the production and distribution of content in cyberspace from the perspective of Islamic ethics**

Sobhan Naqdpour\*, Hosein Diba\*\*, Farzaneh Islami Babaheidari\*\*\*

### **Abstract**

Producers and promoters of content in cyberspace, due to their particular activity in cyberspace, which in a way forms the main infrastructure of other cyber activities of users of virtual content, have a special place in the direction of making cyberspace an ethical space. The important issue is to explain the requirements of ethical adherence and ethical behavior of producers and promoters of content in cyberspace. If the issue is not explained, the ethical behavior of these people and as a result, the moralization of cyberspace is impossible and unattainable. The purpose of this research is to answer the questions that are related to the value bases of the actions and moral responsibilities of the producers and promoters of content in cyberspace and information and communication technologies. From the perspective of the revealed teachings of Islam, the principles and moral values in the field of content production and promotion in the virtual space are: truth and honesty, attention to the affairs of others and service, responsibility and conscientiousness, trustworthiness and respect for the rights of others, increasing knowledge, avoiding the spread of prostitution, protecting the environment and avoiding rumours. The research method in terms of collecting information, is library and field observation of cyberspace and in terms of presenting information in an analytical form and in terms of the purpose is practical.

### **Keywords**

Information technology ethics, virtual space, ethical principles, code of ethics, virtual, virtual providers and promoters.

---

\* Holder of Level 4 From Islamic Seminary, Jurisprudence, Qum, Iran.  
Sobhan.naghdipoor68@gmail.com

\*\* Ph.D Holder and Assistant Professor of Islamic Science and Culture Research Institute, Qum, Iran. hoseindiba@gmail.com

\*\*\* Holder of Level 3 from Masumiyeh Seminary, Quranic exegesis, Qum, Iran.  
Sobifari89@gmail.com.

## **Ethical Prerequisites and Co-requisites of Acquiring Knowledge with an Emphasis on Quranic and Hadith Teachings**

Safar Nasirian<sup>\*</sup>, Moslem Mohammadi<sup>\*\*</sup>

### **Abstract**

The moral prerequisites of acquiring knowledge are those moral values in the field of acquiring knowledge that are needed by the Acquirer of knowledge before starting the study of knowledge and the moral co-requisites are also called those moral values that the Acquirer of knowledge need to adorn themselves with while acquiring knowledge. Considering the various ethical challenges that are seen in scientific fields, this research provides solutions to solve these challenges, without a mere abstract attitude. This article aims to examine the prerequisites and co-requisites of acquiring knowledge from the perspective of intellectual, narrative and common native custom and with descriptive and analytical methods. According to the investigations, ethics can be considered in the field of prerequisites, from three aspects; general, scientific and spiritual, and in the field of co-requisites, from the three aspects of general considerations, learning considerations and environmental social considerations. It should be said that each of the mentioned aspects include other sub-values that are discussed in this article on a case-by-case basis.

### **Keywords**

Acquirer of knowledge, ethics, knowledge, spirituality, professor, considerations, Environment.

---

<sup>\*</sup>Assistant Professor, Shahid Rajaei Campus, Farhangian University, Urmia, Iran.  
s.nasirian@ut.ac.ir

<sup>\*\*</sup>Associate Professor of Farabi School of Tehran University, Qom, Iran.  
mo.mohammadi@ut.ac.ir



# CONTENTS

**Ethical Prerequisites and Co-requisites of Acquiring Knowledge with an Emphasis on Quranic and Hadith Teachings**

Safar Nasirian, Moslem Mohammadi

**Explaining the ethical principles governing the production and distribution of content in cyberspace from the perspective of Islamic ethics**

Sobhan Naqdipour, Hosein Diba, Farzaneh Islami Babaheidari

**A Comparative Analysis of the Concept of Moral Education from the Perspective of Allameh Tabatabai with the Growth Pattern of Personality Traits for Applying in Parenting**

Kowsar Dehdast

**Presenting a Model Based on Informing the Audience in Order to Overcome the Deception of the Media based on the Family Environment**

Husein Soltanian, Faezeh Taghipoor, Hamidreza Peikari

**The Statement of The Second Step of the Islamic Revolution, and Health Ethics**

Mohsen Rezaei Adaryani

**Consequences of the tendency to desire the worldliness from the perspective of the Quran**

Parisa Sedighi, Kamran Oveysi

# **CONTENTS**

# **ABSTRACTS**

**IN THE NAME OF ALLAH**





Islamic Sciences and Culture Academy  
Institute of Family and Theology  
Quarterly Journal of Extension in Ethics  
No.45 (67th Successive Spring 2022 / Twelfth Year

\*

Publisher: Islamic Preaching Office of the Theological Seminary of Qom

Director in Chief: Ahmadian, Abdorrasool

Editor in Chief: Hadi, Asghar

Executive Manager: Baharloo, Mohammad

\*

Editorial Board (in alphabetical order):

Alizadeh, Mahdi/Assistant Professor of the Islamic Science and Culture Academy  
Azarbayjani, Masoud/Associate Professor of the Institute of Hawza and University  
Diba, Hossein/Assistant Professor of the Islamic Science and Culture Academy  
Eslami Ardakani, Sayyed Hassan /Professor of the University of Religions and  
Denominations

Habibollahi, Mahdi/Assistant Professor of Bagher-Ol'Oloom University

Hadi, Asghar/Assistant Professor of the Islamic Science and Culture Academy

Salarifar, Mohammadreza/ Assistant Professor of the Institute of Hawza and  
University

\*

Editorial Board of this Issue:

Sayyed Hassan Eslami Ardakani , Mahdi Habibollahi, Hossein Diba,

Mohammadreza Salarifar, Asghar Hadi

\*

Proofreader: Shirani, Maryam

English Translator: Habibollahi, Mahdi

Typesetting: Rajabi, Fatemeh

Publication: Isfahan Islamic Preaching Office Publication

Published by: Boostan Ketab Institute of Publication – Islamic Preaching Office

Published by: Institute of Family and Theology, affiliated to the Academy of  
Islamic Research, Science and Culture

Address: Islamic Preaching Office, Hafez St., Isfahan 81469-57571, Iran

E-mail: akhlagh@dte.irwebsite: <http://akhlagh.morsalat.ir>

Tel: 031-32344410 (EX7651) PO Box: 81465-697 Fax: 031-32208005

